

## آموزش فا در کنفرانس فای بین‌المللی ۲۰۰۴ در نیویورک

لی هنگچی، ۲۱ نوامبر ۲۰۰۴

شما به سختی کار کرده‌اید. (تشویق)

به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، به‌ویژه به‌عنوان یک مرید دوره اصلاح فا، مسئولیت عظیمی را بدوش می‌کشید، و مأموریت مهمی دارید که تاریخ به‌عهده شما گذاشته است. اما شما بی‌نظیر انجام داده‌اید، و من، استاد شما، می‌توانم این‌را در برابر همه موجودات کیهان اعلان کنم. به‌عبارت دیگر، شما ستایش و تحسین آن‌ها را کسب کرده‌اید. اگرچه کارهایی را که شما در این جهان انجام می‌دهید، مقداری شبیه کارهای روزمره افراد عادی به‌نظر می‌رسد، حقیقت این است که بنیان مریدان دافا و اهداف آن‌چه شما انجام می‌دهید، کاملاً متفاوت هستند. زیرا جهان بشری کاملاً در وهم و خیال است، با گیرافتادن در آن‌چه که برای آن‌ها واقعی و ملموس می‌باشد، برای مردم مشکل است که حقیقت را از دروغ تشخیص دهند. بنابراین بدون درنظر گرفتن اینکه مردم عادی می‌فهمند یا نه، مریدان دافا صرفاً از شکل‌های مردم عادی استفاده می‌کنند تا همه موجودات را نجات دهند. و اما شما تزکیه‌کنندگان، دقیقاً به‌خاطر تصور باطلی که اینجا در این دنیای بشری است، بودن در این محیط اجازه می‌دهد که شما تزکیه کنید، و کسانی که در تزکیه موفق می‌شوند برجسته هستند.

اکثریت شاگردان در کل، اعتباربخشی به فا را خیلی خوب انجام داده‌اند. البته برخی هستند که خوب عمل نکرده‌اند، اما آن‌ها اینجا مخصوصاً آمدند تا اعمال بدی انجام دهند، نیروهای کهن از آغاز این را برنامه‌ریزی کردند که آن‌ها چنین کارهایی را انجام دهند. بنابراین اهمیتی ندارد که آن‌ها در طی اوقات معمولی پیرامون مریدان دافا چگونه فعالیت می‌کنند، تنها در لحظات بحرانی و حساس جنبه حقیقی آن‌ها را می‌بینید. اهمیتی ندارد که آن‌ها چقدر درباره چیزها بخوبی صحبت می‌کنند یا در برابر همه چگونه بخوبی عمل می‌کنند، فقط در لحظات بحرانی است که بطور واقعی خود را نشان می‌دهند.

شما از میان لحظات توان‌فرسایی که پر از آزمایشات و سختی‌ها بود بیرون آمده‌اید. با نگاه به موقعیت کنونی، به هیچ وجه همانند آن‌چه که قبلاً بود نیست. وقتی آزار و شکنجه بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹ آغاز شد، شدت خشم و غضب اهریمن بسیار شدید بود، و شیوه‌ای که نیروهای اهریمنی را سازمان‌دهی می‌کردند به نظر می‌رسید که گویی درحال قرار دادن مریدان دافا در خطرات و خیمی بودند. اما اکنون شما دیده‌اید، نه، که تاریخ برای آن موجودات اهریمنی خلق نشد، بلکه برای استحکام بخشیدن مریدان دافا و برای نجات موجودات ذی‌شعور در طی دوره پایانی خلق شد. (تشویق) با آغاز از دوران‌های گذشته، نوع بشر از میان تمدن‌های بسیار زیادی در دوره‌های مختلف گذر کرد. موجودات انسانی با چیزهای بسیار زیادی از همه انواع فرهنگ‌های تاریخی از دوره‌های باستانی گرفته تا امروز، عجین شده‌اند. همان‌طور که مردم عادی آن‌را می‌بینند، هر چیزی که در ارتباط با تاریخ و فرهنگ‌های اخیر موجودات انسانی روی داده است، و هر چیزی که در دوره‌های پیشین در مورد موجودات روی زمین روی داده است، تاریخ و روند ازدیاد حیات را می‌سازد. همان‌طور که دانشمندان آن‌را می‌بینند، این روند تکامل حیات است. خوب، حقیقت این است که، این‌طور نیست. سراسر سه قلمرو، شامل تمامی موجودات در اجتماع بشری، ساخته شدند، شکل گرفتند، ظاهر شدند، متولد شدند، و به وجود آمدند تا این‌که موجودات ذی‌شعور بتوانند در حین اصلاح فا در زمان آخر کیهان رهایی و نجات یابند. به‌عبارت دیگر، سه‌قلمرو به این منظور، به منظور نجات موجودات در کیهان ساخته شد.

در طی اعصار حتی دورتر گذشته، در این بُعد، جایی که نوع انسان است، در این محیط، جایی که نوع بشر است، و در این سطح مادی که از مولکول‌ها تشکیل می‌شود، نوع انسان وجود نداشت. مردم امروزی از طریق اکتشافات دریافته‌اند که حیات خارج از محیط زمین وجود دارد. بله، در گذشته چنین موجوداتی بودند که در سراسر این سطح تشکیل شده از مولکول‌ها پخش بودند، و

انسان حتی وجود نداشت. چرا خدایان بعداً انسان را خلق کردند؟ زیرا قرار بود کیهان نوسازی شود، موجودات ذی‌شعور می‌بایست نجات می‌یافتند و سه‌قلمرو چنین محیطی را لازم داشت - محیطی که نقطهٔ مرکزی دوباره‌ساخته‌شدن کیهان شود، و محیطی که وقتی قانون بزرگ بخواهد در این محیط ویژه آموزش داده شود، موجودات در همهٔ قلمروها بتوانند فا را بشنوند. بخاطر هدف مهم نجات تمامی موجودات کیهان بود که سه‌قلمرو، و به‌ویژه نوع انسان در سه‌قلمرو خلق شد. بنابراین هر چیزی که در هر یک از دوره‌های تاریخ اتفاق افتاده است، شامل تاریخ اخیر بشر، به منظور خلق یک فرهنگ برای انسان، برای نوع انسان امروزی بوده است، تا امکان درک فا را داشته باشد. به هیچ وجه برای این در نظر گرفته نشده بود که نوع انسان زندگی کند، و حتی کمتر برای این که، نوع انسان پیشرفت کند یا نوعی زندگی خوبی را در اجتماع انسانی برای خودش بسازد. انسان ممکن است آرزوی چیزهای خوبی را داشته باشد و شاید به‌خاطر آن‌ها فعالیت کند، اما پیدایش سه‌قلمرو و نوع انسان ابتدا بدان منظور نبود.

اگر این‌طور باشد، دربارهٔ آن بیندیشید: آن چیزهایی که در طول مسیر تاریخ اتفاق افتاد، حتی حوادث واقعاً بزرگ، آیا علتی در نهان نداشتند؟ آیا آن‌ها بنیانی خاص را برای نوع انسان امروزی قرار ندادند؟ فرض کنید ساکیامونی، مسیح، مریم مقدس، لاتودی و غیره هرگز وجود نداشتند، پس آیا مردم می‌دانستند که ایمان راستین چیست؟ یک خدا چیست، یک بودا چیست، یک دائو چیست، چگونه فرد خودش را تزکیه کند و منظور از تزکیه چیست؟ و بهشت آسمانی برای آن‌ها چه معنایی دارد؟ اگر مردم هیچ عقیده‌ای نداشتند که آن چیزها چه بودند، پس برای من فوق‌العاده مشکل می‌بود که امروز قانون بزرگ را آموزش دهم. اگر مجبور می‌بودم آن مفاهیم را از ابتدا برای مردم تشریح کنم، پس آن آموزش قانون بزرگ نمی‌بود. وضعیت‌های مختلفی که موجودات هر گروه نژادی مختلف در هر دوره از تاریخ از میان آن گذشته‌اند و جهان‌بینی‌شان در ارتباط با تشخیص درستی از شرارت، راست از نادرست و خوب از اهریمن، همهٔ این چیزها از روی قصد توسط خدایان در طول سال‌های طولانی و به درازا کشیده شده، برای انسان‌ها خلق شد، تا مردم را قادر سازد درکی پایه‌ای از آن چه درست و اشتباه، خوبی و اهریمن است، داشته باشند. سپس هنگامی که دافا اشاعه یابد و نجات موجودات ذی‌شعور آغاز شود، مردم تمام این چیزها را بفهمند و قادر باشند بگویند که آیا این فا خوب است و آیا آن درست است.

در طول روند تاریخ مردم آمده‌اند تا خدایان را بشناسند. یک "خدا" چیست؟ اگر چه آن فقط یک درک سطحی می‌باشد، اما مردم [واقعاً] می‌دانند که خدایان باشکوه و مقدس هستند. و اگر چه موجودات مختلف "خدایان" را به طرق متفاوتی می‌شناسند و تصور می‌کنند، همگی آن‌ها معتقدند که خدایان نسبت به مردم شفقت دارند و می‌توانند آنان را نجات دهند. تمام چهره‌های حماسی که در سلسله‌ها و دوره‌های متفاوت تاریخ چین پدیدار شدند، تمام آن چهره‌های فرهنگی برجسته که تاریخ را ساختند، همهٔ آن‌ها در حقیقت درحال بنیان گذاشتن شیوه‌هایی برای بشر که فکر کند بودند، بنیان گذاشتن ساختار و شیوه‌های تفکری که مردم امروزی را توصیف می‌کند بودند. آن تعهدی باشکوه بوده است که در آن، ترکیب تفکر گونهٔ انسان خلق شد. آن در طول دوره‌ها و دوره‌ها اتفاق افتاد، جایی که نژاد انسان مجبور شد قبل از اینکه بتواند معنی چیزها و فرهنگ‌های مختلف را درک کند، آن‌ها را مستقیماً تجربه کند. بنابراین این دلیل آن است که چرا وقتی چیزی روی می‌دهد یک فرد می‌تواند معنی آن را درک کند و از طریق آن رویداد، می‌تواند آن‌چه را که آن در سطحی عمیق‌تر نمایان می‌کند بفهمد. به عنوان مثال "خوب" چیست، خوبی چه چیزی را دربر دارد، معنی ضمنی آن چیست و گسترهٔ این اصطلاح چه می‌باشد؟ یا همین‌طور، "اهریمن" شبیه چیست و برای چیزی، "درست" یا "نادرست" بودن چه معنایی دارد؟ مردم از طریق تجربیات عملی‌شان آمدند تا همهٔ این چیزها را درک کنند و توانستند به طور حقیقی معانی آن‌ها را بفهمند. فقط پس از آن مردم توانستند درکی عمیق از این همه داشته باشند. این‌ها چیزهای پایه‌ای ساده‌ای نیستند که بتوانید کاری کنید که مردم یک‌شبه درک کنند.

وقتی خدایان در ابتدا موجودات انسانی را خلق کردند، هیچ چیزی در ذهن مردم نبود، یک لوح کاملاً سفید بود، آن‌ها نمی‌توانستند هیچ تمایزی بین درست و نادرست قائل شوند و خیر و شر در کنار هم وجود داشتند. [در رفتارشان] افراط و تفریط عظیم بود؛ وقتی خوشحال بودند، مهربان بودند، و وقتی ناراحت بودند، وحشی و خشن بودند. اما انسان امروزی داستان متفاوتی است. چرا این‌طور است که وقتی مردم امروزی وارد دوره‌ای نوین شدند ناگهان بسیار خردمندتر شدند؟ آن به عاملی به غیر از روند خلقت افراد که من الان درباره‌اش صحبت کردم ارتباط داشت، و این‌طور است که موجودات سطح بالا به شکل موجودات

انسانی باز پیدا شده‌اند. در ارتباط با خود نژاد بشری، روند آن در طول مسیر تاریخ، در واقع روندی از بنیاد نهادن رفتار و تفکر بشری بود یا به عبارتی دیگر، روندی از خلق کردن انسان‌های واقعی امروز بود. پس اصل مطلب همه این چیزها چه بود؟ بری اینکه وقتی دافا به طور گسترده‌ای امروز اشاعه می‌یابد، درک فا را برای انسان امکان‌پذیر کند. آن چه که در حال گفتن آن هستیم این است که، این موضوع زمان‌ها و دوره‌ها پیش برنامه‌ریزی شد؛ شکل‌گیری آن، پیش‌ترها آغاز شد.

و چیز دیگری هست که می‌خواهم درباره آن به شما بگویم، که چه کسی واقعاً تزکیه می‌کند و چه کسی واقعاً ایمان درست دارد. در گذشته، بسیاری از مردم درباره این یا آن طریق تزکیه، درباره چنین و چنان تمرین، چنین و چنان عقیده و ایمان صحبت می‌کردند. اما می‌خواهم به شما بگویم که در تاریخ، بدون توجه به این که چه تعداد خدا یا موجودات روشن‌بین به این‌جا آمدند، مأموریت اصلی آن‌ها این بود که فرهنگ تزکیه و ایمان درستی را که دافا لازم داشت بنیان گذاشته شود پایه‌گذاری کنند. (تسویق) هیچ‌کسی مردم را نجات نداد و هیچ‌کسی آن‌را [نجات مردم را، تا بردن آن‌ها] به قلمروی آسمانی انجام نداد، به‌خاطر این که، روش‌های تزکیه کهن به این منظور پدیدار شدند که بنیانی برای این دافا که می‌تواند به‌طور حقیقی امروز مردم را نجات دهد بگذارد. در ارتباط با خدایانی که در گذشته پایین آمدند، در واقع افرادی بودند که در نتیجه اعمال آن خدایان، به نجات نایل شدند. اما خود واقعی فرد نبود که نجات پیدا کرد، بلکه روح کمکی فرد بود. و حتی آن خدایانی که پایین آمدند، بدنی که در آن ایام در آن سکنی گزیدند... یک موجود انسانی، هنوز قسمتی از چرخه تولد دوباره در دنیای انسانی است، و حتی آن‌هایی که در آن جسم‌ها سکنی گزیده بودند نجات نیافتند. بنابراین به عبارتی دیگر، در تاریخ بسیاری از افراد اعلام کردند که در حال "نجات مردم" بودند، اما هیچ‌کسی مردم را نجات نداد. هنگامی که شاکيامونی فای خود را سال‌ها پیش معرفی کرد، مریدانش از او پرسیدند، "استاد، آیا برای ما امکان دارد که به سطح یک تاتاگاتا تزکیه کنیم بدون اینکه پیوندهایمان را با جهان مادی درهم شکنیم؟" یا به عبارت دیگر، آیا آن‌ها می‌توانستند تا [سطح] خدایان یا بوداها تزکیه کنند بدون این که موقعیت مردم عادی و محیط اجتماعی این جهان را ترک کنند؟ شاکيامونی درباره آن فکر کرد و گفت، "برای آن، شما باید منتظر بمانید تا آن پادشاه مقدسی که چرخ را می‌چرخاند به این دنیا فرود بیاید". (تسویق) بیشتر از دوهزار سال گذشته است، و همه مریدان مذاهب حقیقی منتظر بوده‌اند. به انتظار چه؟ به انتظار خدایان بالا تا نمایش باشکوه اجرا کنند؟ به انتظار خدایان که به این‌جا بیایند، به‌طوری که شما نیازی نداشته باشید تزکیه کنید یا به خوب تزکیه کردن اهمیتی ندهید، و اهمیتی نداشته باشد که فردی خوب است یا بد، و همگی با هم به آسمان بروند؟

البته بدون توجه به این که من چه کسی هستم، مردم می‌دانند که من در حال منتقل کردن فا و نجات مردم هستم. اما استادی که امروز این‌جا با شما است و فا را آموزش می‌دهد یک بدن فیزیکی فردی معمولی دارد. درخصوص این که مردم در مورد من چگونه فکر می‌کنند، بسیاری از افراد عادی نظرات خودشان را دارند. این خوب است - مهم نیست که آن‌ها به من باور دارند یا نه. من نگفته‌ام که یک خدا یا یک بودا هستم. مردم معمولی می‌توانند مرا فقط یک فرد متوسط معمولی تلقی کنند، این خوب است. همه آن چه که من انجام می‌دهم شکل فعالیت بشری را به خود می‌گیرد؛ همان‌طور که مریدان دافای دوره اصلاح فا را نجات می‌دهم، از ابزار موجودات بشری ساده عادی استفاده می‌کنم. هیچ موجود سطح بالایی، هنگامی که مردم را در این محیط اجتماعی، در این بُعد توهم، نجات می‌دهد، از فقط نمایش‌های خدایی باشکوه استفاده نمی‌کند تا به‌طور معجزه‌آسایی مردم را در دنیای بشری نجات دهد. (تسویق) اما این فرق می‌کند که اگر آن چه که انجام می‌دهد در یک مقیاس کوچک باشد، یا فقط تعداد کمی از افراد را دربر بگیرد، یا اگر چیزی بوده که در گذشته برای خلق فرهنگ انجام شده است. چیزها برای نوع انسان این‌گونه هستند. البته، با این وجود، هیچ چیزی مطلق نیست. شاید هنگامی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند من از ابزار خدایی استفاده کنم، چرا که در آن زمان ممکن است لازم باشد کارها بدان طریق انجام شوند. اما اگر حول و حوش آغاز اصلاح فای کیهان کارها این‌جا در جامعه با استفاده از ابزار خدایی در مقیاس وسیعی انجام می‌شدند، باعث وابستگی‌هایی در سمت تزکیه‌کنندگان می‌شد.

برخی از مردم فکر می‌کنند، "خدایان توانایی‌های زیادی دارند. چرا آن‌ها مردم بیچاره را نجات نمی‌دهند و افراد بد را مجازات نمی‌کنند؟ چرا نمی‌آیند و دست به معجزه نمی‌زنند؟" شکل‌گیری سه‌قلمرو، هدف و شیوه هستی جامعه بشری را بنا نهاد. این

اجتماعی آکنده از توهم است، و در نظر گرفته شد تا اجتماعی باشد که موجودات ذی‌شعور نتوانند همه حقیقت را ببینند. هر کسی که می‌خواهد که این‌جا تزکیه کند باید این کار را در میان وهم و خیال انجام دهد، و فرد خوبی باشد، با استفاده از شیوه‌های انسانی کارهای خوبی انجام دهد، و وابستگی‌ها را رها کند. فقط پس از آن، می‌تواند از این‌جا رهایی یابد، و فقط پس از آن این می‌تواند تزکیه نامیده شود. اگر فردی کارهایی را این‌جا با استفاده تمام و کمال از ابزار خدایی انجام دهد، این تزکیه نیست. در تاریخ بسیاری از تزکیه‌کنندگان دائو، اعمال خدایی در دنیای انسانی انجام دادند، و آن فرهنگ تاریخی را به‌وجود می‌آورد. چرا این موضوع در دوره‌های اخیر نادر شده است؟ زیرا هرچه به زمانی که دافا قرار بود اشاعه یابد نزدیک‌تر می‌شد، چنین چیزهایی کمتر مجاز بودند اتفاق بیفتند. در دوره‌های اخیر، پس از این‌که اصلاح فاعاز شد و مریدان دافای دوره اصلاح فاعاز را آغاز کردند، الزامات و نیازمندی‌ها بالاتر شدند. به‌ویژه، هنگامی که این گروه موجودات کیهانی شروع به اعتباربخشی به‌فرا کردند و به‌سوی کمال حرکت کردند، محیط این‌جا حتی بیشتر اهمیت پیدا کرد، بنابراین قوانین حتی بیشتر جدی شد و به‌ندرت به مردم اجازه داده می‌شود که وضعیت حقیقی را ببینند. این دسته از موجودات قرار است تا سطوح بالایی تزکیه کنند، بنابراین مطابق با آن، الزامات و نیازمندی‌ها برای آن‌ها بالا است. این گروه از موجودات مسئولیت‌های تاریخی عظیمی را بر دوش می‌کشند و باید از محیطی توان‌فرسا بیرون بیایند. (تسویقی) بنابراین این دلیل آن است که چرا مریدان دافا خارق‌العاده هستند.

به عبارت دیگر موقعیت تزکیه‌ای که مریدان دافای امروز در آن هستند از هر روش یا موقعیت تزکیه در تاریخ متفاوت است. من همیشه گفته‌ام که شرکت نیروهای کهن شکلی از آزار و شکنجه و شکلی از اختلال است. اگر آن‌چه که خدایان در گذشته نجات دادند روح‌های کمکی مردم بود و نه بدن اصلی حقیقی آنان، پس درباره این بیندیشید، آیا آن روش نجات مردم برای تزکیه مریدان دافای امروز عملی می‌بود؟ بدن اصلی مریدان دافا، و همین‌طور بدن مردم دنیا، در [لایه‌ی] سطحی است. بنابراین آیا آن‌چه که آن‌ها انجام دادند درخور و مناسب است؟ آیا این عملی می‌بود؟ ابدأ عملی نمی‌بود. بنابراین بدین دلیل است که می‌گویم آن‌ها درحال ایجاد اختلال هستند. این شیوه و شکل تزکیه که به همه گفته‌ام امروز انجام دهند این‌طور است که درحالی که با اجتماع مردم عادی خودشان را وفق می‌دهند تزکیه کنند و تا بالاترین حد امکان با استفاده از ابزار بشر عادی به دافا اعتبار ببخشند (تسویقی)، و این بی‌سابقه است. آن خدایان، آن‌ها در رابطه با این‌که با چنین روش تزکیه‌ای چه رفتاری داشته باشند هیچ چیز نمی‌دانند، و آن‌چه که انجام داده‌اند کاملاً خارج از مسیر بوده است، بنابراین آن‌ها به‌طور قطع شکلی از مداخله با تزکیه مریدان دافا به‌حساب می‌آیند. این‌طور نیست که بگوییم آن‌ها فاقد توانایی هستند، فقط می‌شود گفت که کیهان قدیم چنین موجوداتی را این‌گونه خلق کرد، و این نهایت خرد کیهان قدیم است. در طی این اصلاح فاعاز کیهان نقایص گذشته را کامل کرده است و چیزهایی را که کیهان قدیم در تغییر دادن آن‌ها با شکست مواجه شد، تغییر داده است. بدان دلیل، مریدان دافا می‌توانند نجات یابند و می‌توانند از طریق تزکیه به کمال برسند. اگر رویکرد تزکیه گذشته امروز پیروی می‌شد، حتی یک مرید دافا هم نمی‌توانست تا کمال تزکیه کند.

فقط وقتی یک فرد از شیوه‌ای که دافا امروز برای به انجام رساندن کارها، تزکیه کردن و به‌طور حقیقی نجات دادن مردم استفاده می‌کند دنباله‌روی کند، می‌تواند به کمال برسد. (تسویقی) و این فقط کمال نیست - فرد حقیقتاً نجات می‌یابد، روح اصلی فرد نجات می‌یابد. (تسویقی) درخصوص آن به اصطلاح خدایانی که با اصلاح فاعاز می‌کنند، آن‌ها فقط بخشی از آن‌را می‌دانند، ولی نه همه آن‌را، آن‌ها فقط درباره گذشته می‌دانند، ولی نه درباره امروز یا آینده، و فقط از شکل ظاهری آگاه هستند، ولی نه محتوای درونی. وقتی سعی می‌کنند کارهایی را انجام دهند، توانایی انجام آن‌را ندارند، و مداخلات جدی‌ای را برای خود اصلاح فاعاز و تزکیه مریدان دافا به بار آورده‌اند. این دلیل آن است که چرا می‌گویم هر کاری که من امروز انجام می‌دهم کاملاً از آن‌چه در گذشته در تاریخ اتفاق افتاد متفاوت است. با نگاهی به آزار و اذیت مریدان دافا و مسیحیان در تاریخ، در ظاهر هر دو مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. اما برای این تزکیه‌کنندگان، موجوداتی در راه خدا شدن‌شان، آن‌چه که در واقع اتفاق می‌افتد، متفاوت است. آن‌ها به‌طور جدی مجبور بودند تحمل کنند زیرا در گذشته کیهان توانایی حل آن موضوعات ریشه‌دار عمیق تاریخی را نداشت، باعث می‌شد حتی موجودات سطح بالا، خدایان و همین‌طور موجودات انسانی که در مسیرشان به سوی خدا شدن بودند را شکنجه کنند. همه این‌ها هم برای تاریخ کیهان و هم برای قسمتی از خدایان شرم‌آور است. امروز آن‌چه درحال انجام آن

هستم فقط با مسیری که آن‌ها در گذشته طی کردند متفاوت نیست؛ این تفاوتی است بین آینده و گذشته. این راهی است که تزکیهٔ روش دافا به مردم اهدا کرده است؛ مریدان دافا و من درحال پایه‌گذاری بنیانی برای آینده هستیم. روش‌های تزکیه در آینده برای همیشه شبیه این خواهند بود! (تسویق) فقط این می‌تواند به‌طور حقیقی نجات دادن مردم نامیده شود، و فقط این به‌طور واقعی می‌تواند مردم را نجات دهد.

هیچ یک از این چیزها نمی‌تواند به‌دلخواه تغییر یابد. همه می‌دانند که اکنون دورهٔ اصلاح فا است - کیهان درحال دوباره نو شدن، دوباره ساخته شدن، و دوباره خلق شدن است. فقط تحت این شرایط، نقایص می‌توانند مرمت شوند، و تنها زمانی که نواقص می‌توانند ترمیم شوند، زمانی است که افلاک غول‌آسا درحال دوباره ساخته شدن باشند. بنابراین این یک فرصت است. هیچ موجودی مجاز به مداخله با این فرصت یا صدمه زدن به آن نیست. هر کسی که اختلال ایجاد می‌کند درحال ارتکاب گناه است، و هر کسی که مداخله می‌کند مجبور است بار مسئولیت آن اختلال را تحمل کند.

آنچه اکنون گفتم خلاصه‌ای از تفاوت مابین روش تزکیهٔ مریدان دافای امروز و تزکیهٔ مردم در گذشته بود. اگر فردی می‌خواهد نجات یابد، باید از واقعیتی که در آن است و تجربه کردن محیطی سخت که در آن ناملایمات، منافع شخصی، احساسات و علایق وجود دارند ارتقاء یابد. هر چیزی علایق شخصی یک تزکیه‌کننده را دربر می‌گیرد و هر چیزی می‌تواند شما را به‌عنوان یک فرد، افکار و احساسات شما را، شین‌شینگ شما را و هر چیزی را که در درون به آن وابسته هستید تحت تأثیر قرار دهد. اگر اداره کنید که راه خاصی را برگزینید و انتخاب‌های ویژه‌ای داشته باشید، پس خارق‌العاده هستید. در غیر اینصورت، شما یک فرد عادی هستید. اگر قادر باشید از استدلال و وابستگی‌های مردم عادی پا را فراتر بگذارید شما یک خدا هستید. (تسویق) این کاملاً از روش‌های تزکیه در گذشته متفاوت است.

مردم در گذشته به معابد و صومعه‌ها یا به میان کوه‌ها برای تزکیه می‌رفتند درحالی که از مردم دنیا کناره‌گیری می‌کردند. این افراد به‌طور فیزیکی از آزمایش‌های شین‌شینگ زیادی رنج نمی‌بردند یا وابستگی‌هایشان را به‌طور مستقیم با خود یدک می‌کشیدند، و آزمایش مستقیمی در ارتباط با چیزهای مادی نداشتند. بنابراین برای بدن اصلی فرد مثل این است که گویی تزکیه نمی‌کرد. اگرچه فرد در طول زندگی‌اش یک زندگی معمولی را رها کرد، برای این فرد این کار چیزی بیش از برگزیدن یک سبک زندگی متفاوت نبود. اگر روح کمکی او واقعاً در تزکیه موفق می‌شد و یک روح کمکی که از بدن او بیرون می‌آمده یک خدا می‌شد، پس آن برای او فقط به منزلهٔ برکت و نعمت بود. آن فرد در زندگی آینده‌اش برکت و نعمت دریافت می‌کرد. منظور از "برکت و نعمت" این است که او نعمت‌های دنیایی می‌داشت نه چیزی بیشتر از آن. با نگاه به آن از زاویهٔ موجودی که از طریق تزکیه به‌دنبال چیزی است، چه کسی تزکیه می‌کرد تا آن چیزها را به‌دست آورد. اگر در سطحی بنیادین صحبت کنیم، هیچ چیزی در سه‌قلمرو برای آن خلق نشد، و هیچ موجود ذی‌شعوری برای آن نیامد. پس به عبارت دیگر، تزکیهٔ مریدان دافای امروز باشکوه‌ترین است و نور افشاندن به یک ردپا برای آینده می‌باشد. این دلیل آن است که چرا به‌خوبی پیمودن مسیرتان مهم‌ترین است. (تسویق)

همیشه گفته‌ام که مریدان دافا نمی‌توانند به افراط و تفریط بروند. شما باید مسیرتان را به‌خوبی ببینید. اگر بگذارید تصوراتتان سرکش شوند، و امروز دربارهٔ چیزی درک منحرف‌شده‌ای داشته باشید و فردا الهامی ناگهانی داشته باشید و کارهای دیگری انجام دهید، یا درحالی که توسط وابستگی خودنمایی هدایت می‌شوید به انجام کارهای احمقانه ادامه دهید، تمام آن چیزها انعکاس مستقیمی از روح اصلی شما و شما به‌عنوان یک موجود زنده هستند. چنین فردی چگونه می‌تواند به کمال برسد؟ اعمال شما بدن اصلی شما را که درحال تزکیه است نشان می‌دهد، و این آن بدن اصلی است که قرار است نجات داده شود. آیا چنین موجودی می‌تواند در بین خدایان قرار گیرد؟ نه نمی‌تواند. بنابراین شما باید کارها را به‌خوبی انجام دهید و به‌طور منطقی و با خوش‌فکری و افکار درست تزکیه کنید. و شما مجازید درحالی که تا حد اکثر امکان با شیوهٔ زندگی مردم عادی مطابق باشید تزکیه کنید. تا زمانی که استاد می‌گوید کاری درست است، می‌توانید بروید و در انجام آن از روش مردم عادی پیروی کنید، زیرا برای‌تان در نظر گرفته شده است که مسیرتان را بدین طریق ببینید، و نجات بدین شیوه برای موجودات انسانی مد نظر است. در آینده اگر خدایی بخواهد بیاید و مردم را نجات دهد، او نیز بدین طریق عمل خواهد کرد. زیرا در کیهان آینده، وقتی نجات

مردم مطرح می‌شود، هدف نجات بدن اصلی مردم است. بنابراین در ارتباط با این که روش‌های تزکیه در گذشته و شکل‌های ایمان و اعتقاد چگونه بودند نگران نباشید، در ارتباط با اینکه چگونه مؤثر بودند نگران نباشید- شما تنها کسانی هستید که به‌طور حقیقی تزکیه کرده‌اند. (تشویق) کیهان درحال گذر از اصلاح فا است، و خدایانی که به آن‌ها اعتقاد دارند درحال دوباره مشخص کردن موقعیت خودشان هستند، بنابراین برای نجات یافتن کجا می‌روند؟ چگونه می‌توانند به قلمروی آسمانی دست‌یابند؟ قلمروهای آسمانی تماماً درحال دوباره ساخته شدن هستند. به کدام قلمرو آسمانی خواهند رفت؟ شما باشکوه‌ترین موجودات هستید و درحالی که حقیقتاً موجودات ذی‌شعور را به شیوه‌ای صادقانه، آشکار و اعجاب‌انگیزی نجات می‌دهید به‌سوی قلمروهای آسمانی گام برمی‌دارید! (تشویق)

آن‌چه را اکنون بیان کردم برای مریدان دافا درنظر گرفته شده است. آن عده از شما که تزکیه‌کننده نیستید یا شاگردان جدید هستید ممکن است کاملاً آن‌چه را گفتم درک نکنید و باور کردن آن برای‌تان سخت باشد. نگران نباشید، من این‌جا نیستم تا به کسی آسیب برسانم و این‌جا هیچ چیز که برای مردم بد باشد وجود ندارد. اگر آن‌را درک نمی‌کنید، به‌تدریج می‌توانید آن‌را بفهمید، و این خوب است که بیابید و به‌طور فزاینده‌ای این تزکیه‌کنندگان را درک کنید.

یک موضوع پایانی است که می‌خواهم تأکید کنم. تعداد کمی از شاگردان معقول و آگاه نیستند و وابستگی‌های بسیار قوی دارند! آن‌ها می‌توانند کمی بشنوند و کمی ببینند، و حتی احساس می‌کنند که توانایی‌های ویژه‌ای دارند یا فکر می‌کنند شخصیت بسیار مهمی هستند. بنابراین شروع کرده‌اند غیرمنطقی و به‌ظاهر عجیب و غریب رفتار کنند، و چیزهایی می‌گویند که قابل درک نیست. چگونه هنوز می‌توانید تزکیه کنید؟ مهم نیست شما چه کسی هستید، اگر من نتوانم شما را نجات دهم، شبحی در جهنم خواهید بود! چرا شما به این حد غیرمنطقی می‌شوید؟ چرا چیزهایی را بین شاگردان پخش می‌کنید که در تزکیه و اعتباربخشی‌شان به فا اختلال ایجاد می‌کند؟ آیا این صرفاً موضوع پرورش اهریمنان در ذهن خودتان است؟ شما درحال تداخل با دافا هستید. آیا این گناه کوچکی است؟ اگر امروز من، لی‌هنگجی، تصمیم بگیرم که شما را به‌عنوان یک مرید دافا شناسم، به‌عنوان یک شاگرد خودم شناسم، آیا فکر می‌کنید که بتوانید این‌جا بمانید؟ سه قلمرو به این منظور ایجاد شد. اگرچه این افلاک در کیهان عظیم هستند، همه موجودات درحال متمرکز کردن توجه‌شان به این‌جا هستند، و همه موجودات این‌جا، باید به رسمیت شناخته شوند. بنابراین من هنوز به آن شاگردانی که غیرمنطقی هستند سخت توصیه می‌کنم: سرعقل بیابید و برای زندگی خودتان احساس مسئولیت کنید. وابستگی‌های شما موجودات پلید را از بیرون هدایت کرده است تا به شما فرمان بدهند، با شما اختلال ایجاد کنند، و شما را کنترل کنند و باعث شوند که این‌قدر غیرمنطقی شوید.

کلمات استاد هم‌اکنون نسبتاً شدید بودند. ممکن است متوجه شده باشید که اخیراً، گاهی اوقات کلمات من برای چنین شاگردانی کاملاً شدید بوده است. زیرا عواقب هولناکی را که در انتظارشان هست دیده‌ام. مهم نیست که آن جملات را چگونه می‌پذیرید، مهم نیست مردمی که مرا و مریدان دافا را نمی‌فهمند موضوعات را چگونه می‌بینند، من، لی‌هنگجی، برای همه موجودات آدم، درحال نجات همه موجودات هستم، و نمی‌خواهم ببینم که حتی یک موجود خودش را نابود کند، زیرا من دقیقاً برای شما آمدم! (تشویق) من نگرانم. درباره شما نگرانم. زمان بیشتر و بیشتر درحال فشرده شدن است. شما این را دیده‌اید، و موقعیت کلی بسیار دگرگون شده است. اگر آزار و شکنجه به‌ناگهان پایان یابد، دیگر هیچ شانس باقی نمی‌ماند، و هر چیزی تصمیم‌گیری خواهد شد.

از زمانی که در یکی از کنفرانس‌های شما شرکت کردم مدت زیادی گذشته است، بنابراین می‌خواهم زمان بیشتری با شما باشم. (تشویق پرشور)

شنیده‌ام که شاگردان زیادی از روسیه آمده‌اند و افراد دیگری از برخی کشورهای اروپای شرقی وجود دارند. برای آن‌ها بسیار سخت بود که به این‌جا بیابند، چراکه با کشمکش‌های زیادی مواجهند، چه از نظر مادی و غیره. همچنین بسیاری شاگردان جدید هستند که هرگز مرا شخصاً ندیده‌اند و همیشه خواسته‌اند که استاد را ببینند. و تعدادی شاگردان با تجربه نیز مدت زمانی طولانی است که استاد را ندیده‌اند. به‌نظر می‌آید که همه شما چیزهای زیادی برای گفتن دارید، و دلشکسته می‌شوید اگر من حالا اینجا

را ترک کنم. (استاد می‌خندد) (تشویق) بدین دلیل، بگذارید هنوز از روش قدیمی استفاده کنیم - اگر چیزی برای گفتن دارید، روی یک قطعه کاغذ نوشته و بالا بفرستید، و من برای همه شما سوالات را پاسخ خواهم داد.

شما همگی سخت کار کرده‌اید. هوا سردتر می‌شود. در طی تابستان وقتی که در مقابل کنسول‌گری‌ها، در خیابان‌ها یا برنامه‌های دیگر حقیقت را آشکار می‌کردید و به فا اعتبار می‌بخشیدید، اگرچه هوا بسیار گرم بود، اما قابل تحمل بود. وقتی هوا سرد می‌شود، آب و هوا درجات خاصی از دشواری را برای شما ایجاد می‌کند. با این وجود شما اجازه نمی‌دهید که وضعیت دشوار شما را متوقف کند. کاملاً برعکس، هنوز به سختی کار می‌کنید و متوقف نکرده‌اید. این حقیقتاً اعجاب‌انگیز است، و موجودات آینده و مردم دنیا در آینده از شما قدردانی خواهند کرد، زیرا مردمی که در آینده این‌جا می‌مانند این حقیقت را به شما مدیون خواهند بود. (تشویق) مردم دنیا در تصور باطل به سر می‌برند. میدان دافا کسانی هستند که از میان به اصطلاح آزمون‌ها گذر می‌کنند، در حالی که همه موجودات در حالتی از توهم و سرگردانی گم می‌شوند. اما در آینده، هرکسی خواهد دانست که میدان دافا چه کسانی بودند. آن‌ها همه عظمت میدان دافا را خواهند فهمید، و آن‌هایی که باقی می‌مانند نسبت به میدان دافا احساسی حاکی از قدردانی خواهند داشت.

مرید می‌پرسد: اگر شرایط اجازه دهد، آیا می‌توانم برای کار به سرزمین اصلی چین برگردم؟

**معلم:** اگر شکنجه و آزار تمام شود و اصلاح دنیای بشری توسط فا هنوز نرسیده باشد، آنگاه اگر بخواهید برای کار به سرزمین اصلی چین برگردید، می‌توانید بروید. آیا دارید می‌پرسید که می‌توانید اکنون برگردید؟ در حال حاضر، بهتر این است که برنگردید چراکه شکنجه و آزار هنوز در حال ادامه است. می‌دانم که تعداد کمی از شاگردان منفرد ممکن است از سوی مقامات معینی در سرزمین اصلی چین یا افراد دارای مناصب معینی تماس‌های تلفنی یا پیام‌هایی دریافت کرده باشند. آنها به شما گفتند که برگردید و چیزهای خاصی را تضمین کردند، قول دادند که شکنجه و آزار نخواهد شد و بعضی چیزهای دیگر. همه درباره این فکر کنید، آیا آن مقامات آن کسانی بودند که سیاست شکنجه و آزار را وضع کردند؟ پس آیا همین امر ساده که می‌توانند چیزی را تضمین دهند شک برانگیز نیست؟ پس چه کسی در پشت صحنه در حال هدایت آنهاست؟ (تشویق) چگونه است که می‌توانند ضمانت کنند؟ چه کسی دارد به آنها آن تضمین را می‌دهد؟ آیا مشکوک نیست؟ به هر شکل، منظور از "شکل دادن جبهه‌ای متحد برای نبرد" چیست؟ وقتی ترفندهای فرومایه‌شان دیگر کارساز نیست، شروع به "شکل دادن جبهه‌ای متحد برای نبرد" می‌کنند. دوباره در صدد ترفندهای قدیمی‌شان هستند، و لازم است که مراقب باشید. ما خطری برای هیچ قدرت سیاسی‌ای محسوب نمی‌شویم. صرفاً می‌خواهیم که آنها شکنجه و آزار را متوقف کنند. (تشویق) مردم را شکنجه می‌کنند و هم‌زمان سعی می‌کنند که آن مردم را به سمت خودشان بیاورند. آنها هر ترفند کثیفی که بود و نبود را به کار برده‌اند. (حضار می‌خندند)

مرید: مریدان دافا در شهر چونگ‌چینگ به استاد درود می‌فرستند. (معلم: متشکرم!) (تشویق) استاد، قول می‌دهیم که در هر لحظه چیزهایی را که باید انجام دهیم به خوبی انجام دهیم.

**معلم:** فوق‌العاده است! (تشویق)

مرید: مریدان دافا در دانشگاه زینگ‌هوآی پکن به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** از همه متشکرم! (تشویق)

مرید: مریدان دافایی که به صورت غیرقانونی در اردوگاه‌های کار اجباری زنان در پکن در توقیف به سر می‌برند به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** متشکرم! (تشویق)

مرید: مریدان دافایی که به صورت غیرقانونی در حال توقیف شدن در زندان(ها)یی در پکن هستند به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** متشکرم! (تشویق) مهم نیست در چه نوع محیطی باشید، باید افکار درست خود را محکم نگه دارید، چون شما مریدان دافا هستید و شما موجوداتی خاص هستید.

مرید: کنفرانس فای اروپایی سال بعد در لندن برگزار خواهد شد، و ما مشتاقانه آرزومندیم که استاد با حضور خود، ما را مورد لطف قرار دهند. (حضار لبخند می‌زنند و تشویق می‌کنند) استاد، لطفاً به ما بگویید که چرا "هفت بودا" به "شش بودا" تغییر یافته است.

**معلم:** از دو زاویه درباره‌اش صحبت می‌کنم. یکی اینکه در طول جریان تاریخ، بودایان کمی به دنیای بشری پایین نیامده‌اند. بیشتر از شش تاست، و در واقع بیشتر از هفت تا است. البته، خدایان دیگری نیز بوده‌اند. فقط درباره بودایان که بگوییم، تعداد نسبتاً زیادی پایین آمده‌اند که مردم را نجات دهند، با این حال وقتی به بودایانی مثل شاکيامونی می‌رسد که مأموریت‌هایی به‌خصوص داشتند، پیش از شاکيامونی شش تا از آنها بود. وقتی که من درباره آنها صحبت کرده‌ام، بودا شاکيامونی را به‌عنوان یکی از آنها به‌حساب آورده‌ام، بنابراین هفت نفر وجود داشتند. اما بودیسم همیشه درباره شش تا صحبت کرده است، زیرا مریدان شاکيامونی به آن بودایان به صورت مریدان او فکر می‌کردند، بنابراین آنها بودا شاکيامونی را به‌شمار نیاورده‌اند و به شش رسیدند. وقتی من درباره آنها صحبت کرده‌ام بودا شاکيامونی را داخل به‌شمار آورده‌ام، بنابراین هفت تا شد. اما با اینکه این را گفتم، به هنگام ارائه فا البته که لازم است بر طبق توانایی افراد برای پذیرش چیزها آن را انجام دهید. بنابراین، برای اینکه بهترین سعی‌مان را برای نجات دادن پیروان بودیسم انجام دهیم، با آنچه که آنها می‌گویند همراه شدیم و تعداد را به شش تغییر دادیم. (تشویق)

مرید: درود به استاد ارجمند! مایلم از طرف شاگردان در رومانی به استاد درود بفرستم.

**معلم:** متشکرم! (تشویق)

مرید: بیشتر شاگردان در رومانی جدید هستند. آنها با همه‌نوع چالشی برخورد داشته‌اند، اما همگی بسیار کوشا هستند. احتراماً از استاد می‌خواهم که درباره این صحبت کنند که شاگردان در رومانی چگونه می‌توانند در شرکت در اعتباربخشی به فا بهتر عمل کنند، و همچنین اینکه چگونه رومانی می‌تواند در اعتباربخشی به فا نقش بهتری ایفا کند؟

**معلم:** پیش‌تر گفته‌ام که به‌نسبتِ عده مردم دنیا، تعداد مریدان دافا در حال حاضر بسیار کم است، اما شما مأموریت عظیمی دارید که تاریخ به شما محول کرده است. بنابراین در خصوص مریدان دافا در هر منطقه‌ای، شما اساساً امید موجودات آن منطقه برای نجات یافتن هستید—در واقع، تنها امیدشان. موجودات آنجا نیاز دارند که خبر خوش را بشنوند، و نیاز دارند بشنوند که شما واقعیت‌ها را برایشان روشن می‌کنید تا اینکه بتوانند درک کنند که دافا چیست. برای همین است که مسئولیت‌های مریدان دافا سنگین هستند. بعد ممکن است بپرسید، چگونه می‌توانید بهتر عمل کنید؟ فکر می‌کنم که برای شما، مریدان دافا، اگر هر یک از شما برای گفتن واقعیت‌ها به مردم هر منطقه صرفاً از دهان خود استفاده کنید، آن‌وقت به همه آنها نمی‌رسیم. همان‌طور که مریدان دافا ترکیه کرده و همراه با افکار و اعمال درست می‌مانند، انرژی‌ای که آنها حمل می‌کنند، و همین‌طور تقوای عظیم از تزکیه‌شان، تأثیری اضافه دارند.

از طرف دیگر، هر چیزی که مریدان دافا انجام داده‌اند و هر چیزی که مریدان دافا هنگام روشن کردن واقعیت‌ها گفته‌اند باعث می‌شود که واقعیت‌ها در اجتماع بشری عادی به گردش دربیایند و محیطی می‌سازد که موجب ارتباط بین مردم می‌شود. آن‌وقت با آن محیط، گفتگوهایی که مردم دارند راه دیگری برای آن موجودات است که نجات یابند، یک راه غیرمستقیم. چیز دیگر این



است که بسیاری از موجودات توسط موجودات شیطانی مسموم شده‌اند، و در ذهنشان تبلیغات بسیاری از سوی رسانه‌های افتراآمیز ح‌ک‌چ وجود دارد. در این حالت، بهتر است که بتوانید آن را از طریق روشنگری واقعیت‌ها پاک کنید، چراکه افکار منفی‌ای که موجودات بشری دربارهٔ دافا دارند می‌تواند توسط آن موجودات شیطانی‌ای که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌کنند مورد سوءاستفاده قرار گرفته و استفاده شود. بنابراین مریدان دافا می‌توانند به هنگام فرستادن افکار درست و از طریق افکار درست و اعمال درست خود، آنها را از میان بردارند. واقعیت این است که اگر افکار شما بسیار درست و صالح باشند، وقتی در خیابان قدم می‌زنید و در شهری که زندگی می‌کنید به دنبال [امور] زندگی خود می‌روید، تمام محیط پیرامون‌تان پاک خواهد شد. صرفِ بودن شما تأثیر نجات موجودات ذی‌شعور را دارد. اما، علیرغم توانایی‌های بزرگتان، برای نفع تزکیهٔ شخصی‌تان هنوز با مشقت روبرو خواهید شد، چراکه هر کسی سفری را دارد که باید در تزکیه آن را انجام دهد. در عین حال، نیروهای کهن شکل‌های زیادی از مداخله را برای اعتباربخشی‌تان به‌فا ساخته‌اند. اگر افکار درست، به حد کافی قوی نباشند در شرایط عادی بسیار سخت است که آن مداخله را پاک کرد.

در مورد اینکه چگونه امور را خوب انجام داد، معنی آن این است که در سه‌کاری که مریدان دافا باید انجام دهند خوب عمل کرد—این، انجام دادن امور به بهترین صورت است. (تشویق) اما میزان تلاشی که گذاشته می‌شود متفاوت است. بعضی افراد تلاش خیلی زیادی صرف نمی‌کنند درحالی که شاگردان دیگر کوشاترند و بیشتر صرف می‌کنند. البته، استاد این را می‌بیند که در جامعه هر فردی خانواده و شغلی دارد، چه برسد به تعهدهای اجتماعی مختلف به‌علت پیوندهایتان با اجتماع، بنابراین زمان خیلی کمی برایتان باقی می‌ماند. استاد دربارهٔ تمام اینها می‌داند و درک می‌کند. واقعیت امر این است که شیوهٔ تزکیهٔ دافا این موضوع را در نظر می‌آورد و باعث اختلال امور در این قسمت نخواهد شد.

مرید: مریدان در تایوان به استاد درود می‌فرستند. (تشویق) استاد، لطفاً راستای عمل فعلی برای وب‌سایت *Pure Awakening* منطقهٔ آسیا-اقیانوسیه را به ما بگویید.

**معلم:** وب‌سایت‌های مریدان دافا باید خوب اداره شوند، چراکه وسیله‌ای برای روشنگری حقیقت هستند و در حال ایفای نقش در نجات موجودات ذی‌شعور هستند. بنابراین باید خوب اداره شوند. در مورد اینکه به طور مشخص چه کار کرد، آن با شماست. (معلم لبخند می‌زند) چرا اینطور است که استاد دربارهٔ امور به‌صورت خیلی مشخص صحبت نمی‌کند؟ استاد فقط اطمینان حاصل می‌کند که هیچ مسئله‌ای در طرح کلی امور پیش نمی‌آید. اما در مورد مشکلات، بحث‌ها، و اختلاف درک‌ها در میان شاگردان، آنها چیزهایی هستند که وضعیت تزکیهٔ شما را منعکس می‌کنند. بنابراین وقتی به این می‌رسد که چگونه مسیرتان را ببینید و چگونه هر چیزی را اداره کنید، آنها چیزهایی‌اند که خود شما باید به عنوان بخشی از بنا کردن تقوای عظیم خود به آنها بپردازید. اگر به شما بگویم چگونه هر چیزی را اداره کنید، آن وقت چیزی می‌شود که من انجامش داده‌ام، و هیچ خدایی تصدیق نخواهد کرد که شما آن را انجام داده‌اید. (معلم لبخند می‌زند) (تشویق) بنابراین مجبورم آن چیزها را برای شما بگذارم. نمی‌توانم شما را از فرصت تزکیه کردن‌تان محروم کنم.

مرید: مریدان دافا در شهر گوانگ‌ژو به استاد ارجمند درود می‌فرستند.

**معلم:** متشکرم! (تشویق)

مرید: استاد ارجمند، ممکن است لطفاً به ما بگویید که آیا برای مریدان دافا در سرزمین اصلی چین اشکالی ندارد که پولی را که از طریق صرفه‌جویی در زندگی ذخیره کرده‌اند [برای خارج از چین] بفرستند، تا برای پروژه‌های روشنگری حقیقت در شهر نیویورک استفاده شود؟

**معلم:** به طور اصولی اشکالی ندارد—اگر از نظر مالی وضع خیلی خوبی داشته باشید، آن وقت مسئله‌ای ندارد. اما اینجا در حال صحبت درباره پولی هستیم که از طریق صرفه‌جویی در زندگی ذخیره شده است، پس این معنی را می‌دهد که آن فرد وضع آن قدر خوبی ندارد. در این حالت، بهتر این است که پول را برای روشننگری حقیقت در سرزمین اصلی چین نگه دارید، چراکه محیط خارج از سرزمین اصلی هنوز بسیار بهتر از داخل است. (تسویق)

مرید: استاد، لطفاً به ما بگویید که آیا فعالیت‌های روشننگری حقیقت در منهن تا زمانی که اصلاح فا به آخر می‌رسد ادامه خواهد یافت؟ (حضر می‌خندند)

**معلم:** نه، ادامه نخواهد یافت. قبلاً، زمانی که شاگردانی که در حال روشننگری حقیقت در منهن هستند جلسه‌ای گذاشتند، درباره این صحبت کردم. شما آن را فقط برای دوره‌ای از زمان انجام می‌دهید. منهن کاملاً منحصر به فرد است: عملاً مرکز مالی دنیا است، و بسیاری از شرکت‌های بزرگ سراسر دنیا دفاتر یا شعبه‌هایی در اینجا دارند. به بیان دیگر، یک نقطه همگرایی برای دنیای مالی است و به طور نزدیکی با تمام دنیا در ارتباط است. و افرادی که در منهن جمع می‌شوند، به واسطه منحصر به فرد بودن آن، خودشان نیز منحصر به فرد هستند. افراد تحصیل کرده زیادی در اینجا متمرکز شده‌اند، به همراه افرادی با میزان معینی از قدرت و ابزار مالی در جامعه. به بیان دیگر، نقش‌هایی که آنها در جامعه ایفا می‌کنند چیز عادی‌ای نیستند.

با اینکه به طور نسبی بگوییم، شاگردان بسیار زیادی در منطقه نیویورک، شامل منطقه پیرامون نیوجرسی، هستند، اما بعد از آنچه که در طول چند سال اخیر روی داده است هنوز به نظر می‌رسد که عده بسیار زیادی از افراد در منهن بی تفاوت هستند. بعد از چنان دوره طولانی‌ای از انجام کارها برای روشننگری حقیقت، افراد بسیار زیادی هنوز در تماس با مریدان دافا قرار نگرفته‌اند. ح کچ شرارت خیلی زیادی را در اینجا صرف کرده تا فالون گونگ را شکنجه و آزار کند، و این منجر به این شده است که بعضی افراد اینجا در این محیط همیشه برای درک دافا موانعی داشته باشند.

و علاوه بر این، مشکل دیگری هست که به آن پی برده‌ام. در خیلی از شرکت‌های بزرگ منهن، و حتی در برخی شرکت‌ها و موسسه‌های کوچک، کارمندان چینی وجود دارند، و اکثریت آن افراد چینی توسط اکاذهی که توسط دستگاه تبلیغاتی افتراآمیز ح کچ پخش شده است فریب خورده‌اند، و آن چیزهایی که در سر آنهاست در تمام این مدت پاکسازی نشده است. بنابراین آنها افرادی شده‌اند که در اجتماع آمریکا زهر پخش می‌کنند. اینطور نیست که آن افراد ذاتاً شیطانی هستند. اما واقعاً، در حالی که مریدان دافا در حال روشننگری حقیقت در یک مکان هستند، آنها آنجا در مکانی دیگر در حال پخش چیزهای افتراآمیز از سوی ح کچ هستند. ضرری ندارد که این مطالب را روی فلایرها یا تابلوهای نمایش نوشته یا بگذارید که رسانه آن را گزارش کند: "افراد چینی در شرکت شما گمراه شده‌اند و در حال کمک به ح کچ هستند تا زهرش را پخش کند (تسویق)، پس شما خودتان باید واقعیت‌ها را ارزیابی کنید." (تسویق)

مرید: چنانچه هیچ مهارتی که افراد عادی دارند نداشته باشم، چگونه می‌توانم در اعتباربخشی به فا بهتر عمل کنم؟

**معلم:** نداشتن مهارت‌های عادی ایرادی ندارد. خیلی از شاگردان در خیابان فلایر و روزنامه پخش می‌کنند و رودرو برای افراد عادی حقیقت را روشن می‌کنند. اینها همگی چیزهایی هستند که می‌توانید انجام دهید. خیلی از شاگردان در تمام سال در جلوی کنسولگری‌ها و وزارت‌خانه‌ها جمع می‌شوند، و این نیز واقعاً قابل تحسین است. چیزهای خیلی زیادی هست که می‌توانید انجام دهید.

مرید: سلام، استاد ارجمند. حروف زیادی در جوآن فالون و کتاب‌های دیگر دافا اخیراً تغییر یافته‌اند. معنی عمیق‌تر پشت آن چیست؟

**معلم:** قصد ندارم درباره معنی پشت آن صحبت کنم. صرفاً در سطح و ظاهر درباره آن صحبت خواهم کرد. بگذارید حرف [چینی] "تمرین" از [عبارت دوکلمه‌ای] "تمرین تزکیه" را به عنوان مثالی در نظر بگیریم. اگر شکنجه و آزار مریدان دافا اتفاق نیفتاده بود، به شما مسیری را می‌دادم که باید پیش می‌گرفتید. اما بعد از اینکه شکنجه و آزار شروع شد، آن چی‌گونگی‌های قلبی و انواع و اقسام چیزهای آشفته شروع به شرکت در شکنجه و آزار کردند، و حتی برای حمله به دافا به تلویزیون رفتند. البته، دلیل اینکه آنها آن کارها را انجام دادند این بود که آن قدر افراد زیادی در حال یادگیری دافا بودند—شامل افراد خودشان—که آنها دیگر نمی‌توانستند پول در بیاورند. بنابراین حسادت و تنفر پیدا کردند. برای همین بود که بعضی شاگردان این سوال را مطرح کردند که، "استاد، در حرف "تمرین"، وقتی از آن برای توصیف سایر تمرین‌های چی‌گونگی استفاده می‌کنیم، آیا می‌توانیم آن یک قسمت از حرف را از آن [شکلی] که معنی "آتش" می‌دهد به آن [شکلی] که معنی "ابریشم" می‌دهد تغییر دهیم؟ آنها از اول هم تزکیه واقعی تمرین نمی‌کنند".

این صرفاً یک مثال است. در انواع جاهای دیگر، عوامل زیادی حاصل از انحراف‌های ناشی از فرهنگ تحریف‌یافته وجود داشت. چینی یک زبان نوشتاری به‌خصوص است، و شبیه زبان نوشتاری در آسمان‌هاست. و چینی گفتاری شبیه زبانی است که در آسمان‌ها صحبت می‌شود، چراکه آن شکلی از فرهنگی است که خدایان مستقیماً برای بشر خلق کردند. همچنین، از آنجا که آنچه در چین بنا شد یک فرهنگ نیمه‌خدایی بود، شکل و صدای حروف چینی با کیهان در پیوند است. با زبان‌های نوشتاری غرب و زبان‌های نوشتاری قومیت‌های دیگر متفاوت است. علتش این است که از دیدگاه خاصی، زبان‌های نوشتاری فرهنگ‌های دیگر در واقع مجموعه علائمی هستند که خدایان برای انسان‌ها خلق کردند تا آنها بتوانند بعد از شکل دادن پیوندهای تقدیری، در آن مناطق منتظر فایمانند. به این صورت مردمی که در آن مکان‌ها منتظر فای بودند می‌توانستند زندگی معمولی‌ای را بگذرانند و موقتاً مجموعه علائمی داشته باشند که با هم ارتباط برقرار کنند. اما اگر صدا و شکل حروف چینی با کیهان در پیوند است، آن وقت درباره‌اش فکر کنید، آنها برای بشر، برای اعتباربخشی به فای توسط مریدان دافایی که فای را کسب کرده‌اند و در این سطح تزکیه کرده‌اند، و حتی برای اصلاح فای، چه نوع مداخله‌ای می‌توانستند داشته باشند؟ طوری دیگر بیان کنیم، نیروهای کهن از آن عوامل استفاده کردند تا در اصلاح فای از امور بهره‌برداری کنند. بگذارید کلمه "目的" (مودی یا "مقصد") را به عنوان مثال در نظر بگیریم. در زمان‌های باستان وقتی کلمه "مقصد" یا کلماتی دیگر که برای توصیف رسیدن به مکانی معین استفاده می‌شود نوشته می‌شدند، حرف "دی" همیشه همان "دی" در حرف چینی "土地" (تودی یا "زمین") بود. در زمان‌های اخیر، با توجه به ظاهری استانداردسازی گرامر و آسان‌ترسازی تبخیر یافتن در گرامر برای مردم، آن "地" (دی، مثل طوری که در "زمین" به کار رفته) به صورت "的" (دی، یک حرف گرمی) نوشته شده است. بنابراین حتی بعد از اینکه فرضاً به "مقصد" رسیده باشید، هنوز به "مکان" نرسیده‌اید. (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند)

اشکالاتی در خصوص خیلی از عوامل وجود دارد. در زمان‌های اخیر، نیروهای کهن به فرهنگ چین آسیب وارد آورده‌اند و آشفتگی بزرگی را برای من گذاشته‌اند تا به‌هنگام ارائه فای با آن سر و کار داشته باشم. عوامل آسیب‌زای بسیار زیادی در قسمت‌های بشماروی وجود دارد، بنابراین بسیاری از چیزها لازم است که درست شوند. اما فرصتی برای این کار نبود، بنابراین تصحیحات صرفاً به محدود چیزهایی پرداختند. خوبی‌اش این است که معانی درون فای تحت تأثیر واقع نمی‌شوند. کتاب *جوآن فالون* در هر بُعد به صورت متفاوتی متجلی می‌شود، و *جوآن فالون* در آسمان‌ها کاملاً با *جوآن فالون* روی زمین فرق دارد، بنابراین آن تحت تأثیر قرار نگرفته است.

مرید: من قادر نبوده‌ام که در حالی که تا بیشترین حد ممکن با افراد عادی مطابقت دارم تزکیه کنم. آیا این در آینده پشیمانی زیادی برایم باقی خواهد گذاشت؟

**معلم:** که نتوانسته‌اید در حالی که تا بیشترین حد ممکن با افراد عادی مطابقت دارید تزکیه کنید، خوب، "تا بیشترین حد ممکن" یعنی برآورده ساختن الزامات به طور کامل. بنابراین اگر امروز خاتمه می‌یافت، هر سطحی که به آن تعلق داشتید ثابت می‌بود. امروز به آن شکل تمام نشده است، از آنجا که تمام نشده است، وقتی به استانداردهایی می‌رسد که به آنها رسیده‌اید یا

نرسیده‌اید، و چیزهایی که در آنها خوب تزکیه کرده یا نکرده‌اید، آنها هنوز فقط بخش‌هایی از روند در حال پیشرفت هستند، بنابراین هیچ کسی نمی‌تواند نتیجه‌گیری کند که این دیگر چیزی است که هستید. اگر متوجه کوتاهی‌تان شده‌اید، و مطمئنم که باید شده باشید چراکه این برگه پرسش را فرستادید، آن وقت اصلاحش کنید و بهتر عمل کنید. (تشویق)

مربی: معلم ارجمند، کلمه "程度" (چنگ دو یا "درجه") از نسخه‌های پیشین جوآن فالون به "成度" (چنگ دو یا "درجه انجام") تغییر یافته است. اما یکی از هم‌تمرین‌کنندگانم گفت که وب‌سایت مینگ‌هوئی این تغییر را منتشر نکرده است، بنابراین، آیا باید به [کلمه‌ی] اولیه تغییر یابد؟

**معلم:** چندین نوبت تغییرات حروف وجود داشته است؛ صرفاً چیزهای بسیار زیادی بودند که تغییر کنند. وقتی به یک موضوع رسیدگی می‌شود، چیزهای بسیاری اتفاق می‌افتند، بنابراین از این زمان، تغییرات حروف پایان می‌یابد و تغییر دیگری انجام نخواهد شد. برای اطلاع از تغییراتی که صورت گرفته‌اند، می‌توانید به نسخه‌ای از جوآن فالون که به زودی منتشر خواهد شد رجوع کنید و سپس بر اساس آن نسخه تغییرات‌تان را اعمال کنید. آن برای این اتفاق افتاد که مینگ‌هوئی فقط گاهی اوقات در جریان تغییرات حروف قرار می‌گرفت، بنابراین وضعیت این است.

مربی: آیا ساختار کیهان که درباره آن صحبت کرده‌اید به ساختار کیهان جدید اشاره می‌کند؟

**معلم:** ساختاری که قبلاً درباره‌اش با شما صحبت کرده‌ام همگی درباره ساختار کیهان کهن بود. وضعیتی که در طی اصلاح فاش مشهود است نیز وضعیت به‌نمایش درآمده توسط موجودات کیهان کهن است. در مورد کیهان جدید نمی‌توان صحبت کرد. نه فقط در مورد آن نمی‌توان صحبت کرد، بلکه اسرار آسمان را نمی‌توان آشکار کرد. (معلم لبخند می‌زند) (حضار می‌خندند، تشویق می‌کنند) به خیلی از اسرار آسمان در کیهان کهن دیگر نمی‌توان اسرار آسمان گفت، چراکه آن چیزها تغییر خواهند کرد، دستخوش تغییر خواهند شد. اما کیهان کهن موجودات و عوامل خوب بسیار بسیار زیادی دارد، شامل ساختارهایی که خوب هستند، بنابراین آنها نگه داشته خواهند شد. بنابراین، تعداد بسیار زیادی از موجودات و اکثریت عمده ساختار کیهان کهن نگه داشته شده است.

مربی: با وجود اینکه وقت برای نجات موجودات ذی‌شعور بسیار تنگ است، چرا افکار خودخواهانه من اینطور سماجت می‌کنند؟ من نگران خودم هستم.

**معلم:** فکر می‌کنم که قادر بودن به دیدن کاستی‌های خودتان تزکیه است. این در واقع خیلی طبیعی است. وقتی می‌توانید متوجه آن شوید، این اولین قدم رشد کردن است. اگر بتوانید به صورت روزانه به آنها توجه کنید و کم کم آنها را به خوبی انجام دهید، آن وقت در حال رشد هستید. نگران نشوید، چراکه این کار منجر به وابستگی خواهد شد. وقتی مشکلاتی می‌بینید، تغییر کنید، و وقتی کاستی‌هایی می‌بینید، بر آنها چیره شوید. بسیاری از چیزها هستند که ممکن است قادر به انجامشان نباشید، و من این را از هر حیث در نظر گرفته‌ام، و هنگامی که فا را منتشر می‌کردم پیش‌بینی آن را می‌کردم. به بیان دیگر، آنچه که من می‌خواهم نجات دهم عمدتاً روح اصلی است، خود آن فرد. یک فرد چقدر توانایی دارد؟ اگر فردی بتواند متوجه اشتباهات خود شود و به آنها غلبه کند، آن وقت او در حال تزکیه است، اما اگر عناصری که هستی یک فرد را می‌سازند منحرف شوند چه می‌شود؟ یا به‌طور مشخص‌تر، وقتی روش تفکر یک فرد منحرف باشد چه می‌شود؟ یک مورد مرتبط: برای سالیان بسیار زیادی، ح‌کچ عمداً مردم را به نحوی تربیت کرده است که چیزهای خودش را تحکیم کند. افراد زیادی دیده‌اند که حزب خوب نیست، اما آنها فقط از درون فرهنگی که توسط تعلیم و تربیت حزب پرورانه شده است می‌توانند بگویند که حزب خوب نیست. به‌طور واقعی آن را نشناخته‌اند و خارج از فرهنگ حزب که در آنها القا شده است نمی‌توانند ببینند که ماهیت آن چیست. در چنین حالتی چه می‌توان کرد؟ برای همین است که می‌گویم چیزهای خاصی هستند که شما می‌توانید انجام دهید، و اگر چیزهایی را که در

توانان هستند انجام ندهید تزکیه کننده نیستید. اما هر چه را که نتوانید انجام دهید، دافا مطمئناً آن چیزها را برایتان انجام می‌دهد، و استاد قطعاً راه‌هایی برای انجام آنها دارد. (تسویق)

به بیان دیگر، باید بخشی که قرار است تزکیه کنید را تزکیه کنید. در مورد چیزهایی که نمی‌توانید تزکیه کنید، و نمی‌توانید تشخیص‌شان داده یا متوجه‌شان شوید—یا به آنها رسیدگی کنید حتی اگر توانستید که متوجه‌شان شوید—استاد به آنها رسیدگی خواهد کرد. البته، معنی‌اش این نیست که وقتی وابستگی‌هایی می‌بینید که نمی‌توانید از آنها خلاص شوید می‌توانید از این بهانه استفاده کنید که "من نمی‌توانم کاری درباره‌اش انجام دهم" و بنابراین از زیر مسئولیت خود شانه خالی کنید. (حضار می‌خندند) این عملی نیست. چیزی که درباره‌اش صحبت می‌کنم این است که وقتی به ساختارهای هستی‌تان و روش تفکر‌تان می‌رسد—چیزهایی که اصلاً نمی‌توانید تشخیص‌شان دهید و نمی‌توانید به آنها رسیدگی کنید—استاد قطعاً به آن چیزها رسیدگی خواهد کرد.

مرید: استاد، آیا زمانی که شکنجه و آزار خاتمه می‌یابد زمانی است که فا دنیای بشری را اصلاح خواهد کرد؟

معلم: کاملاً محتمل است. (تسویق) ولی بهتر است که درباره‌ آن چیزها صحبت نکنم. به محض اینکه درباره‌شان صحبت کنم، ذهن همه ناآرام خواهد شد. حیرت و عظمت آن را می‌گذارم که خودتان شخصاً ببینید.

مرید: استاد، آیا ممکن است درباره‌ سرچشمه‌های حزب شیطانی‌ای که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌کند صحبت کنید؟ (حضار می‌خندند)

معلم: تا آنجا که مربوط به این می‌شود که آن چیز در سطحی بنیادی چگونه پدید آمد، به نظرم بهتر است که در یک کنفرانس فا درباره‌ آن صحبت نکنم. تا آنجا که مربوط به این می‌شود که در دنیای بشری چگونه پدید آمد، این چیزی است که بدون اینکه من چیزی بگویم همه پیشاپیش می‌دانند. در واقع، چه بخواهید درباره‌ یک حزب سیاسی فاسد صحبت کنید یا یک حزب سیاسی پلید یا هر نوع حزب سیاسی دیگری، به عنوان تزکیه‌کنندگان، ما مطلقاً کاری به آن نداریم. مهم نیست یک حزب چقدر پلید باشد، آن چیزی از دنیای بشری است، و مهم نیست چقدر خوب باشد هنوز چیزی از دنیای بشری است. یک تزکیه‌کننده بودن یعنی قدم بیرون گذاشتن از دنیای بشری، و وقتی به تزکیه در دنیای بشری می‌رسد، تزکیه‌کنندگان درگیر تمامی آن تضادها و موضوعات دنیوی نمی‌شوند. چیزهایی که پلید هستند، خوب، برای هستی آنها دلایلی وجود دارد، و در خصوص چیزهایی که خوب هستند نیز برای هستی آنها دلایلی هست. آن توسط وضعیت اجتماع بشری تعیین می‌شود، و مریدان دافا اصلاً خود را نگران آن چیزها نمی‌کنند. اما همه به‌وضوح دیدند که در گذشته که آن سردسته‌ شیطان شروع به شکنجه و آزار ما کرد، فریاد می‌زد که حزب سیاسی‌اش "باید فالون گونگ را شکست دهد" و "باور نمی‌کنم که حزب \*\*\* نتواند فالون گونگ را شکست دهد". من می‌دانم که آن، آن کارها را از سر حسادت و رنجش انجام داد، اما این را هم می‌دانم که عناصری از حزب سیاسی‌اش پشت کلمات آن بودند. طور دیگری بیان کنیم، ما فقط بعد از آنکه آنها ما را شکنجه و آزار کردند آنها را افشا کردیم. ما این شکنجه و آزار را به رسمیت نمی‌شناسیم. در روند روشنگری حقیقت، ما به مردم دنیا خواهیم گفت که چرا فالون گونگ در حال شکنجه شدن است، فالون گونگ چیست، و آن حزب سیاسی چیست. هر کسی باشد که مریدان دافا را شکنجه و آزار کرده است، باید افشا شود و اثر بدخواهانه‌ای که در بین اذهان مردم دنیا پخش شده است باید پاکسازی شود.

بعضی افراد بعد از گوش کردن به روشنگری حقیقت شاگردان هنوز می‌گویند، "فالون گونگ خیلی خوب است، اما فکر می‌کنم که حزب \*\*\* برای خود دلایلی دارد". و بسیاری از افراد هستند که فکر می‌کنند آنچه ح‌ک‌چ می‌گوید نمی‌تواند اشتباه باشد، و بنابراین از گوش کردن به حقیقت سر باز می‌زنند. آن افراد این را متوجه نشده‌اند که آن از پایه شیطانی است. بعضی افراد می‌گویند، "فالون گونگ خیلی خوب است، ولی حزب هیچ کار غلطی انجام نداده است. تقصیر آن سردسته‌ شیطان است". در این حالت، ما باید به مردم دنیا بگوییم که چرا آن فالون گونگ را شکنجه می‌کند و وقتی شروع به شکنجه و آزار فالون گونگ

کرد چه نوع انگیزه‌ای داشت؛ باید به مردم کمک کنیم که ببینند چه چیزی واقعاً فرقهٔ شیطنانی است و ماهیت حزب چیست. مریدان دافایی که در حال شکنجه و آزار شدن هستند باید گذشتهٔ ننگین آن را افشا کنند.

امور دنیوی مورد توجه مریدان دافا، که تزکیه‌کننده‌اند، نیستند، اما من، لی هنگجی، دربارهٔ تمام چنان اموری می‌دانم. (تسویقی) در تمام مدت در طول چند سال اخیر شکنجه و آزار، در حال توضیح این چیزها بوده‌ام، و با این حال شکنجه و آزار ادامه دارد. رهبری جدید کج تاکنون برای دو سال در قدرت بوده است، و شکنجه و آزار ادامه دارد. آیا این فقط موضوعی از ارتکاب اعمال شیطنانی توسط افرادی منفرد است؟ پس چرا نباید به دنیا دربارهٔ شرارت بنیادی آن حزب سیاسی بگوییم؟ اگر ما را شکنجه نکرده بودید، نمی‌خواستیم هیچ کاری به شما داشته باشیم، و نمی‌خواستیم هیچ چیزی درباره‌تان بگوییم. جان مریدان دافایی بسیار زیادی گرفته شده است، و شکنجه ادامه دارد. چقدر شیرانه! همچنین، حزب از رسانه‌های یک‌جانبه برای پخش تبلیغات افتراآمیز به هر گوشهٔ زمین استفاده کرده است، و حتی بدتر از مورد مشابه در انقلاب فرهنگی است. در حال هدف قرار دادن گروهی از چنین افراد خوب و مهربانی است. حتی اگر من با آن شکیبایی و مدارا کنم، هیچ یک از خدایان آن را تحمل نخواهند کرد! (تسویقی)

مرید: به خاطر وابستگی احساساتم، مرتکب اشتباهاتی شده‌ام. از مسیری که پیش گرفتم پشیمانم و افسوس می‌خورم. چگونه باید آن را جبران کنم؟

**معلم:** (معلم آه می‌کشد) اینها در واقع آن چیزهایی هستند که بیشتر از همه برای استاد دردآورند. برای یک تزکیه‌کننده، صرفاً بسیار شرم‌آور است. حتی برای یک فرد عادی هم شرم‌آور است، اما شما تزکیه‌کننده هستید، پس چگونه می‌توانید این را برای صحبت آزاد حتی مطرح کنید؟ صرفاً بسیار شرم‌آور است. آیا می‌دانستید که در تزکیهٔ زمان قدیم، همین که یک تزکیه‌کننده قانون مربوط به این مسئله را نقض می‌کرد، تا آخر عمرش قادر نمی‌بود که دوباره تزکیه کند. این اندازه جدی است.

پس، چه باید کرد؟ دافا با رحمت است، و استاد به هستی شما در تمامیت خود نگاه می‌کند، و پیش از آنکه اصلاح دنیای بشری توسط فا وارد شود شما هنوز فرصت‌هایی خواهید داشت. اما دوباره نمی‌توانید مرتکب آن اشتباهات شوید. صرفاً نمی‌توانید. و مخصوصاً طی این دوره از زمان، شیطان از احساسات شما استفاده خواهد برد تا شکنجه و آزار شما را بدتر کند و باعث خواهد شد که امیال و وابستگی‌هایتان به طور خاصی قوی شوند، تا نقطه‌ای که نمی‌توانید خودتان را به خوبی اداره کنید و مسیری شیطنانی را در پیش خواهید گرفت. استاد این را دیده است. اگر بتوانید مسیرتان را به خوبی پیمایید و به خوبی تزکیه کنید، آن گناه به شیطان تعلق پیدا خواهد کرد. اما اگر هنوز مسیرتان را به خوبی نپیمایید، آن گناه مال شما خواهد بود. البته، شیطنانی که در حال مداخله با شماست از بین خواهد رفت، و پس از آن هر چه که انجام می‌دهید مال شما خواهد بود.

طی دورهٔ اصلاح فا، زمانی که فا در حال اصلاح کردن کل کیهان است، آیا می‌دانید استاد چگونه دارد آن را انجام می‌دهد؟ در خصوص تمام موجودات در تمام کیهان، شامل مردم دنیا، و موجوداتی که پایین‌تر از این دنیا هستند—حتی آنهایی که بسیار پایین‌تر هستند، شامل موجودات در دنیای زیرین و جهنم—در حال انجام امور بر طبق یک اصل بوده‌ام: مهم نیست که یک موجود چه گناهان یا اشتباهاتی در گذشتهٔ خود مرتکب شد، تمام آن را نادیده می‌گیرم؛ من می‌توانم برای شما از تمام آن چیزها خلاص شوم و همه چیز را خوب کنم. هیچ کسی هرگز قبلاً با موجودات ذی‌شعور به این شکل رفتار نکرده است. اگر مکان خاصی در کیهان دیگر در حد نصاب نبود، از طریق انفجار نابود می‌شد و سپس از نو خلق می‌شد. اگر مکان خاصی دیگر در حد نصاب نبود، درست مثل متابولیسم بدن بشری بود، که اگر یک سلول دیگر در حد نصاب نباشد از میان می‌رود و سلولی جدید ساخته می‌شود. با چنین رحمتی با تمام موجودات رفتار کردن، چیزی است که برای تمام مدتی که کیهان وجود داشته است هیچ‌گاه هرگز اتفاق نیفتاده است. (تسویقی) در تمام مدت در حال انجام این بوده‌ام، و این را به انجام رسانده‌ام. اما یک چیز هست. اگر گناهی در طی دورهٔ اصلاح فا علیه دافا صورت گرفته باشد، با اصلاح فا مداخله کرده باشد، آنگاه آن گناه نمی‌تواند بخشیده شود. فقط این یک شرط و الزام وجود دارد. اگر حتی این شرط هم وجود نداشت، فای کیهان دیگر وجود نمی‌داشت. موجودات کیهان فایی برای پیروی از آن و ماندن با آن نمی‌داشتند، و همانند این می‌بود که کیهان فایی نداشته باشد، آن را یک

دنیای در هم ریخته و آشفته می‌کرد. نمی‌شود چنین اتفاقی بیفتد! این همانند صدمه زدن به کیهان می‌بود، بنابراین داشتن تأثیری منفی در اصلاح فا به معنی ارتکاب چنان گناهی است. برای یک موجود، آن می‌تواند فقط توسط یک فکر نابجا موجب شده باشد، اما پیامدهای آن ویرانگر هستند.

مرید: درود به استاد ارجمند. من یک مرید کراهی از استان هی‌لنگ‌جیانگ هستم. لطفاً اجازه دهید از طرف تمام مریدان دافا از هی‌لنگ‌جیانگ و تیم‌های روشنگری حقیقت مختلف در کره، به استاد درود بگویم.

**معلم:** متشکرم. (تشویق) مریدان دافا در کره کاملاً خوب عمل کرده‌اند. مریدان دافای زیادی با اصلیت کراهی نیز در سرزمین اصلی چین وجود دارند و آنها خیلی شدید مورد شکنجه و آزار قرار گرفته‌اند. درباره همه اینها می‌دانم.

مرید: تیم روشنگری حقیقت ما بر روشنگری حقیقت برای ناحیه پکن تمرکز می‌کند، ۸۰٪ از تلاشمان را در آنجا می‌گذاریم، و از ۲۰٪ دیگر در امور دیگر استفاده می‌کنیم، شامل تلاش برای رهایی شاگردان. وقتی تلاش‌ها برای روشنگری حقیقت به ناحیه پکن را قوی‌تر می‌سازیم، آیا شیطانی که در منهن متمرکز شده است کاهش خواهد یافت؟

**معلم:** بیان درست آن به این صورت است: وقتی مریدان دافا از مکان‌های مختلف همگی خیلی خوب در حال عمل کردن هستند، شیطان نمی‌تواند تمام آنها را اداره کند و در تمام مکان‌ها پاکسازی می‌شود. شیطانی که به منهن آمد در روند از بین رفتن کامل است. در حال حاضر، شیطان در سه قلمرو در مقادیر زیاد از بین رفته است. می‌توانید ببینید که وضعیت کنونی در حال تغییر است، و حتی آب و هوا نیز دارد تغییر می‌کند. مریدان دافایی که در مقابل کنسولگری نیویورک نشسته‌اند می‌دانند که آن سردترین جا بود، و مریدان دافای ما در طول این سال‌ها واقعاً سختی بسیاری کشیده‌اند. با نگاه به وضعیت جاری، مریدان دافای مکان‌های مختلف دارند مهارت‌ها و استعداد‌های خود را به‌طور کامل به کار می‌گیرند تا کارهایی برای اعتباربخشی به دافا انجام دهند، بنابراین دارد موجب می‌شود که این شیطان کمتر و کمتر شود. واقعاً برایش مشکل است که خود را متمرکز کرده و کاری از پیش ببرد.

مرید: من و هر فرد دیگری چگونه می‌توانیم با هم کار کنیم به طوری که بتوانیم به موضوعات با دیدی باز نگاه کرده و برای دافا تقدم قائل شویم؟

**معلم:** این سوالی است که تمام مریدان دافا باید درباره‌اش فکر کنند. در خصوص اینکه چه باید کرد، فقط با مطالعه خوب فا و عمل کردن بر طبق آنچه که استاد به شما می‌گوید می‌توانید این مسیر را به شکل صالحی ببینید.

مرید: برای ما مریدان سرزمین اصلی چین آسان نیست که برای شرکت در کنفرانس‌های فا به ایالات متحده بیاییم، و اینکه شخصاً استاد را ببینیم خیلی سخت به دست می‌آید. ما یلیم صادقانه از استاد درخواست کنیم که به مریدانی از سرزمین اصلی چین بپردازند که برای کمک به استاد در اصلاح فا به کره رفتند. لطفاً به ما بگویید که چگونه می‌توانیم آنچه را که باید انجام دهیم به خوبی انجام دهیم و پیمان‌هایی را که پیش از تاریخ بستیم به انجام برسانیم.

**معلم:** مریدان دافا مانند هم هستند، و هر جا هم که باشید باید به خوبی عمل کنید. خواه در خارج باشید یا در محیطی که به طور مستقیم توسط شیطان شکنجه و آزار می‌شوید، باید افکار درست و اعمال درست مریدان دافا را به نمایش بگذارید، چراکه این مایه وحشت شیطان است. شیطان در ظاهر خشن است، اما در درون می‌ترسد. شما مریدان دافا هستید، و نمی‌توانید دروناً ترس داشته باشید. اگر تزکیه‌کننده‌ای حقیقتاً بتواند [ترس از] مرگ را رها کند، آن وقت آن مرگ برای همیشه از شما بسیار دور خواهد بود. اما این چیزی نیست که بتوانید اراده کنید که صورت بگیرد—این یک نقطه است که در فا به آن تزکیه می‌کنید، نقطه‌ای که در آن چنان موجودی می‌شوید. وقتی شکنجه و آزار در سرزمین اصلی چین شروع شد، اگر تمام مریدان دافا توانسته

بودند که مثل حالا به‌طور نسبتاً صالحی عمل کنند، شکنجه و آزار هرگز راه نیفتاده بود، و آن چیزهای شیطانی آن‌ا نبود شده بودند. دنیای بشری جایی برای آنها نیست که شرارت را به نمایش بگذارند.

اکنون شماها به تدریج متوجه‌تر، آرام‌تر، و معقول‌تر شده‌اید، و می‌دانید باید چه کار کنید، و می‌شود گفت که بسیاری از وابستگی‌های بشری تان تزکیه شده است. خوب، در حقیقت، در خصوص بعضی شاگردان، اینطور نیست که وابستگی‌های بشری‌شان تزکیه شده باشد بلکه اینطور است که آن شاگردان بیش از حد می‌ترسیده‌اند که هیچ کار نابجایی انجام دهند، و اگر محیط کمی آسان‌تر شود دوباره جرئت انجام آن کارها را خواهند کرد. این خوب نیست. اگر فردی نتواند در فا تزکیه کند، آن وقت قادر نیست که واقعاً فا را بفهمد. فقط وقتی یک شخص به طور واقعی فا را درک کرده باشد می‌تواند مسیر را به طور صالح ببیند و [فقط آن وقت] هستی‌اش می‌تواند از سرانجامی خوب اطمینان حاصل کند. وگرنه آن نوع موجود در خطرناک‌ترین وضعیت باقی می‌ماند، چراکه شیطان در هر زمانی می‌تواند از شکاف‌هایش استفاده کند. اگر او یک فرد عادی بود، اهمیتی نداشت که او چقدر بد بود، شیطان هیچ توجهی به او نمی‌کرد. ولی چون او می‌خواهد تزکیه کند، شیطان سعی خواهد کرد که او را از تزکیه کردن متوقف کند. و وقتی که محکم تزکیه نمی‌کنید هدفی برای آزار و شکنجه شیطان می‌شود.

*مربد: تعداد کمی از شاگردان درباره روشنگری حقیقت شور و شوق زیادی دارند، اما هرگز قادر نبوده‌اند که به وراي محدوده ناچیز وابستگی به خود بروند. در همکاری و هماهنگی کلی به خوبی عمل نکرده‌اند، و جدی‌تر اینکه، روی برخی شاگردان دیگر تأثیر گذاشته‌اند. اگر با کمک هم‌تمرین‌کنندگان هنوز نتوانند به خوبی عمل کنند، مايلم از استاد بپرسم، آن شاگردان در آینده با چه نوع پیامدهایی روبرو خواهند شد؟*

**معلم:** به نظر من، در حال حاضر نمی‌توانید بگویید که شاگردان چگونه هستند یا درباره‌شان نتیجه‌گیری کنید، چراکه در روند تزکیه همه‌نوعی از تجلی‌های مختلف وجود دارد، و تمام وابستگی‌های افراد عادی نشان داده خواهند شد. تا زمانی که یک تمرین‌کننده آنها را خارج نکند قطعاً نشان داده خواهند شد. در خصوص بخشی که به خوبی تزکیه کرده است، آن هیچ‌جا وجود ندارد که دیده شود، چراکه آن بخش از او که به خوبی تزکیه کرده است نمی‌تواند نشان داده شود. و بخشی که به خوبی تزکیه نشده است هرگاه که به سطح بیاید توسط دیگران دیده خواهد شد. چیزی که کلیدی است این است که او چگونه به آن رسیدگی می‌کند و اینکه وقتی دیگران آن بخش را خاطر نشان می‌کنند یا وقتی که وابستگی‌هایش در تضادها بیرون می‌آیند آیا او می‌تواند کاستی‌هایش را تشخیص دهد—این چیزی است که حیاتی است. وقتی متوجه چیزی می‌شوید لازم است که به آن چیره شوید، و فقط این تزکیه است. بعد از تمام این حرف‌ها، می‌گویم که این موضوعی از کوشا بودن است.

اگر فردی به خوبی تزکیه نکند و مرید دافای دیگری یا تعداد زیادی از مریدان دافای دیگر را تحت تأثیر قرار دهد، و باعث شود که تزکیه آنها به شکست بینجامد، این گناه شدید مداخله با تزکیه مریدان دافا است، گناهی که حتی بعد از اینکه موجودی به هجدهمین سطح جهنم نزول کند نمی‌تواند آمرزیده شود. بعضی شاگردان قادر نیستند که وابستگی‌های کهنه‌شان را خارج کنند، که به این می‌انجامد که توسط شیطان مورد مداخله قرار بگیرند. تمام شما دارید فکر می‌کنید که این افراد کارشان تمام است و نمی‌توانند موفق شوند. در حال حاضر نمی‌توانید اینطور به آن نگاه کنید. بعضی شاگردان در واقع از خیلی وابستگی‌های دیگر خلاص شده‌اند، و بسیاری از وابستگی‌ها از میان رفته‌اند و خود را نشان نخواهند داد، اما آن وابستگی‌هایی که آنها را تزکیه نکرده‌اند هنوز به نمایش در می‌آیند. استاد قطعاً کاری خواهد کرد که آنها بیرون آمده و در تضادها تحت تأثیر قرار بگیرند، و حتماً کاری خواهد کرد که همه آن را ببینند، و هدف این خواهد بود که کاری کرد که از آنها خلاص شوند. وقتی شما یکی [از آنها] را می‌بینید، نیاز دارید که آن را به او خاطر نشان کنید. اگر آن را خاطر نشان نکنید علتش این است که وابستگی‌ای به ترسیدن از رنجاندن دیگران دارید. در این صورت، آنها واداشته خواهند شد که با شما اصطکاک و تضاد داشته باشند تا هم شما و هم او آن وابستگی‌ها را تشخیص دهید. و هدف، تزکیه کردن آن وابستگی‌های بشری است. اما وقتی به شاگردانی نگاه می‌کنید که وابستگی‌هایی دارند که نشان داده می‌شود، نمی‌توانید فکر کنید که آنها خوب نیستند. بنابراین عدم درک‌ها و اشتباهات در میان



میریدان دافا اجتناب‌ناپذیر است. نکته کلیدی این است که شما نمی‌توانید تضادها و اصطکاک‌های واقعی بین خودتان داشته باشید یا شروع کنید که به یکدیگر بی‌اعتماد شوید.

اخیراً، اغلب به موضوع به‌خوبی همکاری و هماهنگی کردن با یکدیگر تأکید کرده‌ام. چه آن وابستگی‌های بدتان خارج شده باشند چه نشده باشند، هنوز باید با همدیگر به خوبی همکاری کنید. چرا اینطور است که گاهی می‌بینید که زیاد بحث پیش می‌آید، و گاهی بحث‌ها همین‌طور ادامه پیدا می‌کنند؟ چرا اینطور است که در اعتبار بخشیدن به فا، میریدان دوباره و دوباره اتفاق نظر ندارند؟ این چیزی است که اخیراً در سرزمین اصلی چین کاملاً برجسته بوده است. مشکل واقعی چیست؟ خیلی ساده است—موضوعی از این است که دارید به فا اعتبار می‌بخشید یا به خودتان اعتبار می‌بخشید. اگر دارید به فا اعتبار می‌بخشید، فرد دیگر هر چیزی هم که درباره شما بگوید، دروناً تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. اگر فردی با نظر شما مقابله کند و شما آشفته شوید و خوشتان نیاید، اگر وقتی افراد دیگر بر اساس مشکلی که دارید نظری مخالف نظر شما مطرح کنند یا با نظر شما موافقت نکنند و شما خوشتان نیاید، و بلند شوید تا با آن مخالفت کنید و به دفاع از خودتان به بحث پردازید، و وقتی این به این می‌انجامد که از موضوع خارج شوید و به دیگران گوش نکنید، [در تمام چنین مواردی] شما—حتی اگر با بهترین مقاصد در حال دفاع کردن از خود و توضیح دادن خودتان باشید—هنوز فقط در حال اعتباربخشی به خودتان هستید. (تسویق) زیرا برای دافا تقدم قائل نشدید، و در آن زمان چیزی که بیشتر از همه نمی‌توانستید رها کنید "خود" بود.

اما افکار مردم پیچیده است، و بعضی اوقات گفتن این سخت است. بعضی افراد واقعاً به فکر فا هستند، واقعاً احساس می‌کنند که فلان روش درست است، و به خودشان وابسته نیستند. صرفاً دارند به آن شکل سر حرف خود می‌ایستند. عده‌ای ممکن است که بگویند، "خیلی مُصر هستی، آیا داری به خودت اعتبار نمی‌بخشی؟" پس در آن زمان‌ها باید آرام باشید و خودتان را جمع و جور کنید. در واقع، وقتی همه به فکر فا باشند، مشکل همکاری نکردن محو می‌شود. ما باید هر جا که هستیم افراد خوبی باشیم—آیا قرار نیست که وقتی کارهایی انجام می‌دهیم اول درباره دیگران فکر کنیم؟ چرا اینطور است که وقتی میریدان دافا با همدیگر سر و کار دارند اول درباره دیگران فکر نمی‌کنند؟ شما دارید فکر می‌کنید، "ما همه تزکیه‌کننده هستیم و هر کسی در حال تزکیه است، پس وقتی با میریدان دیگر هستیم نیازی نیست درباره این فکر کنیم که چگونه با یکدیگر صحبت می‌کنیم". آیا این چیزی نیست که دارید فکر می‌کنید؟ خوب، این درست نیست. این نکته را از یاد نبرید: شما انسان‌هایی هستید که در روند تزکیه‌اید، خدایانی نیستید که تزکیه می‌کنید، پس باید نسبت به دیگران با ملاحظه باشید.

*میرید: شاگردان در کره در حال استفاده از انواع راه‌ها هستند تا تلاش برای روشنگری حقیقت به انواع مختلف مردم را تسریع بخشند، و رفته‌رفته در حال جلب توجه و حمایت مردم هستند. روشنگری حقیقت، نتایج بهتر و بهتری را حاصل آورده است، و در عین حال، در همه جای کشور شمار زیادی از شاگردان جدید در حال وارد شدن هستند. اما اخیراً، تعداد کمی از شاگردان، یکی پس از دیگری، دچار سوانحی شده‌اند و به طور ناگوار مرده‌اند. یک نفر به هنگام واژگون شدن اتوبوسی که در آن نشسته بود در گذشت، یکی غرق شد، و دیگری در یک سانحه در محل کار درگذشت. یکی از آن شاگردان در روشنگری حقیقت بسیار فعال بود. وقوع چندین مورد از چنین رویدادهایی باعث شد که بعضی از شاگردان جدیدتر دچار ترنزل شوند.*

**معلم:** کمی قبل‌تر درباره مداخله نیروهای کهن با اصلاح فا و میریدان دافا صحبت کردم. پس بنابراین چرا نیروهای کهن چیزهایی نظیر این را انجام می‌دهند؟ هدفشان چیست؟ فکر می‌کنند، "همه شما اینجا آمده‌اید که تزکیه کنید و فکر می‌کنید که دافا خوب است. آیا درکتان از خوب بودن دافا واقعاً بر مبنای حقایق فا است؟ یا در عوض، وقتی دیگران می‌گویند که آن خوب است صرفاً همراهی می‌کنید؟ یا اینطور است که وقتی احساس می‌کنید که از فا فایده برده‌اید می‌گویید فا خوب است؟" تزکیه و دافا باوقار هستند، و می‌توانند انسان‌ها را به خدایان تبدیل کنند. نیروهای کهن تحمل این را ندارند، بنابراین می‌خواهند که شما را آزمایش کنند. می‌خواهند ببینند که وقتی کاری می‌کنند که افرادی که به آخر عمر خود رسیده‌اند در گذرند آیا هنوز خواهید گفت دافا خوب است و می‌مانید و تزکیه می‌کنید. نیروهای کهن این کار را انجام داده‌اند، بنابراین وقتی شاگردی با خطری مواجه می‌شود که زندگی‌اش را تهدید می‌کند، شما نمی‌توانید بگویید که او خوب نیست یا او مشکلاتی جدی دارد. آن در واقع، ایجاد اختلال

نیروهای کهن به وسیله سوءاستفاده از وابستگی‌های بشری است. یک مورد این است که برای بعضی شاگردان آسان است که دچار تزلزل شوند، و اگر آن نوع شاگردان همگی خیلی خوب و محکم تزکیه کرده بودند، آن مشکلات اتفاق نیفتاده بودند. اگر شاگردان معینی نتوانند از وابستگی‌های کهنه در درونشان خلاص شوند، می‌توانند مورد شکنجه و آزار و مداخله قرار بگیرند. [آنها ممکن است فکر کنند]، "من در حال انجام تمرینات بوده‌ام، و بیماری‌هایم خوب شده‌اند. احساس خیلی خوبی دارم. زندگی‌ام آسان‌تر شده است." درک‌شان همیشه در آن سطح باقی می‌ماند و نمی‌توانند فا را بر مبنای فا بفهمند، و این، پیش آمدن مشکلات را آسان می‌کند. البته، این چیزها همیشه از این نوع مشکل ناشی نمی‌شود. نیروهای کهن مدتی طولانی در حال انجام این بوده‌اند، و این نوع چیزها قبلاً در تزکیه شاگردان در سرزمین اصلی چین نیز اتفاق افتاد. از این روست که در تزکیه الزامی است که به چیزها با افکار درست نگاه کرد و به روشنی تشخیص داد که تزکیه جدی‌ترین موضوعات است.

البته، چیزهای معینی اتفاق افتاده‌اند. شاگردان در مناطق مختلف تقریباً روشن و متوجه شده‌اند، قادرند که چیزها را بر پایه فا درک کنند، و بنابراین می‌توانند آن چیزها را به طور صحیح اداره کنند. قبلاً شاگردانی وجود داشتند که اغلب می‌گفتند، "فلان شخص در محل تمرین ما خیلی خوب عمل کرده است! هر کاری که او انجام دهد انجام می‌دهیم." بگذارید به شما بگویم که مطلقاً نباید چنین کاری کنید و مطلقاً نباید به این صورت فکر کنید. تزکیه‌کنندگان نمی‌توانند انسان‌های دیگر را به عنوان الگوی خود در نظر بگیرند. باید فا را به عنوان معلم در نظر بگیرند! (تسویق) به محض اینکه شروع کنید که کارها را [به صورتی که توصیف کردم] انجام دهید و به آن صورت فکر کنید، دو مشکل ظاهر خواهد شد. یکی این است که احتمالاً آن شاگرد را به جایی هل خواهید داد که هیچ راه خروجی برایش وجود ندارد. و احتمالاً نیروهای کهن او را هدایت خواهند کرد که مشکل داشته باشد و حتی او را وادار خواهند کرد که ما را پیش از موعد ترک کند تا شاگردان دیگر را امتحان کنند. [فکر خواهند کرد]، "همه‌تان دارید به او نگاه می‌کنید. حالا که اینطور شده است، آیا هنوز قصد دارید مطالعه کنید، و آیا هنوز قصد دارید تزکیه کنید؟" تحت شرایطی مثل این، واقعاً بعضی شاگردان هستند که فکر می‌کنند، "اگر حتی او نتوانست موفق شود، آیا من می‌توانم؟" دچار تزلزل می‌شوند. آیا این نیروهای کهن نیستند که در حال سوءاستفاده از شکاف‌ها هستند؟ [در آن وضعیت] حتی من، استاد شما، نمی‌توانم هیچ چیزی بگویم! نیروهای کهن می‌گویند، "نگاهی کن. دیدی این امتحان به چه انجامید؟ کار ما درست بود، اینطور نیست؟" پس وقتی افکار درست قوی نباشند، ذهن افراد دچار تزلزل می‌شود. مطلقاً باید در برابر این حواستان جمع باشد! باید فا را به عنوان معلم در نظر بگیرید. نمی‌توانید به این نگاه کنید که فردی معین چگونه خوب تزکیه کرده است و در نتیجه به جای فا از آن فرد یاد بگیرید.

آیا وقتی شکنجه و آزار در سرزمین اصلی چین در ابتدا آغاز شد چنان شاگردانی وجود نداشتند؟ خیلی از شاگردان در حال نگاه کردن به دستیاران و انجام هر چه که دستیاران انجام می‌دادند بودند. وقتی دستیاران تسلیم شدند، آنها هم دنباله‌روی کردند و تسلیم شدند. البته، شاگردان هر چه باشد شاگردان دافا هستند، بنابراین وقتی بعداً آرام شدند، متوجه شدند که اشتباه کرده‌اند. از نو شروع به مطالعه فا کردند، و متوجه شدند که آن درکشان اشتباه بوده است و آنچه که انجام داده‌اند اشتباه بود. اما، با نگاه به آن یک بخش از آن، آیا آن برای آنها ننگ به همراه نیامد؟ آنها آن کار را در مقطعی انجام دادند، پس برای یک تزکیه‌کننده، آیا آن یک لکه ننگ نیست؟ پس، ایجاد تزلزل در ذهن افراد برای محیط تزکیه در دسر به همراه خواهد داشت. مطلقاً باید حواستان به این باشد.

همه‌نوع چیزی ممکن است در طی تزکیه اتفاق بیفتد. بعضی افراد دیدند که چنین و چنان افرادی بعد از اینکه شروع به تمرین کردند بیماری‌هایشان خوب شده است. فکر کردند، "وای، حتی چنان بیماری‌های جدی‌ای خوب شده‌اند." یا، "وای، سرطان آن فرد بعد از اینکه تمرین را شروع کرد خوب شد." "من هم تمرین می‌کنم." ولی آن فرد نهایتاً برای چه آمد؟ به خاطر سرطان و به قصد سالم شدن آمد. اینجا نیامد تا واقعاً تزکیه کند. اما من درک می‌کنم که هر کسی در درک فا باید از جایی شروع کند. یک شخص ممکن است از یک نقطه شروع به درک فا کند و شخص دیگری از نقطه‌ای دیگر. اما وقتی فردی وارد تمرین می‌شود باید مطالعه فا را اولین اولویت در نظر بگیرد—فقط آن وقت آن تزکیه است. در آن حالت، وقتی واقعاً بتوانید که در طی تزکیه فا را بفهمید، قادر خواهید بود که از هر وابستگی‌ای خلاص شوید. فکر خواهید کرد، "من فا را کسب کرده‌ام، و از هیچ چیز

نمی‌ترسم. اگر مردم هم مردم. حتی اگر بمیرم، فا را کسب کرده‌ام. بعد از اینکه مردم چه قرار است برای من اتفاق بیفتد؟ سرانجامم جهنم نخواهد بود. هر چه باشد فا را کسب کرده‌ام". فردی نظیر این با هیچ چیزی که زندگی‌اش را به خطر بیندازد مواجه نخواهد شد و هیچ ناخوشی یا بیماری‌ای نخواهد داشت (تثویق). زیرا وضعیت ذهنی‌ای که او به نمایش می‌گذارد وضعیت ذهنی یک تزکیه‌کننده واقعی است. او واقعاً فهمیده است [که تزکیه چیست] و واقعاً خودش را تعالی بخشیده است، و همه وابستگی‌هایش را رها کرده است. دست کم در این یک زمینه از بشر بودن فراتر رفته است، او به ورای قلمروی بشر بودن رفته است. فقط انسان‌های عادی ناخوشی و بیماری دارند. یکبار که او وابستگی‌اش به شفا یافتن را رها کند بیماری‌هایش از میان خواهد رفت.

افراد معینی مدت‌هاست که نتوانسته‌اند وابستگی‌شان به شفا یافتن را رها کنند. در شرایط عادی وقتی فردی از یک بیماری مهلک رنج می‌برد او در حقیقت به پایان عمر خود رسیده است. او در حال رنج بردن از یک بیماری مهلک است و زندگی‌اش قرار است که خاتمه یابد، اما اکنون او دافا را مطالعه کرده است. هرچند او به این منظور می‌آید که شفا پیدا کند، اما هنوز مجاز است که به مطالعه فا ادامه دهد تا فا را درک کند. او همچنین نمونه‌هایی از تأثیر [فا] در زندگی مردم می‌بیند، اما هنوز نمی‌تواند فا را بر پایه فا درک کند. او کتاب‌ها را نمی‌خواند، بنابراین نمی‌تواند چیزها را بر پایه فا بفهمد. فقط دیگران را در انجام تمرینات دنبال می‌کند. هنوز دارد فکر می‌کند، "من یک شاگرد فالون گونگ شده‌ام. به انجام تمرینات ادامه می‌دهم. چرا شفا پیدا نکرده‌ام؟" تزکیه موضوعی جدی است. آن آزمایش ذهن فرد، یک موضوع "همه یا هیچ" است. هر چه بیشتر وابسته باشید، حالتان بدتر خواهد شد. وقتی برای آزمایش به بیمارستان می‌روید و ادار خواهید شد که ببینید بیماری‌تان بدتر شده است. با این حال هنوز به آن روشن نمی‌شوید. از آنجا که به آن روشن نمی‌شوید، آن جدی‌تر و جدی‌تر می‌شود، و در آخر واقعاً نمی‌توانید از عهده‌اش بر بیایید. این اتفاق برای این می‌افتد که شما یک شاگرد واقعی نیستید، فا را مطالعه نمی‌کنید، و نمی‌توانید وابستگی‌تان به بیماری‌تان را رها کنید. فقط فردی عادی هستید که می‌خواهد بیماری‌اش خوب شود. هدف از اینکه دافا را منتشر کردم این است که افراد را در سطح بنیادی هستی‌شان نجات دهم، نه اینکه به افراد عادی کمک کنم شفا پیدا کنند. اگر واقعاً بتوانید تزکیه کنید، وقتی واقعاً بتوانید وابستگی‌تان به زندگی کردن یا ترس‌تان از مرگ را رها کنید—و نه اینکه فقط آنطور نقش بازی کنید تا دیگران ببینند در حالی که در درون دائماً در فکر آن باشید—آن وقت مهم نیست چه بیماری‌ای داشته باشید، آن خوب خواهد شد. در تزکیه، تفاوت بین انسان بودن و خدا بودن صرفاً تفاوتی از یک فکر است. این تفاوت یک فکر، آسان به نظر می‌رسد، اما فقط با بنیانی عمیق و محکم در تزکیه می‌تواند حاصل شود. اگر واقعاً بتوانید تلاش بسیار زیادی را وقف مطالعه فا کنید، قادر خواهید بود که به آن دست یابید.

البته، هر وقت که آن وضعیت پیش می‌آید، معمولاً در طول دوره‌ای طولانی از زمان، به فرد فرصتی پس از فرصت دیگر در دافا داده می‌شود، چراکه او هر چه باشد فا را کسب کرده است. پیوسته به او فرصت‌هایی داده می‌شود و او نمی‌میرد، و پی در پی به او فرصت داده می‌شود. اما اگر آن فرد بعد از فرصت گرفتن برای مدت‌زمانی طولانی، هنوز نتواند آن را متوجه شود، حتی اگر سال‌ها تزکیه کرده و در انجام کار دافا دیگران را دنبال کرده باشد، اگر او هنوز نتواند وابستگی‌اش به شفا یافتن را در سطحی بنیادی رها کند، آن وقت در سطحی بنیادی هنوز یک شاگرد نیست، و وقتی به پایان عمرش برسد جدا خواهد شد. افراد عادی هم می‌توانند کار دافا انجام دهند، و چیزی که آنها می‌گیرند موهبت و برکت است. وقتی تزکیه‌کنندگان کار دافا انجام می‌دهند، در پی برکت‌های عادی یا یک زندگی خوب نیستند؛ چیزی که [برای آنها] از همه مهم‌تر است بالا بردن سطحشان است. تزکیه‌کنندگان در پی چیزهای این دنیا نیستند. آیا وابسته بودن به بیماری‌تان طلب چیزی در دنیای بشری نیست؟ بعضی‌ها می‌گویند، "وقتی بیماری‌ام شفا یابد می‌توانم کارهای خوب بسیار زیادی برای دافا انجام دهم! چرا هنوز درمان نشده‌ام؟" خوب شدن‌تان، تزکیه کردن‌تان، و مرید دافا شدن‌تان همگی مشروط خواهند شد. فقط وقتی بیماری‌تان خوب شود تزکیه کرده و [خودتان را به عنوان یک مرید دافا] خواهید شناخت. ولی تزکیه بی‌قید و شرط انجام می‌شود، و چیزها به طور طبیعی به دست می‌آیند، بدون طلب.

هیچ چیز البته مطلق نیست. آنچه که درباره‌شان صحبت می‌کردم حقایق فا بودند. وضعیت افراد متفاوت است، و صرفاً مثالی می‌زد. اگر همه درک خوبی داشته باشند امور به طور نرم و هموار پیش خواهد رفت. اما وقتی فردی نتواند وابستگی‌هایش را رها کند، واقعاً سخت می‌شود.

مری: من مرید دافایی از ایرلند هستم، و مایلیم که به استاد ارجمند درود بفرستم. من برای مدتی طولانی، در اشاعه فا یا در ترکیه شخصی به خوبی انجام نداده‌ام. آیا هنوز برای من زمان هست که آن را جبران کنم؟

**معلم:** آن وقت بروید و آن را انجام دهید. از آنجا که هنوز به پایان نرسیده است، بله، هنوز زمان باقیست. (همه لبخند زده و تشویق می‌کنند) حتی اگر خوب عمل نکرده باشید، هر طور هم که باشد، استاد باز هم نمی‌خواهد که هیچ کدامتان را جا بگذارد. (تشویق)

قبلاً گفته‌ام که اصلاح فای کیهان یک مرحله است و اصلاح دنیای بشری توسط فا مرحله دیگری است. معنی آن این است که استاد در حال انجام این در دو مرحله است. بنابراین فای سه قلمرو را به شما آموزش نداده‌ام، فقط فای کیهان را به شما آموزش داده‌ام. درباره ساختارهای چیزهای زنده مختلف در سه قلمرو، سرچشمه حیات، ساختار حیات، تاریخ دنیا، یا تئوری‌ها در این دنیا از مذهب گرفته تا علم، صحبت نکرده‌ام، نظیر اینکه آن چیزها از کجا آمدند، هدفشان چیست، دلایل پشت تضادهای مختلفی که در دنیای بشری روی می‌دهد—خوب، همه چیز در تاریخ. و در رابطه با وضعیت ساختار سه قلمرو و اجرام آسمانی مختلف در سه قلمرو، درباره آن چیزها با شما صحبت نکرده‌ام چراکه آنها در کیهان بسیار ناچیز و غیرمهم هستند. سه قلمرو شایستگی این را ندارد که در دافا آموزش داده شود، چراکه آنها بسیار پایین هستند. وقتی قانون بزرگ را به شما می‌آموزم، سه قلمرو را در برمی‌گیرد. در آینده، شما همه چیز را خواهید دانست، و نیازی نخواهد بود که من به شما درباره چیزهای سه قلمرو بگویم. در آینده چیزهایی که به انسان‌ها ارتباط پیدا می‌کند را اداره خواهیم کرد، و در آن هنگام درباره فای سه قلمرو صحبت خواهیم کرد. وقتی در آینده زمان انجام امور در سه قلمرو باشد، آن زمانی خواهد بود که فای دنیای بشری را اصلاح می‌کند.

به این دلیل که امور در دو مرحله در حال انجام هستند، پدیده خاصی در کیهان اتفاق افتاده است. چه نوع پدیده‌ای؟ اینکه سه قلمرو در تمام این مدت مسدود شده است—موجودات داخل سه قلمرو نمی‌توانند بیرون بروند و موجودات خارج از سه قلمرو نمی‌توانند وارد شوند. من کسی بودم که از آغاز چیزها را مسدود و مهر و موم کردم. عناصری که در آغاز توسط نیروهای کهن ساخته شدند آنجا بودند و هنوز آنجا هستند و به طور کامل پاکسازی نشده‌اند، و پیش از اینکه امور در سطح و ظاهر دنیای بشری انجام شوند، آن قسمت از عناصر نیروهای کهن هنوز تأثیری منفی دارند. بنابراین، به این خاطر که اصلاح فا و اصلاح دنیای بشری توسط فا در دو گام مختلف در حال انجام هستند، سه قلمرو نیاز داشت که از کیهان جدا شود. از ابتدای اصلاح فای من—در مدت ده سال و خرده‌ای آخر—آن به طور پیوسته در حال دور شدن از کیهان بوده است. اخترشناسان دیده‌اند که اجرام آسمانی در کیهان، دیگر اجرام آسمانی روزهای نخست نیستند، و موقعیت راه شیری دیگر همانی نیست که در آغاز بود، و سیستم‌های ستاره‌ای دیگری که پیرامون جایی بودند که راه شیری در آغاز وجود داشت دیگر همان‌ها نیستند. این اتفاق برای این افتاده است که سه قلمرو در حال جدا شدن از کیهان است. دانشمندان این امر را هنگامی که آن در فرآیند جابجا شدن بود کشف کرده‌اند، و می‌گویند که کیهان در حال توسعه یافتن است. واقعیت امر اینطور است که اجرام آسمانی در حال جدا کردن خودشان از سه قلمرو هستند، و همچنین سه قلمرو در حال دور و دورتر شدن از مکان اولیه‌اش است. در طی ده سال و خرده‌ای اخیر، سه قلمرو بی‌وقفه در حال انتقال یافتن از کیهان بوده است. همین‌طور که این اتفاق می‌افتاده است، دانشمندان پی برده‌اند که اجرام آسمانی دستخوش تغییر عظیمی شده‌اند. ستارگانی که قبلاً وجود نداشت ظاهر شده‌اند، اجرام آسمانی‌ای که قبلاً وجود نداشت ظاهر شده‌اند، و سیستم‌های ستاره‌ای که پیش‌تر وجود نداشت ظاهر شده‌اند. بنابراین ستارگان و سیستم‌های ستاره‌ای که در ابتدا آنجا بودند به کجا رفتند؟ چرا کیهان دستخوش چنین تغییرات بسیار عظیمی شده است؟ آن چیزها در واقع به عنوان بخشی از حرکت سه قلمرو، همین‌طور که از کیهان جدا می‌شود، پدیدار شده‌اند.

آیا وبسایت PureInsight این را گزارش نکرده است؟ کیهان، سریع‌تر از سرعت نور در حال ناپدید شدن در دوردست‌ها است، و راه شیری در حال جدا شدن از کیهان است. از آنجا که به نقطه‌ای رسیده است که حتی انسان‌ها می‌توانند این مرحله را ببینند، این معنی را می‌دهد که جداسازی به رویه‌ای‌ترین سطح رسیده است. در آغاز که در حال شروع این بودم، برخی از خدایان به من گفتند، "در آینده، انسان‌ها همگی قادر به دیدن چیزهایی که انجام دادی خواهند بود، و در انتها متوجه خواهند شد که تو آن کسی بودی که آنها را انجام داد." به این صورت است چراکه تجلی‌هایی معین به تدریج در جایی که من هستم به هم خواهند رسید.

یکبار که جداسازی کامل شود، بُعدهای بیرون از راه شیری حتی وجود نخواهند داشت. انسان‌ها [آن] تهیگی را وحشتناک خواهند یافت. ستارگانی که خارج از راه شیری وجود داشتند و تمامی اجرام آسمانی‌ای که در همه‌جای بیرون راه شیری پراکنده بودند محو خواهند شد. وبسایت PureInsight گزارش کرد که راه شیری ما، "روح تنها و شیخ آواره‌ی" کیهان خواهد شد. ممکن است برای شما سوال باشد که، "علت این پدیده چه می‌تواند باشد؟" به نظر می‌رسد که مردم—شامل دانشمندان—نسبت به آن بی‌تفاوت باشند، اما فقط به خاطر این است که آن را درک نمی‌کنند. اگر چنان چیزی در گذشته در کیهان اتفاق افتاده بود، آن وقت راه شیری دیگر وجود نمی‌داشت. اگر [راه شیری] از کیهان جدا می‌شد، قادر نمی‌بود وجود داشته باشد و متلاشی می‌شد. اصلاح فای کیهان و اصلاح دنیای بشری توسط فا در دو گام در حال انجام شدن هستند، بنابراین سه قلمرو باید از کیهان جدا شود. اگر اصلاح فای کیهان کامل شده بود—و همه چیز جدید و پاک بود—اما سه قلمرو هنوز بسیار کثیف بود، کیهان را آلوده می‌کرد. نمی‌شد چنان جای کثیفی را در داخل چنان کیهان شگفت‌انگیزی داشت، بنابراین لازم است که انتقال داده شود و جداگانه مورد رسیدگی قرار بگیرد. برای همین است که جدا خواهند شد. (تسویق) دانشمندان اکنون به آنچه که توصیف کردم پی برده‌اند.

مرید: دربارهٔ تصحیح حروف چینی در "دربارهٔ فای بودا / لون یو" که بعضی تمرین‌کنندگان بر دیوار خود آویزان کرده‌اند چه کاری انجام دهیم...؟

**معلم:** بله، می‌توانید نوشتهٔ "دربارهٔ فای بودا" که بر دیوارتان آویزان کرده‌اید را تصحیح کنید. صرفاً تصحیحات را با رنگ مناسب انجام دهید. خوب در اصل، هر روشی می‌تواند استفاده شود.

مرید: چگونه می‌توانیم به شاگردان جدیدتر در چین کمک کنیم که قدم پیش بگذارند؟

**معلم:** وقتی به شاگردان جدیدتر می‌رسد، نمی‌توانید در رابطه با آنها خیلی عجول باشید چراکه آنها نیاز دارند که از میان روندی از رشد دادن درک خود عبور کنند. اگر داوطلبانه پیشنهاد می‌کنند که کاری را انجام دهند، آن وقت به آنها اجازه دهید. اما اگر به صورت داوطلبانه نمی‌خواهند کاری را انجام دهند، فکر نمی‌کنم که ما بتوانیم آنها را به انجام کاری وادار کنیم، چراکه آنها هر چه باشد هنوز شاگردان جدیدتر هستند.

مرید: چگونه باید به شرکت‌های بزرگ خارج از چین که آمادهٔ سرمایه‌گذاری کردن در چین هستند نگاه کنیم، و چگونه باید به این موضوع که اعضای خانواده‌مان می‌خواهند به چین برگردند نگاه کنیم؟

**معلم:** اگر اعضای خانواده‌تان تزکیه نمی‌کنند و می‌خواهند که به چین برگردند، آن وقت این اشکالی ندارد. اگر تزکیه‌کننده هستید بهتر این است که برنگردید—آیا خودتان را در معرض شکنجه و آزار شدن قرار نمی‌دهید؟ به عنوان یک مرید دافا، شما قادر به تحمل این نمی‌بودید که آنچه را که مریدان دافا قرار است انجام دهند انجام ندهید، اما اگر آن چیزها را انجام می‌دادید شکنجه و آزار می‌شدید. و همچنین، در اینجا چیزهایی وجود دارد که باید انجام دهید.

در خصوص بسیاری از شرکت‌هایی که در نظر دارند در چین سرمایه‌گذاری کنند، در حال حاضر کاری درباره آن انجام ندهید. صرفاً باید واقعیت‌ها را روشن کنید و به مردم درباره اینکه دافا در رابطه با چیست و چرا دارد شکنجه و آزار می‌شود بگویید. لودگی‌های فرومایه و تمام اعمال پست مرتکب‌شده توسط حکومت را که در آنها به دروغ‌پردازی و افترا زدن مبادرت کردند بر ملا کنید، سرکوب‌گری شیطان را افشا کنید، به مردم دنیا درباره این چیزها بگویید و به آنها کمک کنید که تمام اینها را به‌طور واضح ببینند—آن وقت به هدف خود رسیده‌اید. وقتی حقیقت را روشن می‌کنید صرفاً در آن سطح درباره امور صحبت کنید و بالاتر از آن نروید. تا آنجا که به بعضی شرکت‌هایی مربوط می‌شود که می‌خواهند در جایی سرمایه‌گذاری کنند، اگر فرصتی به دست بیاورید، تمام چیزی که می‌توانید بگویید این است: "فقط به خاطر سرمایه‌گذاری از سوی شماهاست که گروه پلیدکاران در چین پول [لازم] برای تأمین مالی شکنجه و آزار را دارند. می‌توانید درک کنید که وقتی آنها پلیدی‌شان را به نمایش می‌گذارند چقدر آن ترسناک است، درست است؟ آیا شرکت شما توسط آن مورد تهدید و فشار قرار نگرفته است؟" در این امر که آیا در آنجا سرمایه‌گذاری خواهند کرد یا نه درگیر نخواهیم شد. تمام کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که با استفاده از اصولی در یک سطح بسیار سطحی، با آنها صحبت کنیم.

اما فکر می‌کنم که با نفع مادی که درست در مقابل آنهاست، برخی افراد مایل به گوش کردن هستند و برخی نیستند، بنابراین تمرکز، بر این موضوع نیست. تمرکز بر این است که به افراد بگوییم که چرا فالون گونگ در حال شکنجه و آزار شدن است و شکنجه‌گران چگونه شرور هستند، و این کافی خواهد بود. یکبار که افراد بتوانند آن چیزهای شیرانه را به‌وضوح ببینند، این، عناصر سمی تبلیغات صورت‌گرفته توسط رسانه‌های افتراآمیز حکومت کمونیستی چین را از ذهنشان خواهد زدود. این یعنی که آن افراد را نجات داده‌اید، و همین یک عمل آنها را قادر ساخت که موفق به راه یافتن به مرحله بعدی شوند. وگرنه هنگامی که اصلاح دنیای بشری توسط فا وارد می‌شود و آن گونگ قدرتمند می‌آید... اصلاح فا استانداردهایی دارد، و در آن نقطه آنها قطعاً هیچ فرصت دیگری برای فهمیدن [حقیقت] نخواهند داشت. استانداردها از بالاترین تا پایین‌ترین مکان در کیهان برقرار هستند. یک موجود در آن لحظه هر طور که باشد، همان خواهد بود، و همه چیز در سریع‌ترین زمان مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. آنهایی که باید دور ریخته شوند دور ریخته خواهند شد، آنهایی که باید بمانند خواهند ماند، آنهایی که باید ترفیح یابند ترفیح خواهند یافت، و آنهایی که باید تنزل یابند تنزل خواهند یافت. در یک آن تمام است. هر چه که در ذهن یک موجود است تعیین می‌کند که او [یا موقعیت او] چیست، بنابراین در آن نقطه هیچ فرصت دیگری نخواهد بود. اگر فردی سم آن دسته فرومایه و پلید را پاک کرده باشد، آن وقت او آن مرحله را خواهد گذراند. بنابراین حداقلش این است که قادر خواهد بود شاهد تغییراتی که در آینده اتفاق می‌افتد باشد.

مرید: من مرید کوچکی از تایوان هستم. از طرف مریدان کوچک تایوان، مایلم به استاد یک گل لوتوس هدیه کنم. (استاد لبخند می‌زند) (حضار لبخند زده و تشویق می‌کنند) ما از استاد با عظمت‌مان تشکر می‌کنیم.

**معلم:** متشکرم. این گل لوتوس کوچک واقعاً زیبا درست شده است. (تشویق) این نوعی از ملاحظه و تفکری است که مریدان دافا در روشنگری حقیقت گذاشته‌اند. واقعاً سخت کار کرده‌اید و به ایده‌های بسیار زیادی برای نجات مردم رسیده‌اید. نجات مردم امروز واقعاً سخت است. [به نظر می‌رسد که انگار] فقط اگر آنچه که به آنها می‌گویید هم‌راستا با ایده‌هایشان باشد گوش خواهند کرد، و فقط اگر با آنها به طریقی که دوست داشته باشند صحبت کنید گوش خواهند کرد. به بیانی، اگر بخواهید که نجاتشان دهید، برای اینکه این کار را کنید شرط‌هایی دارند. (معلم لبخند می‌زند)

مرید: استاد، یکی از اعضای خانواده من تمرین می‌کند، و می‌گوید که خاص است. او افکار درست نمی‌فرستد و حقیقت را آشکار نمی‌کند، و به‌ندرت غیر از جوآن فالون، فا را مطالعه می‌کند. در حال حاضر در دوره اصلاح فا، ما با انواع پروژه‌ها مشغول هستیم. اگر من وقت زیادی را صرف کمک به او کنم، برایم سخت می‌شود که برای چیزهای دیگر زمان کافی بگذارم.

**معلم:** درست است. اگر او یک شاگرد جدیدتر است، آن وقت باید او را کمی درک کنید. اگر او یک شاگرد با سابقه است، آن وقت قطعاً در اشتباه است. تا آنجا که مربوط به این می‌شود که چگونه به او کمک کنید، روش ویژه‌ای برای این کار نیست. نگاهی کنید که ببینید در کجا خارج از مسیر است و راه کار مناسب را برای پرداختن به آن پیش بگیرید. مانع موجود در ذهن او را خارج کنید و وابستگی‌اش را بیاید.

مرید: چگونه به طور واقعی نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن را در هم بشکنیم، به ورای خودخواهی حرکت کنیم، و مریدان واقعی اصلاح‌فا شویم؟

**معلم:** کیهان در گذشته بر مبنای خودخواهی بود. برای مثال بشر را در نظر بگیریم: وقتی به لحظات حیاتی می‌رسید واقعاً بقیه اصلاً برایش مهم نبودند. وقتی من اصلاح‌فا را شروع کردم، بعضی خدایان به من گفتند، "تو تنها کسی هستی که خود را در امور دیگران درگیر می‌کنی". می‌دانم، شما باور این را سخت می‌یابید، چون شما موجودات نوع‌دوستی خلق شده توسط دافا هستید که در اصلاح‌فا نقش‌هایی دارید و واقعاً روشن و آگاه شده‌اید. اگر من آن کار را نمی‌کردم، با پایان تاریخ، تمام حیات‌ها خاتمه می‌یافتند. وقتی موجودی در انجام کارها نسبت به دیگران با ملاحظه است و در آن روند، شکیبایی نشان می‌دهد، علتش این است که نقطه شروع عاری از خود است.

وقتی تزکیه‌کنندگان دافا در خودشان خودخواهی می‌یابند، باید به تدریج برای غلبه به آن کار کنند. آگاه شدن به آن به این معنی است که در تزکیه قدم دیگری به جلو برداشته‌اید، چراکه یک غیرتمرین‌کننده نمی‌تواند به آن آگاه شود و به ذهنش خطور نمی‌کند که درباره این فکر کند که خودخواه هست یا نیست. فقط تزکیه‌کنندگان، بررسی کردن خود و نگاه به درون را به تمرین می‌گذارند.

مرید: مریدان دافا از فوشون به شما درود می‌فرستند. (استاد می‌گوید "متشکرم"). من شخصیت آرام‌کاری دارم. به طور عادی وقتی کار می‌کنم کند هستم و غالباً برای آن مورد انتقاد قرار می‌گیرم. آیا نیاز دارم که وقتی در حال انجام کار هستم روش‌هایم را تغییر دهم؟

**معلم:** واقعاً افرادی هستند که شخصیتی آرام‌کار دارند. می‌دانم که من شخصیت تندکاری دارم، هر کاری را بسیار بسیار سریع انجام می‌دهم. اگر بگوئید که چیزی لازم است انجام شود، قبل از اینکه دیگران حتی آماده باشند من بیرون در خواهم بود. (استاد آرام می‌خندد) (تشویق) طور دیگری بیان کنیم، من این تندکاری را پرورش داده‌ام، و در هر چیزی که انجام می‌دهم عجله و عجله می‌کنم. البته، این را نمی‌گویم که یک شخصیت آرام‌کار خوب نیست. بعضی افراد صرفاً عادت کرده‌اند که کارها را به آن صورت انجام دهند. اما فکر می‌کنم بهتر باشد که وقتی به نجات مردم می‌رسد بتوانیم کمی سریع‌تر باشیم. (استاد لبخند می‌زند) (حضار می‌خندند و تشویق می‌کنند) اما اینطور نیست که مجبورید شخصیت خود را تغییر دهید.

این طوری است که موجودات در کیهان هستند. هر کسی متفاوت است: برخی آهسته‌اند در حالی که دیگران سریع‌اند، و برخی دلوپس‌اند در حالی که دیگران متعادل‌اند. در رابطه با بعضی‌ها، آنها صرفاً در رابطه با هر کاری که انجام می‌دهند آرام‌کار هستند، و این را نمی‌توان یک وابستگی نامید. به هر حال، در موضوعات نجات مردم و چیزهایی که مریدان دافا باید انجام دهند باید شتاب کنید. فکر نمی‌کنم که این کاری به شخصیت شما داشته باشد. هر قدر هم که شخصیت‌تان کند باشد باید بدانید که معنی "عجله کردن" چیست.

مرید: من یک مرید جدیدتر هستم. من خیلی دلوپس به‌خوبی پیمودن مسیر اصلاح‌فا هستم، اما مطمئن نیستم، آیا این یک وابستگی است؟ چگونه تشخیص دهم؟

**معلم:** شما شاگردی هستید که اخیراً فا را به دست آورده‌اید، بنابراین بیش از حد دلواپس نباشید. در خصوص بسیاری از چیزها نمی‌توان همان الزامات شاگردان باسابقه را از شما انتظار داشت. اما واقعاً برخی شاگردان جدیدتر هستند که جداً خوب در حال عمل کردن بوده‌اند. آنها عمیقاً درگیر انجام کارهایی برای دافا هستند و در حال انجام کارهایی هستند که مریدان دافا لازم است انجام دهند. واقعاً خارق‌العاده هستند. گاهی واقعاً فکر می‌کنم که این افراد که دیرتر وارد شده‌اند ظرفیت بیداری عظیمی دارند. تزکیه از رشد قدم به قدم تشکیل می‌شود، و واقع‌بینانه نیست که انتظار داشت یک‌دفعه به یک سطح بالا پرواز کنید و مثل شاگردان باسابقه باشید، چراکه آنها نیز از طریق تزکیه و رشد قدم به قدم به جایی که هستند رسیدند. حالا که فا را به دست آورده‌اید هیچ چیزی برای نگرانی ندارید. فقط بروید و به‌طور سیستماتیک آنچه را که لازم است انجام شود انجام دهید، و آنچه را که مریدان دافا باید انجام دهند انجام دهید—در خصوص چیزها تا آنجایی که درکتان شما را می‌برد بروید. هیچ یک از اینها اشکالی ندارد.

مرید: آیا ممکن است استاد توضیح دهند که اگر مریدان دافا در هماهنگی و همکاری‌شان به خوبی عمل کنند چه تأثیری بر روی کارمان خواهد داشت، و اگر آنها را خیلی خوب انجام ندهیم نتیجه چه خواهد بود؟

**معلم:** اگر به خوبی هماهنگی و همکاری نکنید شیطان سوءاستفاده کرده و باعث دردسر می‌شود. در خصوص بسیاری از چیزهای اصلاح فا، اینطور نیست که هیچ راهی برای انجام آنها نیست. هر قدر هم که آن سخت باشد مسیری برای شما وجود دارد که آن را در پیش بگیرید، اگرچه مسیری نسبتاً باریک است. شما باید به طور صحیح در آن مسیر عازم شوید، و عملی نخواهد بود که حتی اندکی کوتاهی داشته باشید یا اندکی منحرف شوید. به هر جهت، مسیری برای شما وجود دارد. به بیان دیگر، نیاز دارید که به طور صحیحی در آن عازم شوید. اگر اینطور عمل نکنید، شیطانی که در حال حاضر وجود دارد از آن سوءاستفاده کرده و ایجاد دردسر خواهد کرد. در واقع آنچه که الان درباره‌اش صحبت می‌کردم موضوع اعتباربخشیدن به خود در مقابل اعتباربخشیدن به فا در زمانی است که با هم بر روی چیزی کار می‌کنید—موضوع این است.

وقتی همه در حال گفتگو درباره چیزی هستند، ممکن است به خاطر اینکه فردی با نظر شما مخالفتی مطرح می‌کند به هم بریزید، اما اگر هیچ کسی مخالفتی مطرح نکند و هر کسی بگوید که، "این ایده نسبتاً خوبی است، و آن یکی هم بد نیست"—تا اینکه هیچ کسی نرنجد—می‌گویم که این شاگردان نسبت به دافا یا تزکیه خودشان خیلی مسئول نیستند. آنها جرئت روبرو شدن با تضادی را ندارند و جرئت این را ندارند که به طور مستقیم به چیزها بپردازند، و جرئت نمی‌کنند وقتی مشکلی را می‌بینند درباره‌اش صحبت کنند. این زیادی به "خود" وابسته بودن است، و این خودخواهی است. اگر شما به مسئله‌ای بدون وابستگی به خود بپردازید و به‌طور آرام نظراتی را درباره چگونگی خوب پرداختن به مسئله پیش بکشید، فکر نمی‌کنم دیگران موقع شنیدن آن احساس ناراحتی داشته باشند، چراکه دارید آن را برای فا انجام می‌دهید. این یک نکته.

نکته دیگر این است که اگر پیشنهاد فردی رد شود و آن فرد احساس به‌هم‌ریختگی کند، آن وقت او واقعاً مشکل دارد. معمولاً تنها زمانی که گفتگوها درباره موضوعات اعتباربخشی به دافا از مسیر خارج می‌شوند زمانی است که یک وابستگی به خود برانگیخته شده است. بروید و به دقت تماشا کنید—اگر باور نمی‌کنید، وقتی اینجا را ترک می‌کنید و به خانه می‌روید به دقت حواس‌تان به آن باشد. وقتی در حال صحبت بر روی چیزی هستید، نگاه کنید که چه کسی دارد بحث را از مسیر خارج می‌کند، و آن فردی که در حال انجام آن است مطمئناً مشکل دارد. (حضور می‌خندند و تشویق می‌کنند) آن فردی که از موضوع خارج می‌شود به "خود" وابسته است، یا وقتی که نظراتش به چالش کشیده می‌شود، واداشته شده توسط یک ذهنیت بشری، به هم می‌ریزد و کارهای دافا را کنار می‌گذارد. در آن زمان‌ها او توسط شیطان مورد سوءاستفاده قرار خواهد گرفت—همان‌طور که بحث می‌کند از موضوع اولیه بیشتر و بیشتر منحرف خواهد شد، و شیطان از او سوءاستفاده خواهد کرد. در آن نقطه او بیشتر و بیشتر به هم می‌ریزد، و هر چه بیشتر به هم بریزد، ذهنیت بشری‌اش در واقع بیشتر توسط شیطان تشدید می‌شود و او کمتر در یک وضعیت تزکیه است، بنابراین شیطان حتی بیشتر سوءاستفاده خواهد کرد. فکر می‌کنید یک درک پلید، یا "روشن‌بینی" در امتداد یک مسیر شیطانی، از کجا می‌آید؟ آیا این جایی نیست که از آن می‌آیند؟ شیطان از وابستگی‌های او سوءاستفاده کرده و



کاری می‌کند که افکار دروغین در ذهن او نمایان شوند، اما او آنها را واقعی در نظر می‌گیرد و فکر می‌کند که آنها کاملاً مستقل و معقول هستند. او فکر می‌کند، "هیچ کدام از شما مرا نمی‌فهمید، و بعد از تمام این حرف‌ها، سطح تزکیه شما به بالایی من نیست، و هیچ کدام از شما فا را به خوبی من نمی‌فهمید". (استاد آرام می‌خندد) آخرش این می‌شود.

مرید: تلاش‌های مریدان دافا در شهر نیویورک وضعیت را بسیار تغییر داده است، و بسیاری از افراد عادی توسط آنچه که در نمایش‌های ضدشکنجه ما دیده‌اند تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. اما غربی‌های بیشتر و بیشتری به ما گفته‌اند که در حال دیدن تعداد خیلی زیادی از آن تصاویر هولناک هستند، و باعث شده است که همدردی‌شان با ما را از دست بدهند. آیا لطفاً ممکن است که استاد ما را در این خصوص روشن کنند؟

معلم: شاید آنها بگویند که نمایش‌های ضدشکنجه‌ای که برای روشنگری حقیقت برگزار می‌کنید بیش از حد شوکه‌کننده هستند، اما چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که اعمال شما مثبت است، و انرژی، صالح و نیک‌خواهانه است، بنابراین مطلقاً مردم را به هیچ طریق منفی‌ای شوکه نخواهد کرد. در عوض، ناراحتی‌ای که بعضی افراد احساس می‌کنند باید توسط افکار بدی که در ذهن آن افراد است سبب شده باشد. آیا مردم، آن تصویر گرافیکی مصلوب شدن عیسی را همه جا آویزان نمی‌کنند، که دست‌ها و پاها را با میخ سوراخ شده‌اند و از آنها خون می‌آید؟ آیا مردم برای صدها یا هزاران سال در حال مشاهده آن تصویر نبوده‌اند؟ بنابراین مسئله در آنچه که ارائه شده است نیست. آیا مریدان دافا در شکنجه و آزار تحت محنت‌های مشابهی قرار نگرفته‌اند؟ شما در حال استفاده از هنر برای به تصویر کشیدن اعمال شیطانی نیستید، شما در حال نجات مردم هستید. باید دلیلی وجود داشته باشد که چرا بعضی افراد واکنش‌های منفی دارند، باید مشکلاتی در خصوص وضعیت ذهنی‌شان وجود داشته باشد. شاید شیطان در حال کنترل کردن ذهن آنهاست، یا اگر نه، آن وقت اینطور است که پنداشت‌هایشان درست نیست. حتی افرادی که با مریدان دافا همدردی می‌کنند پنداشت‌هایی دارند که از اجتماع عادی بیرون آمده است، و از لحاظ درک، آنها ممکن است به خاطر آن، احساس راحتی نداشته باشند. ولی نگران نباشید، این را می‌توان با کمی توضیح عمقی‌تر حل و فصل کرد.

یک انسان می‌تواند پنداشت‌های مختلفی در دنیا شکل دهد. بعضی افراد فکر می‌کنند غذای تند خوب است، بعضی‌ها فکر می‌کنند غذای شور خوب است، بعضی‌ها غذای شیرین را دوست دارند، و بعضی‌ها ملایم را می‌پسندند. آنها همه گرایش‌هایی ساخته خود فرد هستند. حتی اگر یک کمدی در منهن اجرا شود، هنوز انبوهی از افراد خواهند بود که از آن خوش‌شان نیامده و انتقاد خواهند کرد. این طوری است که انسان‌ها هستند. افرادی در هر دو طرف وجود دارند، مثبت و منفی، و انسان‌ها صرفاً درون اصل تولید متقابل و بازداری متقابل زندگی می‌کنند. نمی‌توانند همگی یک‌طور باشند. شاید افراد بیشتری در بیرون وجود داشته باشند که فکر می‌کنند نمایش‌های ضدشکنجه خوب هستند، فقط اینکه آن را بیان نکرده باشند. دیگر نمی‌توانیم به قیمت نجات افراد خوب، برای همسازي با آنهايي که موانع بسیاری در ذهن خود دارند به سازش کاری ادامه دهیم. ما در حال نجات مردم دنیا هستیم. بعضی‌ها نمی‌توانند دیدن این چیزها را تحمل کنند، اما افراد بیشتری هستند که می‌توانند، و تحت تأثیر قرار می‌گیرند، بیدار می‌شوند، و نجات می‌یابند. (تشویق)

اگر فردی فکر می‌کند که نمی‌تواند آن را تحمل کند، خوب، بیایید درباره‌اش فکر کنیم. با چنان میدان صالحی و با افشا شدن شیطان به آن صریحی، و اینکه تمام آنچه که نشان داده می‌شود در واقع در زندگی واقعی در حال اتفاق افتادن است، با این حال شخصی وجود دارد که هنوز موضوعات نظیر آن را مطرح می‌کند، آن وقت آیا آن فرد مشکل ندارد؟ مطمئناً دارد. هر قدر که سخت کار کنید و هر قدر که در روشنگری حقیقت [تلاش] صرف کنید، بگذارید به شما بگویم، همیشه افرادی در این دنیا خواهند بود که نمی‌توانید نجاتشان دهید. همیشه قسمتی خواهد بود که نمی‌تواند نجات پیدا کند. نمی‌توانیم به خاطر آن افراد دلسرد شویم یا روحیه خود را ببازیم. ما چگونه می‌توانیم تحت تأثیر هر چیزی که بعضی افراد ممکن است بگویند قرار گرفته و در نتیجه با آن همراه شویم؟ اینجا هستیم که مردم را تغییر دهیم، نه اینکه آنها ما را تغییر دهند. (تشویق)

هر چیزی که داریم به مردم می‌دهیم شگفت‌انگیز است، و داریم مردم را نجات می‌دهیم. نمی‌توانیم برای همسازي با آنهايي که دیگر خوب نیستند و برای نجات مردم ایجاد مانع می‌کنند سازش کاری کنیم، منجر به این شویم که افراد خوب نجات نیابند.

البته، وقتی درباره آنها صحبت می‌کنیم که دیگر خوب نیستند، آنها لزوماً به طور کامل بد نیستند، و شاید آن توسط پنداشت‌هایشان سبب شده باشد. اما باید وقتی به این می‌رسد متوجه و معقول بمانید. توسط آن تعداد کم از افراد به نوسان در نیاید و تحت تأثیر مردم قرار نگیرید. باید در ذهنتان درباره اینکه چه انجام می‌دهید بسیار روشن باشید: شما در حال نجات مردم هستید، در حال انجام صالح‌ترین و باعظمت‌ترین کار هستید! (تسویق) شاگردان ما در فراهم آوردن نمایش‌های ضدشکنجه، چنان رنج‌های بزرگی را بر خود هموار کرده‌اند و به مشقت و سختی بسیار زیادی غلبه کرده‌اند. این کار کوچکی نیست.

نکته کلیدی در اصل این است که خود ما هشیار و متوجه باشیم. ما باید با قدرتِ مجاب‌سازی عمل کنیم، نه با ترسویی یا تردید و دودلی. شما نمی‌توانید این واقعیت را ببینید که موجوداتی هستید که جاده خدا شدن را می‌پیمایید. (تسویق) پس شما با افراد عادی فرق دارید و نمی‌توانید توسط آنها تحت تأثیر قرار بگیرید. خدایان همگی برای آنچه که در منهن انجام می‌دهید شما را تحسین می‌کنند، به طور واقعی شما را تحسین می‌کنند. خواه خدایانی باشند که در حال ایفای نقشی مثبت هستند یا آنهایی که در حال ایفای نقش منفی هستند، همگی آنها شما را تحسین می‌کنند. مردم دنیا هم همینطورند. ارزش‌های جهانی در خصوص اینکه چه چیزی خوب است و چه چیزی پلید تغییر نکرده است.

*مرید: آیا وقتی به کار دافایی می‌رسد که در اصلاح فا انجام می‌دهیم موضوع اولویت مطرح است؟ اگر بعضی شاگردان به خاطر ملیت یا زبان مادری‌شان بخواهند کار دافایی که به ملیت یا زبان خاصی مرتبط است انجام دهند، آیا آنها نباید در حال حاضر آن را کنار گذاشته و بر روی کار دافایی در دست انجام تمرکز کنند؟*

**معلم:** اشتباه نیست که بخواهند کار دافایی مرتبط با ملیت یا زبان خود را انجام دهند. استاد نمی‌تواند به شما پاسخ‌های مشخصی در رابطه با این پرسش‌ها بدهد، چرا که هر شاگرد در حال انجام اموری برای روشنگری حقیقت و نجات موجودات ذی‌شعور است. شاید آن افراد کارهایی داشته باشند که باید انجام دهند. اما وقتی لازم است که به صورت گروهی بر روی چیزی کار کنید، مریدان دافا نیاز دارند که به خوبی همکاری کنند.

*مرید: سوالی دارم. کمی قبل گفتید که وقتی شکنجه و آزار تمام شود همه چیز ثابت خواهد بود. مایلیم بپرسیم آیا افراد عادی‌ای که هنوز فریب خورده‌اند فرصت دیگری خواهند داشت؟*

**معلم:** یک موجود هر چیزی که سرش حاوی آن باشد خواهد بود، و هم برای موجودی که باید از بین برده شود و هم موجودی که باید چیزها برای او به خوبی خاتمه یابند، آن در یک گذر بلافاصله تمام خواهد شد. بعضی افراد ممکن است بگویند که صرفاً به حزب سیاسی معینی اعتقاد دارند یا اینکه صرفاً می‌خواهند برای آن حزب کار کنند. اگر قانون کیهان آن حزب را خوب در نظر بگیرد، آن وقت آنها وقتی آن لحظه‌ای می‌آید نگه داشته خواهند شد؛ اگر قانون کیهان آن حزب را پلید در نظر بگیرد، آن وقت وقتی آن لحظه بیاید پاکسازی خواهند شد. در آن نقطه، روشنگری واقعیت‌ها دیگر وجود نخواهد داشت و دادن فرصت‌های اضافه به افراد که به درک‌هایی برسند دیگر وجود نخواهد داشت. در آن نقطه دیگر چنان چیزهایی وجود نخواهد داشت، و مردم عضوی از هر آنچه که در بردارند خواهند بود و به عنوان عنصری از آن دیده خواهند شد. یک شخص بخشی از هر آنچه که سرش حاوی آن است خواهد بود، و همه چیز در یک چشم به هم زدن تمام خواهد شد.

*مرید: ما اغلب در رژه‌های عمومی در ایالات متحده شرکت می‌کنیم و به خوبی توسط بسیاری از گروه‌ها مورد استقبال قرار گرفته‌ایم. آیا ممکن است که استاد به ما بگویند که چگونه می‌توانیم در حالی که تا بیشترین حد با روش افراد عادی مطابقت داریم به مردم کمک کنیم که ببینند درباره دافا بدانند؟ وقتی ما اختلاف‌هایی داریم، آیا باید آنها را برای گفتگوی خودمان کنار بگذاریم یا به استاد گزارش کنیم؟ (حاضر می‌خندند)*

**معلم:** وقتی با مشکلات روبرو می‌شوید باید با هم روی آنها صحبت کنید چراکه شما در حال تزکیه هستید. نمی‌تواند اینطور باشد که هر وقت مشکلی دارید، از استاد بخواهید که برود تزکیه کند. (حضار می‌خندند و تشویق می‌کنند) آیا درست نیست؟ پس وقتی با مشکلات روبرو می‌شوید باید دریابید که چگونه باید به آنها بپردازید، و خواه به آن چالش‌ها غلبه کرده یا آنها را با توافق بر سر راه‌حلی حل و فصل کنید، آنها فرصت‌هایی برای شما هستند که تقوای عظیم بنا کنید. آن روند در واقع روندی از پخته شدن، [روندی] از حرکت به سمت آینده است، و روندی از قدم‌هایی است که در جاده خدا شدن برمی‌دارید. (تشویق) قطعاً نباید چیزهای خاص را برای استاد کنار بگذارید. (حضار می‌خندند)

پس چگونه باید به تمام موجودات کمک کنید که بیابند دافا را بشناسند؟ وقتی واقعیت‌ها را روشن کرده باشید و واقعاً به افراد کمک کرده باشید که شکنجه و آزار را درک کرده و بدانند که دافا چیز مثبتی است، همین به اندازه کافی خوب است. اگر فردی فکر کند که فالون گونگ واقعاً خوب است و به دانستن بیشتر درباره فالون گونگ ابراز تمایل کند، آن وقت می‌توانید در یک سطح بی‌نهایت پایه‌ای به او توضیح دهید که فالون گونگ از تمرین‌کنندگان خود می‌خواهد که خوب باشند، و در انتها می‌توانید به او بگویید که ما تلاش داریم که افراد بهتر و بهتری شویم و به کمال معنوی برسیم. این تمام چیزی است که می‌توانید به او بگویید، و نمی‌توانید از این فراتر بروید. اگر به او شروع به گفتن چیزها در سطوح بالاتر می‌کردید او را می‌ترساندید.

و قلمروی فکر افراد متفاوت است. برای مثال، اگر به یک بچه کلاس اول درس دانشگاه را می‌دادید، او از رفتن به مدرسه سر باز می‌زد و دیگر به کلاس نمی‌رفت. (تشویق) شما از طریق تزکیه، قدم به قدم به قلمروها و سطوح فعلی‌تان رسیده‌اید، و اگر بخواهید که همه چیز را یک‌دفعه به او بگویید، درست مثل این است که بخواهید او را در یک آن از یک فرد عادی بودن به جایی که هستید بالا ببرید. (استاد آرام می‌خندد) حتی من، استادان، این کار را انجام نمی‌دهم. (حضار می‌خندند) من می‌توانم کاری کنم که یک موجود، بعد از اینکه از تمام عوامل سطح پایین رها می‌شود، به سطحی با هر ارتفاعی برسد، و می‌توانم موجوداتی در هر ارتفاعی را به وجود بیاورم. اما اگر بخواهید یک موجود سطح پایین، چیزها در چنان سطوح بالایی را بفهمد، در شرایط عادی آن موجود نمی‌تواند آن را اداره کند. بنابراین افراد باید قدم به قدم درک کنند. چرا از شما می‌خواهم که درباره چیزها در سطوح بالا صحبت نکنید؟ چرا از شما می‌خواهم که معقولانه واقعیت‌ها را روشن کنید؟ علتش این است. بنابراین وقتی بعضی از شاگردان کاملاً معقول نبوده و وقتی که واقعیت‌ها را روشن می‌کنند فوراً درباره چیزها در سطوح خیلی بالا صحبت می‌کنند، و وقتی که حتی با مأموران حکومت درباره این صحبت می‌کنند که خدایان چنین‌اند و چنان‌اند و به آنها می‌گویند که استادشان فلان کس است (حضار می‌خندند)، مردم فکر می‌کنند که پرت و پلا می‌گویید. (حضار می‌خندند) این طرز روشن کردن واقعیت‌ها نیست. درک یک تزکیه‌کننده قدم به قدم از طریق تزکیه حاصل شده است، و به طور کلی اگر بخواهید که افراد فوراً چیزها را در چنان سطوح بالایی درک کنند آنها فهم آن را بسیار سخت خواهند یافت. اگر نتوانند آن را درک کنند، آن وقت تأثیر عکس گذاشته و در اصل، تأثیر زیان‌باری خواهد داشت.

مرید: در طول دو سال گذشته در سن دیگویی کالیفرنیا بعضی از شاگردان جدید وارد راه شده‌اند و فا را کسب کرده‌اند، و افراد مقدر هر هفته برای یادگیری تمرین می‌آیند. بعضی از آن شاگردان جدید کاملاً توانا هستند و شرایط لازم این را دارند که در پروژه‌های مربوط به اعتباربخشی به فا درگیر شوند. آیا می‌باید آنها را مستقیماً به انجام سه کار ببریم یا از آنها بخواهیم که فقط فا را مطالعه کرده و تمرینات را انجام دهند، و بعدها آنها را در پروژه‌های مربوط به اعتباربخشی به فا درگیر کنیم؟

**معلم:** می‌توانم ببینم که شما خیلی دست‌تنها هستید و نگرانید که شاگردان جدید توانایی را درگیر کنید. اما هنوز فکر می‌کنم که بهتر است شتاب نکرد. چرا اینطور است؟ زیرا وقتی شاگردان باسابقه با هم درباره چیزها صحبت می‌کنند و در آن وضعیتی هستند که خیلی دقت ندارند که چطور به نظر می‌آیند، شاگردان جدید را خواهد ترساند. [به خاطر] انرژی شما، هر چند کلمات‌تان ممکن است قوی نباشند، به نظر آنها قوی هستند. و گرچه ممکن است صدایتان را بالا نبرده باشید، برای آنها مثل رعد به نظر می‌رسد. (حضار می‌خندند) واقعاً برایشان اینطور احساس می‌شود. پس باید منتظر بمانید و تا زمانی که سطح معینی از درک و شناخت را به دست آورده باشند، و فرصتی داشته باشند که تدریجاً رشد کنند، شاگردان جدید را درگیر نکنید—دست کم تا زمانی

که دید عمیق تری نسبت به دافا داشته باشند. به این صورت، منجر به این نخواهد شد که به علت عدم درک چیزی، از ترکیه دست بکشند.

مرید: از همان زمانی که شکنجه و آزار شروع شد و قتم با دوره‌های انجمن تحقیقاتی‌ام گرفته شده است و زمان برای هیچ چیز دیگری نداشته‌ام. زمان زیادی برای کار دافا نداشته‌ام و مطمئناً ۱۰۰٪ قتم را وقف کار دافا نکرده‌ام. آیا به سطحی که قرار است خواهیم رسید؟

**معلم:** اگر شغلان واقعاً دست و بال شما را بند کرده است مشکلی نیست. همین طور که شغلان را به خوبی انجام می‌دهید، برای مطالعه‌ی فا زمان گذاشته و از هر فرصتی که به دست می‌آوردید برای انجام کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند استفاده کنید، نظیر روشننگری حقیقت. همیشه زمان‌های پرمشغله و زمان‌های نه‌چندان پرمشغله وجود خواهد داشت، و نمی‌تواند اینطور باشد که همه با هم مشغول باشند یا همه با هم مشغول نباشند. در همان حال که عده‌ای مشغول هستند عده‌ای سرشان شلوغ نیست. به هر حال، برای یک ترکیه‌کننده هیچ چیز برای همیشه ثابت نیست. خواه در این لحظه مشغول باشید یا نه، صرفاً آنچه را که قرار است، انجام دهید، و همین طور که زمان سپری می‌شود همه چیز ممکن است تغییر کند. بنابراین این چیزی است که فکر می‌کنم: مشغول بودن را بهانه‌ای برای خودتان قرار ندهید که هیچ کاری انجام نداده یا در مطالعه‌ی فا کم کاری کنید. و افرادی هستند که وقتی سرشان شلوغ است واقعاً نگران می‌شوند، و این هم عملی نیست. آنچه را که بر مبنای وضعیت‌تان می‌توانید، انجام دهید.

آنچه اکنون گفتم برای روشننگری واقعیت‌ها در منتهن نیز صدق می‌کند. آنهایی که توانایی آن را دارند و شرایطشان به آنها اجازه می‌دهد که بیایند می‌توانند بیایند، و آنهایی که شرایطشان به آنها اجازه‌ی آمدن نمی‌دهد نباید بیایند. اینطور نیست که تمام شما مجبورید که امور را به یک صورت انجام دهید. وقتی تمام شما در حال انجام امور از قلبتان باشید، آن وقت آن واقعی است. استاد هرگز به شما دستور نداده است که هیچ کاری را انجام دهید. تمام کاری که انجام داده‌ام گفتن این به شماست که چه باید کنید، و بعضی از شاگردان می‌روند و آن را انجام می‌دهند. صرفاً آنچه که یک مرید دافا باید انجام دهد را بر اساس وضعیت‌تان و توانایی‌تان برای انجام آن انجام دهید. عملی نیست که وقتی وضعیت‌تان اجازه نمی‌دهد چیزها را به زور انجام دهید. اگر این کار را کنید، هم در زندگی روزانه‌تان و هم در ترکیه‌تان مشکل به بار خواهید آورد، و این خوب نیست.

مرید: مریدان دافا در ترکیه به شما درود می‌فرستند. چه هنگام ممکن است که مایل به دیدار از ترکیه باشید؟ درباره‌ی ترکیه چه فکر می‌کنید؟

**معلم:** بخش اصلی جمعیت هر یک از ملت‌ها برای دافا آمدند، بنابراین نمی‌خواهم که همان طور که دافا اشاعه می‌یابد هیچ ملتی را جا بگذارم. و برای همین است که از شما می‌خواهم که بروید واقعیت‌ها را روشن کنید. مریدان دافا در مناطق مختلف واقعاً باید چیزهایی که باید انجام شوند را به خوبی انجام دهند. موجودات ذی‌شعور منتظر شما هستند.

در مورد اینکه چه وقت از ترکیه دیدن خواهیم کرد، قطعاً وقتی فرصت پیش بیاید خواهیم رفت. (تسویق) در آینده به هر گوشه‌ی جهان سفر خواهیم کرد (تسویق پرشور)، چراکه باید از هر شخصی که شما به هنگام روشن کردن حقیقت نجاتش داده‌اید مراقبت کنم.

مرید: بعضی از هم‌تمرین‌کنندگان را دیده‌ام که، بعد از بازی کردن نقش پلیس‌های پلید در نمایش‌های ضدشکنجه به دفعات زیاد، نسبت به قبل سرشت اهریمنی بیشتری را به نمایش می‌گذارند. آیا ارتباطی وجود دارد؟ (حضرار می‌خندند)

**معلم:** نه، وجود ندارد. صرفاً در ذهن خودتان است. (استاد لبخند می‌زند) وقتیبه‌خانه بروند، فا را مطالعه کنند، و ذهنیت‌های خود را کمی تنظیم کنند خوب و بی‌اشکال خواهد بود.

میرید: برخی مریدان دافا اخیراً یک مرکز و مدرسه هنر را شروع کرده‌اند، که برای عموم آزاد است. مایلیم توصیه و نظر استاد را در این خصوص جویا شوم که چگونه باید قبل از اینکه فادنیای بشری را اصلاح می‌کند به ایفای نقشمان بپردازیم، با در نظر گرفتن این امر که پروژه‌های دافای بسیار زیادی در جریان هستند و سرمایه محدود است.

**معلم:** خواه اداره شرکت‌ها یا باز کردن مدارس توسط مریدان دافا باشد، فکر می‌کنم که اینها فعالیت‌های معمولی‌ای هستند که آنها به عنوان اعضای اجتماع انجام می‌دهند. آنها ابزاری برای تأمین معاش هستند و در عین حال ممکن است برای هم‌تمرین‌کنندگان فرصت‌های شغلی ایجاد کند. همچنین، از طریق تعامل مان با اجتماع از این راه، می‌توان با بعضی از افراد عادی تماس برقرار کرد، و آنها ممکن است که بیایند تا از آن نفع ببرند.

پرسیدید که چگونه باید پیش از آنکه فادنیای بشری را اصلاح می‌کند به ایفای نقش‌تان بپردازید. می‌توانید آن را مطابق توانایی‌تان انجام دهید. اداره یک مدرسه هنر با حرفه‌های دیگر فرق می‌کند. یک مدرسه هنر می‌تواند به هنرجویان بیاموزد که به‌وسیله پیروی از جن، شن، رن افراد خوبی شوند. و این مدرسه می‌تواند در اجراهایی که توسط مریدان دافا حمایت می‌شود شرکت کند، به مردم کمک کند که جنبه دیگری از مریدان دافا را ببینند و خودشان تفاوت بین شرارت آن حزب سیاسی و آن سرده‌آه‌ریمن و خوبی مریدان دافا را ببینند. پس این باید چیز واقعاً خوبی باشد. گالای سال نوی چینی که توسط تلویزیون سلسله تانگ جدید حمایت می‌شود این هدف را دارد که افراد چینی بیشتری را درگیر نموده و با آنها تماس برقرار نماید به طوری که برای آنها واقعیت‌ها را روشن کرده و آنها را نجات دهد. اگر اجراها ضعیف بودند، آن وقت هیچ کسی تماشا نمی‌کرد، و به هدف نجات موجودات مان نمی‌رسیدیم. اجراهای خوب، آن هدف را برآورده خواهند کرد، یا دست کم در نقش یک پل عمل خواهند کرد. اگر مدرسه واقعاً موفقیت‌آمیز باشد می‌تواند در اجراهایمان شرکت کند. بنابراین تمام اینها خوب است.

میرید: بعضی شاگردان برای مدتی طولانی در حال تزکیه بوده‌اند و به نظر می‌رسد که اهمیت اعتباربخشی به فا را درک می‌کنند، با این حال خیلی کوشا نبوده‌اند. چگونه به آنها کمک کنیم؟

**معلم:** هیچ علاج معجزه‌واری وجود ندارد. هر کسی قبل از اینکه بتواند به سطوح بالاتر صعود کند باید خود را محکم تزکیه کند. تا آنجا که به آنها می‌مربوط می‌شود که کوشا نیستند، نگاهی بیندازید که ببینید گیر افکار آنها در کجاست. باید برای درک ناکافی آنها از آنچه که مریدان دافا باید انجام دهند دلیلی وجود داشته باشد—سعی کنید که دریابید آنها در حال حاضر برای چه چیزی بیشتر از همه اهمیت قائل‌اند؟ از آنجا که آنها شاگردان ما هستند، باید نسبت به آنها مسئولیت قبول کنیم و با آنها صحبت کنیم. اگر آنها افرادی عادی بودند نیازی نداشتیم که درباره‌اش نگران باشیم. آنها نمی‌خواهند تزکیه کنند، پس اذیتشان نمی‌کنیم. ولی وقتی فردی شروع به تزکیه کند، آن فرد اگر نتواند همپا شود در میان شکنجه شیطان در خطر خواهد بود، بنابراین باید برای او مسئولیت به عهده بگیرید.

میرید: "نه شرح و تفسیر درباره حزب \*\*\*" که توسط روزنامه‌ای که مریدان دافا اداره می‌کنند به رشته تحریر در آمد عالی است، اما من نگرانم که افراد عادی‌ای که ما را درک نمی‌کنند بگویند ما در حال سیاسی شدن هستیم.

**معلم:** این اتفاق نخواهد افتاد. همه می‌دانند که آن حزب سیاسی در حال شکنجه و آزار فالون گونگ است. تمام کاری که در حال انجام آن هستیم این است که به افراد بگوییم چرا آن حزب سیاسی در حال شکنجه و آزار فالون گونگ است، و در عین حال، به آنها بگوییم که آن حزب از طریق شکنجه و آزارش امید دارد که به چه دست پیدا کند، چرا ح‌ک‌چ در حال شکنجه و آزار فالون گونگ است، و چه تفاوت‌های بنیادی بین فالون گونگ و ح‌ک‌چ وجود دارد. بنابراین صرفاً درباره اینکه آن حزب سیاسی چه هست و چرا با جن، شن، رن مخالف است صحبت خواهیم کرد. اما تا آنجا که به تزکیه ربط پیدا می‌کند، یکی از اصول تزکیه شخصی و روشنگری حقیقت ما این است که ما در آن چیزها [که در سوال ذکر شد] درگیر نمی‌شویم. ارتباط مهمی بین [این] افشاسازی رسانه در رابطه با شکنجه و آزار مریدان دافا توسط ح‌ک‌چ و نجات تمام موجودات وجود دارد. شکنجه و آزار فالون

گونگ تحت نام آن حزب سیاسی معین به اجرا درآمده است، [حزب سیاسی‌ای که] در جریان شکنجه و آزارش افراد بسیاری را مسموم کرده است. به منظور نجات آن افراد، این مهم است که به آنها کمک کرد تا ماهیت آن حزب را ببینند.

وبسایت مینگ‌هوئی دربارهٔ این گزارش نداده است زیرا، از دیدگاهی که به تزکیهٔ دافا نزدیک‌تر است، آن موضوعی کلیدی نیست. گزارش‌های رسانه‌ها روش دیگری از نجات تمام موجودات هستند.

تا آنجا که به این مربوط می‌شود که چه کسی در آینده به چین حکومت خواهد کرد، هر کسی که می‌خواهد باشد، باشد. آن ارتباطی به ما ندارد. خواه او خوب باشد یا بد، یک موضوع بشری است، و ما تزکیه‌کننده هستیم. اگر شما ما را شکنجه نمی‌کردید، آن وقت نیازی نداشتیم که شما را افشا کنیم. شما گستاخی انجام آن کارهای وحشتناک را دارید، پس چرا شهامت این را ندارید که با آن روبرو شوید؟

*مرید: بسیاری از شاگردانی که در ساخت برنامه‌های تلویزیونی FGM درگیر بودند دیگر آنها را انجام نمی‌دهند چراکه با تلاش‌های اخیر روشنگری حقیقت در منتهن و تدارکات گالای نیویورک گرفتار و مشغول هستند.*

**معلم:** استاد نمی‌تواند چیزی دربارهٔ آن بگوید چراکه آنها چیزهایی هستند که شما خودتان آنها را دریابید. آنها همگی مهم هستند. من همهٔ برنامه‌های تهیه‌شده توسط FGM را نگاه می‌کنم—تک تک آنها را. (تشویق) بنابراین آنها همه مهم هستند، و نباید هیچ یک از آنها را از نظر بیندازید. در واقع، می‌بینم که همهٔ شما واقعاً مشغول هستید، و هر شخص در حال کار کردن بر روی چندین پروژه است. در میان خودتان هماهنگی کنید، استاد نمی‌تواند هیچ چیز مشخصی را بگوید.

*مرید: (پرسش ترجمه‌شده) از آنجا که افلاک عظیم توسط دافا خلق شد، چگونه می‌تواند امروز در چنین وضعیتی نامناسبی باشد که برای اصلاح آن نیاز به استاد باشد؟ مریدان از همیلتون، نیوزلند، به استاد درود می‌فرستند.*

**معلم:** متشکرم. (تشویق) مشخصه‌های پیشین کیهان، دوره‌هایی که از میان آن گذشت را تعیین کرد. پس، این مشخصه‌ها چه بودند؟ "شکل‌گیری-سکون-فساد-نابودی-تهیگی" بودند، و کیهان کهن به این صورت است. کیهان بسیار عظیم است، و وقتی فساد و نابودی در یک مقیاس کوچک یا در یک ناحیهٔ منطقه‌ای روی می‌داد، آن ناحیه در انفجاری منفجر می‌شد، و سپس خلأیی به دنبال می‌آمد. بعد از اینکه آن خلأ می‌شد، ماده هنوز وجود داشت، بنابراین خدایان از آن مادهٔ مرده برای از ابتدا خلق کردن لایهٔ جدیدی در کیهان استفاده می‌کردند. این روند خیلی شبیه متابولیسم انسانی است. چنانچه مشکلات در ناحیهٔ بزرگ‌تری پدیدار می‌شد، آن وقت آن ناحیهٔ بزرگ‌تر باید منفجر می‌شد و بعد از آن موجودات جدیدی خلق می‌شدند. هیچ کس دربارهٔ این فکر نمی‌کند که متابولیسم‌اش ربطی به رحمت دارد یا نه. خوب، خدایان سطح بالا در کیهان به روند شکل‌گیری-سکون-فساد-نابودی به طریقی نگاه می‌کنند که انسان‌ها به متابولیسم نگاه می‌کنند—آنها تصویری دربارهٔ اینکه آن مرحمت‌آمیز است یا نه ندارند. کیهان زنده است، و اگر سلول‌ها در بخشی از این بدن ارگانیکی، دیگر در حد نصاب نبودند، آن وقت آن بخش لازم بود که دور ریخته شده و جایگزین شود. برای همین است که روند مشابهی در انسان‌ها روی می‌دهد: تولد-پیر شدن-بیماری-مرگ.

کیهان آینده از این نظر متفاوت خواهد بود. یکبار که چیزی به مرحلهٔ فساد برسد، سالم و نوسازی می‌شود به طوری که دوباره خوب شود. بنابراین این با کیهان کهن متفاوت است. (تشویق)

تمام موجودات آینده عاری از نفس خواهند بود، در حالی که موجودات گذشته خودخواه بودند. (تشویق) بعضی از موجودات همان طور که چیزهایی را که می‌خواهند طلب می‌کنند اعتنایی به دیگران ندارند، و این به طور کامل در این دنیا به نمایش در آمده است. بعضی افراد در دنیا به خاطر اثبات حرف یا حفظ وجههٔ خود هر کار ممکن می‌کنند تا به دیگران صدمه بزنند و هرگز خیر و رفاه دیگران را در نظر نمی‌گیرند. خودخواهی بعضی از افراد به طریق خیلی شریانه‌ای ظاهر می‌شود—بعضی از آنها عمداً

به سراغ افرادی می‌روند تا به آنها تحکم کنند و همیشه به دیگران به دیدهٔ حقارت نگاه می‌کنند. چه کسی به آنها اجازهٔ این کار را داده است؟ هیچ کس. شما نباید اینطور باشید، هیچ کسی که در دافا تزکیه می‌کند نباید اینطور باشد.

*مرید: استاد گرانقدر، برای نجات نیک‌خواهان تان متشکرم. لطفاً به ما کمک کنید که درک کنیم چگونه مهارت‌هایی را که در اجتماع به دست آورده‌ایم در روشنگری حقیقت به کار بگیریم.*

**معلم:** فکر می‌کنم هر مرید دافا در حال مورد استفاده قرار دادن مهارت‌ها و توانایی‌های خود برای نجات تمام موجودات و اعتباربخشی به دافا است. مریدان دافا در حال گرداندن وبسایت‌ها، و ابزارهای رسانه‌ای نظیر ایستگاه‌های رادیو و ایستگاه‌های تلویزیون هستند، و تمام آن برای هدف منفرد روشنگری واقعیت‌ها است. در این مقطع، حکومت کمونیست چین و آن دستهٔ شرور و فرومایهٔ سردهستهٔ اهریمن از اهرم مالی استفاده کرده‌اند به طوری که اکنون رسانه‌های جامعه را در دست خود دارند. هیچ کسی در حال گزارش شکنجه و آزاری که مورد آن واقع هستیم نیست، بنابراین با نبودن هیچ راه چارهٔ دیگری، مریدان دافا با هم کار کرده‌اند تا این کارها را انجام دهند. منظور من این است که خودتان عهده‌دار انجام این کارها شده‌اید، و استاد در هیچ یک از این چیزها به طور مشخص هدایت را در دست نگرفت. حقیقت دارد که استاد آنچه را که انجام داده‌اید تأیید کرده است یا به شما گفته است که احساس می‌کنم چه باید انجام دهید—من همان مقدار می‌توانم بگویم. اما، در خصوص اینکه هر فرد چه باید انجام دهد، استاد نمی‌تواند بیش از حد به طور مشخص به شما بگوید. زیرا یکبار که استاد چیزی می‌گفت، دیگران فکر می‌کردند، "استاد از او خواسته است که آن کار را انجام دهد"، و خود شما هم فکر می‌کردید، "استاد از من خواسته است که آن کار را انجام دهم"، بنابراین آن وقت هیچ چیز دیگری را انجام نداده یا مورد رسیدگی قرار نمی‌دادید. و وقتی در چیزهای دیگر به شما نیاز بود، بهانه‌ای داشتید: "استاد از من خواست که این را انجام دهم". (معلم آرام می‌خندد) به شما یک وابستگی می‌دادم، و این خوب نیست. بنابراین نیاز دارید که بسیاری از چیزها را خودتان انجام دهید. باید تقوای عظیم خودتان را بنا کنید، و این آن چیزی است که واقعاً با عظمت است.

*مرید: همان‌طور که واقعیت‌ها را روشن می‌کنیم، اگر بعضی افراد تصدیق کنند که شکنجه و آزار غلط است اما دافا مورد پسندشان نباشد، و ما در آن هنگام برای روشنگری حقیقت به صورت جامع‌تر، وقت نداشته باشیم، چه باید کنیم؟ آیا باید کمک به افراد که دربارهٔ شکنجه و آزار بدانند را اولین اولویت قرار داده و آن را در مقیاسی وسیع انجام دهیم؟*

**معلم:** اهمیتی ندارد که دافا مورد پسند آنها واقع شود یا نه. اما اگر نگرشی منفی نسبت به دافا داشته باشند، این نتیجه‌ای از مسموم شدن توسط شیطان است، و برایتان ضروری است که امور را برای آنها روشن کنید. به طور کلی وقتی به روشنگری واقعیت‌ها می‌رسد، به معنی صحبت دربارهٔ شکنجه و آزار است—نیازی ندارید دربارهٔ چیزهای مرتبط به تزکیهٔ دافا صحبت کنید. این اشکال ندارد که افراد نخواهند تزکیه کنند. باید به آنها بگویید که ما گروهی از مردم خوب هستیم، و دافایمان به مردم آموزش می‌دهد که خوب باشند. [ممکن است بخواهید رویکردی نظیر این داشته باشید که،] "مهم نیست که آن مورد پسند شما هست یا نه، من سعی ندارم شما را متقاعد کنم که دافا را یاد بگیرید. صرفاً سعی دارم به شما بگویم که شکنجه و آزار، پلید است و اینکه آنچه که شما می‌دانید در حقیقت اکاذیب زهرآلود است." و این کافی خواهد بود. آنهایی که برای یادگیری فا می‌آیند این کار را بنا به میل خود انجام می‌دهند، نه به خاطر اینکه آنها را به این کار کشانده باشند. مطلقاً باید این را به خاطر داشته باشید: ما نمی‌خواهیم به هیچ کس هیچ چیزی را تحمیل کنیم.

*مرید: ما ایمیل‌های بسیاری به چین فرستاده‌ایم. تیم ایمیل با چالش‌های عظیمی روبرو بوده است، هم از نظر تکنولوژی و هم از نظر نیروی انسانی. آیا این به خاطر مشکلات شین‌شینگ در خصوص افراد باقیمانده در تیم‌مان است یا به خاطر این است که نیروهای کهن سد راه ما می‌شوند؟*

**معلم:** هر یک از شما مسیر خودتان را دارید. فکر می‌کنم که در پشت آنچه که مطرح کردید دو دلیل وجود دارد: اول اینکه، صرفاً چیزهای بسیار زیادی برای انجام دادن هست و در نتیجه شما دست‌تنها هستید؛ و دوم اینکه، ممکن است شما در تزکیه شخصی‌تان امور را از نظر انداخته باشید، بنابراین شیطان از شکاف‌ها سوءاستفاده کرده است، چراکه مریدان دافا لازم دارند که هر یک از سه کار را انجام دهند. بعضی افراد گفته‌اند، "استاد، در سال‌های اخیر، مخصوصاً بعد از ۲۰ جولای ۱۹۹۹، دریافته‌ام که رشد از طریق خواندن کتاب کند شده است. مثل قبل نیست، که آن حس واقعاً خوب هر روز پیشرفت کردن و رشد یافتن واقعاً سریع در کم را داشتم". چرا اینطور است که اکنون از خواندن کتاب احساسی به خوبی قبل ندارید؟ اینطور نیست که فا دیگر قدرتمند نیست. اینطور است که الزامات بالاتر هستند، و اینکه مریدان دافا قبل از اینکه شاهد رشد و بهبودی باشند باید همه سه کار را به خوبی انجام دهند. (تشویق)

بعضی افرادی که در دوره آغازین مطالعه فا را شروع کردند می‌گویند که کتاب را در خانه می‌خوانند و اینکه به بیرون نمی‌روند و چیزهایی را انجام دهند که مریدان دافا باید انجام دهند. فکر می‌کنم که آن افراد از داشتن درکی پلید خیلی فاصله ندارند، و اگر شروع به انحراف نکرده باشند بخت با آنها یار بوده است. در طول چند سال گذشته، مریدان دافا در حال اعتبار بخشیدن به فا در میان شکنجه و آزار، و نجات دادن موجودات از طریق روشنگری حقیقت بوده‌اند. آن افراد اصلاً رشد نخواهند کرد، مهم نیست که در خانه چقدر کتاب را بخوانند. اگر کارهایی را که مریدان دافا باید انجام دهند انجام ندهید، نه تنها رشد نخواهید کرد، بلکه فقط به پایین خواهید لغزید. "مرید دافا" ... "مرید دافا"، معنی یک "مرید دافای دوره اصلاح فا" بودن چیست؟ این برترین عنوان و باعظمت‌ترین موجود در کیهان است. اگر فقط به رهایی خودتان اهمیت بدهید، آیا این عملی است؟ چگونه آن می‌تواند یک "مرید دافا" بودن نامیده شود؟ یک "مرید دافای دوره اصلاح فا" چیست؟ آیا شما به فا اعتبار بخشیده‌اید؟ وقتی که دافا به شما نفع رساند آمدید، با این حال وقتی که آن با خطر مواجه شد مخفی شدید و جرئت نکردید برای دافا صحبت کنید. نشان داده‌اید که نالایق‌تر از یک فرد عادی هستید، پس "مطالعه فا در خانه" چه معنی می‌دهد؟ تمام موجودات دارند در شکنجه و آزار مسموم می‌شوند، پس چگونه می‌توانید با پنهان بودن احساس راحتی داشته باشید؟ چرا مریدان دافا در حال روشن کردن حقیقت و نجات دادن موجودات هستند؟ چون این وظیفه‌ای است که مریدان دافا دارند. این آن نوع موجودی است که من، لی هنگ‌جی، می‌خواهم، و یک مرید دافا این نوع از تزکیه‌کننده است.

مرید: به نظر می‌رسد که هم‌تمرین‌کنندگان به صورت کل توجه زیادی به غلبه بر شکنجه و آزار اقتصادی شیطان نمی‌کنند، بنابراین بسیاری از تمرین‌کنندگان مدت‌هاست که در شغل‌های کم‌درآمد بوده‌اند، و به این نحو در اعتباربخشی به فا توسط محدودیت‌های زمانی و مالی محدود شده‌اند.

**معلم:** این مسئله واقعاً وجود دارد، اما گاهی اوقات عملکرد خودمان یا کاستی خودمان در در نظر نگرفتن همه چیز است که باعث می‌شود آن چیزها اتفاق بیفتند. مریدان دافا در حال پیمودن مسیر صالحی در اعتباربخشی به فا هستند و در حال نجات تمام موجودات هستند، بنابراین تمام جنبه‌های آن مسیر، شامل اوضاع مالی، باید کنار هم بیایند. اگر در زمینه‌های خاصی خوب عمل نکنید شیطان از شکاف سوءاستفاده خواهد کرد. در رابطه با هر چیزی، تا زمانی که آن را به خوبی انجام دهید، هر چیزی تغییر خواهد کرد.

مرید: آیا ممکن است چند کلمه به مریدانی بگویید که در ساخت موسیقی درگیر هستند؟ ما به خوبی مریدانی که هنرمند هستند عمل نکرده‌ایم.

**معلم:** ما نگران مقایسه بین مریدان هنرمند و مریدان موسیقی‌دان و اینکه چه کسی بهتر از چه کسی است نیستیم. (حضار می‌خندند) آنها صرفاً موضوعاتی از رشد فردی و اختلاف‌ها در سطوح هستند. مریدان دافایی که موسیقی می‌سازند وظیفه ویژه‌ای برای انجام این کار دارند، و این علاوه بر روشنگری حقیقت است. برای نجات تمام موجودات، مریدان دافا آهنگ‌هایی ساخته‌اند، شامل آنهایی که در گالا اجرا می‌شوند. آن آهنگ‌ها توسط خود مریدان دافا ساخته شدند، و خیلی قابل تحسین است. روزی که



به مریدان دافای هنرمند فا را آموزش دادم، در جلسات مریدان مسئول ساخت موسیقی و هنرهای نمایشی نیز شرکت کردم، و در آنجا فا را آموزش دادم. ولی در آن زمان ضبط نشد. در آینده وقتی فرصت پیش بیاید در این خصوص بیشتر خواهم گفت. (تشیویق)

مرید: مریدان زیادی هستند که به ظاهر خود و رفتار ظاهری‌شان، نظیر طوری که به نظر می‌آیند، صحبت می‌کنند، و رفتار می‌کنند توجه نمی‌کنند.

**معلم:** بگذارید اینجا دربارهٔ یک مطلب اضافه صحبت کنم. به‌طور سنتی، خدایان مختلف نگرش‌های مختلفی نسبت به ظاهر یک شخص داشته‌اند. ممکن است بدانید که بعضی افرادی که در گذشته داتو را تزکیه کردند زیاد به اینکه چگونه به نظر می‌آمدند اهمیت نمی‌دادند. دست کم دائویست‌هایی که در این دنیا تزکیه کردند این چنین بودند، و مخصوصاً آنهایی که پایین‌تر بودند، که حتی کمتر به ظواهر بیرونی اهمیت می‌دادند. آنها خیلی نامرتب و ژولیده بودند و خود را نمی‌آراستند. تعداد کمی از آنها حتی تماماً در محیطی کثیف تزکیه می‌کردند. چرا اینطور بود؟ آنها احساس کردند که برای یک تزکیه‌کننده، زیاد دقت به خرج دادن دربارهٔ طرز لباس پوشیدن یک وابستگی بود و اینکه بهتر بود که در این باره سهل‌انگار و بی‌قید باشند. و چه پدیدهٔ دیگری را دیدند؟ شکل‌های تزکیه در گذشته روح‌های کمکی را تزکیه می‌کردند، بنابراین آنها در تزکیهٔ خود به چیزی پی بردند، اینکه، به مرور که یک فرد تزکیه می‌کرد، هر چیز که بر روی بدن او بود شروع به داشتن انرژی بر روی خود می‌کرد. آن افراد در این سمت، بد به نظر می‌رسیدند، اما به چشم روح‌های کمکی‌ای که در سمت دیگر تزکیه را کامل کرده بودند، آن چیزها همگی خوب به نظر می‌رسیدند. این اتفاق برای این می‌افتاد که ماده در این بُعد همان‌طور که فرد تزکیه می‌کند تغییر می‌کند، و انرژی به دست می‌آورد. بنابراین همان‌طور که انرژی افزایش می‌یابد، آنچه که در سمت دیگر نشان داده می‌شود گنجینه‌های فوق‌طبیعی ساخته‌شده از انرژی است، از آن سمت دیگر، کثیفی و گل در همه‌جای بدن فرد، مثل گنجینه‌هایی که به نظر می‌رسد که بدن را پوشانده‌اند، درخشان و خیره‌کننده. اما در این سمت—دنیای بشری—آنچه دیده می‌شد این بود که کثافت سر و تمام بدن فرد را پوشانده است، او از سر تا پا کثیف بود، با مقدار زیادی کثیفی و گل بر روی بدن. تمرین مداوم منجر به این می‌شد که گل و چیزهای کثیف توسط انرژی به دست آمده از طریق تزکیه تقویت شوند، بنابراین چیزهایی که روح‌های کمکی با خود می‌بردند همگی چیزهای خوب بودند. آنها این را دیدند، بنابراین عمداً از تمیز ساختن خود خودداری می‌کردند.

حالا بیایید از زاویهٔ دیگری به آن نگاه کنیم. همان‌طور که می‌دانید، مردم در اجتماع غرب به ظاهر و طرز رفتارشان بسیار اهمیت می‌دهند. از آنجا که آنها آن فرهنگ تزکیه را ندارند، مفهومی از این موضوعات ندارند. تزکیه در بودیسم می‌آموزد که هر چیزی که یک تزکیه‌کننده دارد توسط بودا به او بخشیده شد—او هر مقام دستیابی‌ای که بودا به او بدهد خواهد گرفت، و او هر چیزی را که قرار باشد بگیرد می‌گیرد و هر چیزی را که قرار نباشد بگیرد نمی‌گیرد. همین برای خدایان در غرب مصداق دارد. اما، البته، دافا با همهٔ شکل‌های پیشین تزکیه متفاوت است.

قبل از دهه ۱۹۶۰، همان‌طور که شاگردان غربی ممکن است به یاد داشته باشند، مردان نجیب، مبادی آداب، و متمدن بودند. خانم‌ها بانزاکت بودند و به ادب‌آموختگی و بافرهنگ بودن اهمیت بسیار زیادی می‌دادند. انسان‌ها احتمالاً فکر کرده بودند که این خوب است، و در اصل خدایان هم فکر نمی‌کردند که آنقدرها بد باشد. اما این منجر به این شد که انسان‌ها به‌آسانی با آن، مشغولیت فکری [مفرط] پیدا کنند. به جایی رسید که ارزش یک شخص توسط طرز صحبت و رفتارش قضاوت می‌شد. یک شخص، به‌عوض منش بنیادی‌اش، بر آن اساس نجیب—یا نانجیب—پنداشته می‌شد. بعدها، از آنجا که تمام انسان‌ها به اینجا آمدند تا فا را کسب کنند، تمام اعمال و گرایش‌هایی که بر سر راه تزکیه قرار می‌گرفتند باید خارج می‌شدند، و بنابراین نیروهای کهن وارد عمل شدند و این کار را با رویکرد استفاده از یک چیز بد برای مبارزه با یک چیز بد انجام دادند. آیا می‌دانید چرا، وقتی دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، هیپی‌ها و هنرمندان خیابانی ظاهر شدند، مردم شروع کردند که ظاهری نامرتب داشته باشند و برخلاف ارزش‌های سنتی عمل کنند، و وقتی به پوشاک می‌رسید، هرچه آن بی‌قیدتر بود، بیشتر مد روز بود؟ لایهٔ بیرونی لباس افراد کوتاه‌تر از لایه درونی‌شان بود، آستین‌هایشان دست‌شان را می‌پوشاند و فقط سر انگشتان‌شان نمایان گذاشته می‌شد، کمر

شلوارهایشان پایین تر آمد، و پاچه شلوارشان در بالای پایشان روی هم جمع می‌شد— اساساً، هر چه آن شلخته‌تر بود، بهتر بود. می‌توانم به شما بگویم که این قطعاً صرفاً روندی از مد نبود. نیروهای کهن آن را، به وسیله استفاده از چیزی بد برای مبارزه با یک چیز بد، به منظور خارج کردن آن تعلق خاطر بشری به ظاهر، انجام دادند. در حقیقت در مورد لباسی مرتب پوشیدن اصلاً چیز اشتباهی وجود ندارد، اما هیچ چیز نباید ثابت‌سازی [یا تعلق خاطر مفرط] شود. یکبار که چیزی ثابت‌سازی شده باشد، ذهن بشری منحرف شده است و این منجر به این می‌شود که آن انسان‌ها در رابطه با آن افراط کنند.

قبل از انقلاب فرهنگی در چین، چینی‌ها کاملاً مرتب، تمیز، و متمدن بودند، با پنج هزار سال تمدن در عقب خود. می‌دانید که ژاپنی‌ها همیشه بسیار تمیز و مرتب بوده‌اند، درست است؟ چند قرن پیش که چیزها به این توسعه‌یافتگی نبود، ژاپنی‌ها هر روز با آبی که در یک دیگ بزرگ جوش می‌آمد در یک خمره چوبی حمام می‌کردند. آنها این کار را حتی در طی دوره‌هایی که بینهایت توسعه‌نیافته بود انجام می‌دادند. و آیا این را می‌دانید؟ این طوری بود که مردم در سلسله تانگ نیز زندگی می‌کردند— در خصوص مردم در سلسله تانگ نیز دقیقاً همین‌طور بود. اینطور نیست که مردم در زمان‌های باستان تمیز نبودند. اینطور است که مردم امروز نمی‌دانند پیشینیان چگونه زندگی می‌کردند. مردم در سلسله‌های مختلف و دوره‌های مختلف همگی به همان صورت بودند، آنها تغییر نکردند. تنها فرق در خصوص طوری بود که لباس می‌پوشیدند. مردم امروز، پیشینیان را به صورت عقب‌افتاده ترسیم می‌کنند، اما این در اصل از استدلال کردن بر اساس نظریه تکامل منتج شده است. انقلاب فرهنگی، "چهار کهن"<sup>[1]</sup> را منسوخ کرد و تمیزی و آراستگی را به صورت "ذهنیت بورژوا" در نظر گرفت— برای اینکه کلمات پوچ حزب سیاسی معینی را نقل کرده باشیم، آن یک "ذهنیت بورژوا" بود. آنها گیس زن‌ها را می‌بریدند، اگر می‌دیدند کسی با کفش پاشنه‌دار در خیابان راه می‌رود کفش را از پاهای او در می‌آوردند و پاشنه‌هایش را می‌شکستند، و از قیچی برای پاره کردن هر لباس خوش‌جلوه‌ای که ممکن بود به تن داشته باشید استفاده می‌کردند. آن حزب سیاسی در چین، این شعار را مطرح می‌کند که "دستی پر از پینه بساز، تا وقتی که پوشیده از گل شوی روی زمین غلت بزنی، و با بدنی سراسر از "حشرات انقلابی" زندگی کن". (حضار می‌خندند) فقط چند سال زمان برد تا تمدن چین را به طور کامل نابود کنند.

می‌دانم که بعضی از شاگردان سفیدپوست با دیدن ظاهر بعضی از شاگردان چینی اخم‌هایشان در هم می‌رود. [آن نوع ظاهر] محصولی از بودن در آن اجتماع است، و به مرور زمان به آن خو گرفته‌اند و برایشان عادت شده است، و از ناشایسته بودن اعمال و رفتارشان آگاه نیستند. هیچ چیز البته نباید به افراط برده شود، بنابراین تا حد ممکن به روش موجودات بشری ادامه دهید، و مثل یک فرد طبیعی و با ابهت عمل کنید. نمی‌توانید خیلی شلخته، بی‌قید، بی‌توجه به آداب، یا غیررسمی باشید.

در واقع، از یک دیدگاه تزکیه‌ای، با اینکه این تفاوتی ایجاد نمی‌کند که آیا به طوری که به چشم می‌آید توجه دارید یا نه و تزکیه‌تان را تحت تأثیر قرار نخواهد داد، اما نکته کلیدی این است که شما از هر دو نظر نمی‌توانید وابسته باشید. چینی‌ها می‌گویند، "من فقط دوست دارم بی‌قید باشم. هر چه بی‌قیدتر بهتر. خیلی آسان‌تر است که شلخته و نامرتب بود". می‌گویم که این خوب نیست. یک مرید دافا باید الگو و سرمشق دیگران باشد و مثل یک انسان با ابهت به نظر برسد. وقتی که در حال آموزش فائو و ارائه کلاس در سرزمین اصلی چین بودم، همیشه به‌طور رسمی لباس می‌پوشیدم، و برای این بود که مثالی برای شما به جا بگذارم. (تشویق) و علتش این است که بعضی افراد احساس می‌کنند که اعمال رساتر از کلمات هستند. خواه حق با آن افراد باشد یا نه، بعضی از تمرین‌کنندگان صرفاً می‌خواهند آنچه که استاد انجام می‌دهد را کپی کنند— "من هر طور استاد لباس بپوشد لباس می‌پوشم". (حضار می‌خندند) بنابراین به این که چطور به نظر می‌آیم توجه می‌کنم و همه شما هم باید [توجه کنید]. انقلاب فرهنگی واقعاً فرهنگ چین را به طرز خیلی وحشتناکی ویران کرد، پنج هزار سال تمدن را ظرف چند سال نابود کرد. بنابراین چینی‌ها باید بیشتر به ظاهر و طرز رفتارشان توجه کنند، شاگردان غربی باید از قضاوت کردن مردم بر اساس ظاهر خودداری کنند، و شاگردان آسیایی در مجموع، باید بیشتر به رفتارشان توجه داشته باشند. (حضار تشویق می‌کنند) هیچ کس نباید افراط کند.

مرید: چگونه باید به چیزهایی نگاه کنیم که در دوره اصلاح فا تأثیری منفی بر مردم عادی داشته است؟

**معلم:** بله، می‌توانید واقعیت‌ها را خیلی خوب روشن کنید، اما اگر مردم ببینند که خیلی بد به چشم می‌آید و بشنوند که از زبان ناپخته‌ای استفاده می‌کنید، فکر نخواهند کرد که شما قابل اعتماد هستید. اگر در روشنگری حقیقت به خوبی عمل نکنید تأثیری منفی خواهید داشت. باید تمام اینها را در ذهن داشته باشید.

مرید: ما به عنوان مریدان چگونه باید به رویدادی که در آرژانتین اتفاق افتاد نگاه کنیم؟

**معلم:** تا آنجا که به آن مربوط می‌شود، فکر می‌کنم اگر هر کسی مریدان دافا را شکنجه و آزار کند باید آنها را پاسخگو در نظر بگیریم. ما واقعیت‌ها را توضیح خواهیم داد اگر این چیزی است که نیاز است، و وقتی کسی صدمه دیده است، اگر لازم باشد آن را به دادگاه می‌بریم. برای تمام این چیزها سوابقی وجود دارد، و می‌توانید هر آنچه را که نیاز دارید انجام دهید.

مرید: اگر وقتی که تمرینات را انجام می‌دهم ذهنم شفاف یا آرام نباشد، آیا می‌توانم آنطور که به هنگام پنج دقیقه پیش از فرستادن افکار درست انجام می‌دهیم، خودم را پاک کنم؟

**معلم:** می‌توانید هر وقت که ذهنتان شفاف و آرام نیست یا ذهنتان تحت مداخله درمی‌آید افکار درست بفرستید. اگر می‌خواهید تنظیمی انجام دهید یا افکار درست بیرون بفرستید، مجبور نیستید که مقید به زمان باشید. می‌توانید آن را در هر زمانی انجام دهید و می‌توانید هنگامی که احساس می‌کنید که سرتان پاک و شفاف است و افکار درست‌تان قوی است صرفاً متوقف کنید.

مرید: آیا الزامات برای انجام سه کاری که مریدان دافا انجام می‌دهند، برای کودکان همانند مریدان بالغ است؟

**معلم:** نه، فرق می‌کنند. مریدان کوچک از نظر توانایی‌ها، مهارت‌های ارتباطی، و توجهی که می‌توانند از اجتماع دریافت کنند متفاوت هستند. بنابراین الزامات نمی‌توانند یکسان باشند. بچه‌ها و بزرگ‌ترها یکسان نیستند—بچه‌ها بچه هستند. درباره این قبلاً بارها صحبت کرده‌ام.

مرید: شما نزدیک به سه ساعت مشغول صحبت بوده‌اید. استاد خیلی سخت کار می‌کنند. خیلی از مریدان مایل هستند که استاد کمی آب بنوشند. (تشویق)

**معلم:** ایرادی ندارد. فکر می‌کنم چون هنوز برگه‌های پرسش خیلی زیادی وجود دارند، به آنهایی که پیش از این به آنها اشاره شده است نخواهم پرداخت.

مرید: بعضی شاگردان می‌گویند که ما فعلاً می‌توانیم رفتن به کنسولگری‌ها و سفارت‌خانه‌ها را آسان‌تر بگیریم چراکه منهتن مهم‌تر است.

**معلم:** همه آنها مهم هستند، و هیچ مکانی نباید از نظر بیفتد. (تشویق)

مرید: ما زوجی هستیم که هر دو مرید هستیم، و یک پسر ده ساله داریم. او سه سال در مدرسه مینگ‌هوئی حضور داشته است، اما هنوز غالباً با افراد می‌جنگد، دروغ می‌گوید، و رفتارهای بد نشان می‌دهند.

**معلم:** یک بچه، خوب، گاهی او هنوز ممکن است که ویژگی‌های بچه‌ها را داشته باشد، و افرادی که او با آنها در تماس قرار می‌گیرد نیز در آن نقشی ایفا خواهند کرد. بشریت یک خمره بزرگ رنگ است، و اگر فردی وجود داشت که توسط این خمره رنگ دست نخورده بود، آن وقت او یک خدا می‌بود. حتی مریدان دافایی که در حال تزکیه هستند نیاز دارند که غالباً خودشان را پاک کنند، و این برای یک بچه حتی بیشتر اینطور است.

و همچنین، اگر والدین در برخی زمینه‌ها مشکلاتی داشته باشند، کودک آنها را انعکاس خواهد داد. آنها از قصد به مریدان دافا و به والدین نشان داده خواهند شد. بگذارید خیلی این را ادامه ندهیم. او هر چه باشد بچه است.

مرید: زبان کره‌ای سابقاً حروف چینی زیادی را در خود داشت، اما از شروع زمان‌های اخیر عموماً فقط از کره‌ای استفاده کرده است، و این تا حد معینی محل اشاعه یافتن گسترده فالون گونگ می‌شود. لطفاً اندکی این را روشن سازید.

**معلم:** یادم است که در گذشته، کل منطقه آسیا، و من در حال اشاره به کشورهای خاورمیانه یا هند نیستم، از حروف چینی استفاده می‌کردند یا دست کم تا حدی از آنها استفاده می‌کردند، چراکه افراد چینی بسیاری آنجا بودند. چینی‌ها در آنجا در حال تجارت بودند یا حتی مأموران حکومتی شدند، بنابراین مدارس چینی نسبتاً زیادی نیز وجود داشت. در گذشته، زبان چینی، خواه در مبادلات تجاری یا فرهنگی، به طور وسیعی در منطقه آسیا استفاده می‌شد. این، امور را کاملاً آسان کرد. اما نیروهای کهن صرفاً مصمم به این بودند که برای کسب فا توسط مردم دنیا مانع ایجاد کنند و در عین حال برای انجام اصلاح فا توسط من، سختی به وجود بیاورند. بنابراین از آن حزب سیاسی خواست که کار وحشتناکی را انجام دهد.

نیروهای کهن فکر کردند، "اگر زبان چینی [توسط همه این کشورها] استفاده شود، برای مردم خیلی آسان خواهد بود که فا را کسب کنند و برای فالون گونگ شما خیلی آسان خواهد بود که در اطراف دنیا پخش شود." آن وقت نیروهای کهن، هنگامی که زمان این می‌شد که آنچه را که می‌خواهند انجام دهند، کنترل را در دست نمی‌داشتند. به منظور اینکه آنچه را که می‌خواستند انجام دهند، از مفهوم ملی‌گرایی مردم سوءاستفاده کردند تا کاری کنند که آنها فرهنگ بومی خود را ترویج داده، نمادهایی [برای زبان] بسازند که خدایان آنها را به عنوان کلمه نمی‌بینند. یک بار در یک کنفرانس ملل کمونیستی در جماهیر شوروی سابق، ح‌ک‌چ آشکارا بیان کرد، "تعداد بسیار زیادی از ما چینی‌ها در آسیای جنوب شرقی هستیم، یک تعداد عظیم. فقط با یک فریاد صف‌آرایی از سوی ما، آن مکان‌ها تبدیل به ملت‌های حزب سیاسی ما خواهند شد." و می‌دانید، روزنامه‌نگاران بسیار زیادی در آن کنفرانس حضور داشتند، و آنها به سرعت آن خبر را در تمام دنیا پخش کردند. کنفرانس حتی تمام نشده بود که منطقه آسیای جنوب شرقی شروع به مبارزه بزرگی علیه چینی‌ها کرد. آیا می‌دانستید که آن "طرد چینی‌ها" چگونه شروع شد؟ این جایی است که از آن آمد. مخصوصاً در جنوب آسیا، مدرسی که توسط چینی‌ها اداره می‌شد به اجبار بسته شدند، افراد چینی در آنجا مجبور شدند که نام خانوادگی محلی انتخاب کنند و نامی به آنها داده شد، و استفاده از زبان چینی ممنوع شد. گذشته از این، خیلی از کشورها قوانین و اصلاحیه‌هایی برای قانون اساسی‌شان به تصویب رساندند که استفاده از زبان چینی را منع می‌کرد. بنابراین وقتی که به مطالعه و کسب فا در امروز می‌رسد، آن چالش‌های بسیار زیادی برای افراد در مناطقی معین ایجاد کرد.

البته، نیروهای کهن نمی‌توانستند قدرت دافا را پیش‌بینی کنند. مردم نه فقط آسیا، بلکه همه جای دنیا، می‌توانند قانون بزرگ را به زبان‌های مختلف ترجمه کنند، و مهم نیست آن به چه زبانی باشد معنای درونی قانون بزرگ بی‌تغییر باقی می‌ماند. اما موانع برای اولین گروه از مریدان دافا، که در طی دوره اصلاح فا پیوستند، عظیم بودند. مداخله علیه آنهايي که در آغاز فا را کسب کردند کاملاً شدید باقی مانده است.

مرید: متن‌هایی که مریدان در هنگ کنگ پخش می‌کنند حاوی چندین داستان با این زمینه است که به‌طور آرام و ساکت به "تکرار دافا هائو"<sup>[۱۲]</sup> پردازید و بیماری‌هایتان خوب خواهند شد. این منجر به این شده که برخی از توریست‌های سرزمین اصلی چین به اشتباه فکر کنند که در حال مطرح کردن این ایده هستیم که اگر مردم بیماری دارند لازم نیست از دارو استفاده کنند و صرفاً با گفتن این به خودشان که دافا عالی است خوب خواهند شد.

**معلم:** گفتن "دافا هائو" نه تنها برای مردم عادی مؤثر است، بلکه برای مریدان دافا نیز مؤثر است چراکه چیزهای بد در ذهن را پاک می‌کند. وقتی هر سلول بدن‌تان در حال گفتن این باشد که دافا عالی است، درخواستی یافت که کل بدن‌تان طنین [آن] را احساس می‌کند. (تشویقی) این، فا است که ذهن‌تان دارد آن را فرا می‌خواند، بنابراین این دلیلش است که چرا بسیار قدرتمند

است. اما فکر می‌کنم که بهتر این است که حقیقت را با خرد روشن کنید. در خارج از سرزمین اصلی چین نیاز ندارید که آن کار را انجام دهید یا حقیقت را به آن شکل روشن کنید. محیط راحت‌تر است و شما می‌توانید چیزها را بر اساس دلیل و منطق برای مردم روشن کنید. در سرزمین اصلی چین محیط فرق می‌کند، میزانی که مردم توسط تبلیغات افتراآمیز مسموم شده‌اند با هم متفاوت هستند و از این جهت آنها دیدگاه‌های متفاوتی دربارهٔ فالون گونگ دارند، و مردم از سرزمین اصلی چین درجهٔ معینی از زمینهٔ فرهنگی و پیش‌زمینه در رابطه با چی‌گونگ دارند، بنابراین می‌توانید در سرزمین اصلی چین آن را در میان جمعیت وسیع‌تر به این صورت انجام دهید. اما نیازی ندارید که آن را در نواحی شهری یا اگر در خارج از سرزمین اصلی چین هستید به این شکل انجام دهید. در هنگ کنگ نیز نیازی ندارید که آن را به این صورت انجام دهید. صرفاً به صورت آشکارا و با ابهت واقعیت‌ها را به آنها بگویید، و این خوب خواهد بود.

*مرید: همین‌طور که در حال اشاعهٔ فا و روشنگری حقیقت بوده‌ایم، بعضی از مردم عادی غرب تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و برای ما کلوچه، میوه، و چیزهای دیگر آورده‌اند. مایلیم بپرسیم که آیا مناسب است که آنها را قبول کنیم. ما این را چند باری به بحث گذاشته‌ایم و شاگردان نظرات مختلفی داشته‌اند.*

**معلم:** بستگی به وضعیت دارد. اگر مردم از روی صمیمیت و شوق و علاقه چیزی به شما بدهند اما شما آن را رد کنید، این واقعاً کمی نامودبانه است. آن چیزها خیلی گران نیستند، بنابراین اشکالی ندارد که بعد از اینکه از فرد تشکر می‌کنید آنها را بپذیرید. اما لازم است که آن را مورد به مورد اداره کنید. اگر کسی بخواهد که به شما مقدار زیادی غذا بدهد، آن وقت قبول کردن آن واقعاً مناسب نمی‌بود. آن را به صورت مورد به مورد اداره کنید، و به عنوان یک گزینه می‌توانید برای آن به آنها پول بدهید. ولی بعضی افراد واقعاً آن را از روی مهربانی انجام می‌دهند. می‌بیند شما سردتان است، و برای شما قهوه یا خوراکی‌ای می‌آورند، پس می‌توانید به پیش بروید و برای آن از آنها تشکر کنید. این هم خوب و بی‌اشکال است که بخواهید به آنها پول بدهید. اگر نمی‌خواهند آن را بپذیرند، آن وقت صرفاً از آنها خیلی تشکر کنید. با این چیزها بر اساس وضعیت برخورد کنید.

*مرید: بعضی از تهیه‌کنندگان تلویزیونی و رسانه‌ای افراد عادی هستند که اکنون می‌خواهند برنامه‌هایی دربارهٔ دافا بسازند، و مقداری از فوتیج ما را می‌خواهند. مایلیم از استاد بپرسیم که چگونه باید این را اداره کنیم.*

**معلم:** بستگی به این دارد که چه نوع برنامه‌هایی می‌خواهند بسازند. اگر می‌خواهند از رژه‌ها و نمایش‌های ضدشکنجهٔ ما فیلم تهیه کنند، آزادند که این کار را انجام دهند، چراکه آنها از اول هم رویدادهای عمومی هستند. اما اگر بخواهند دربارهٔ جنبه‌های خاص زندگی شما، دربارهٔ اینکه چگونه فا را مطالعه می‌کنید و تزکیه می‌کنید، برنامه بسازند، آن وقت می‌گوییم که آنها را رد کنید. چرا آنها را رد کنید؟ چون شما نمی‌دانید که آنها به دنبال چه چیزی هستند و در خصوص آن تا کجا پیش خواهند رفت. بعلاوه، مطالعه کردن فا و تزکیه کردن چیز بسیار باوقاری هستند، و این باوقار نیست که آنها را در میان اظهار نظرها و تفسیرهای یک فرد عادی قرار داد. برای همین است که باید آنها را رد کنید، و نیز، واقعاً برای مردم سخت است که به طور حقیقی ما را بفهمند.

کمی قبل دربارهٔ این صحبت کردم که چگونه تزکیه‌کنندگان در گذشته شلخته و نامرتب بودند. می‌خواهم دوباره تأکید کنم که شما نباید به آن وابسته شوید. بعضی از شما دارید فکر می‌کنید "وای، آن چیزهای نامرتب و کثیف می‌توانند به چیزهای خوب تبدیل شوند. پس من هم کثیف خواهم بود". (حضار می‌خندند) می‌خواهم این را برایتان روشن کنم: آن وقتی است که روح‌های کمکی باشند که در حال گرفتن چیزها هستند! پس شما نباید آن چیزها را بپس کنید. حتی اگر آن چیزها واقعاً می‌توانستند به چیزهای خوب تبدیل شوند و روح اصلی می‌توانست آنها را بگیرد، آن راهی نیست که ما در دافا تزکیه می‌کنیم. مریدان دافا، بگذارید به شما بگویم، در آینده شما همه چیز خواهید داشت. (تشویق)

*مرید: (پرسش ترجمه‌شده) من در روشنگری حقیقت برای خانواده‌ام خوب عمل نکرده‌ام و بنابراین چیزهایی که در اعتباربخشی به فا در حال انجامشان هستم را به طور واضح توضیح نداده‌ام. می‌خواهم که آنها درک کنند فالون دافا خوب است و اینکه من*

در حال انجام هیچ چیز مفردی نیستیم. مایلیم از استاد بپرسیم، چگونه باید به خانواده‌مان توضیح دهیم که در حال انجام چه هستیم؟ همچنین، مایلیم از طرف شاگردان کشورهای اسپانیایی زبان به استاد درود بگوییم!

**معلم:** متشکرم! (تشویق) اجتماع غرب در حقیقت با آن نوع از تزکیه که چینی‌ها تمرین می‌کنند کاملاً ناآشنا است. وقتی شروع به آموزش فا کردم، در حال فکر کردن به این بودم که، "آنها به چه سطحی از درک قادر خواهند بود برسند؟ و عموم مردم چگونه آن را خواهند نگرست؟" در اصل، اگرچه تفاوت‌ها در فرهنگ باعث شده است که آنها روش [چینی‌ای] که افکار ابراز می‌شوند و مفهوم یک خدا شدن یک انسان را غریب بیابند، اما خوبی و مهربانی‌ای که تزکیه‌کنندگان نشان می‌دهند و انرژی مثبتی که دافا ساطع می‌کند می‌تواند هر کسی را بر آن دارد که فکر کند آن خوب است. درست مثل روشنگری حقیقت، باید درباره تزکیه در دافا به طور افزایشی با خانواده‌تان صحبت کنید. باید اول به آنها بگویید که دافا درباره چیست و سپس به‌آهستگی بگذارید بدانند که در حال یادگرفتن آن هستید. در اصل فکر نمی‌کنم این موضوع بزرگی باشد—بسیاری از مواقع، صرفاً افکار بشری خود شماست.

با آنها آشکارا و سراسر صحبت کنید، اما مطمئن باشید که در سطح خیلی بالایی صحبت نمی‌کنید. آنها ممکن است خانواده‌تان باشند، اما اگر می‌گویید که، "من نمی‌خواهم هیچ چیز را مخفی کنم، بنابراین هر چیزی را که می‌دانم به آنها می‌گویم..." (حضار می‌خندند) استاد به شما نمی‌گوید که دروغ بگویید. در حال گفتن این هستیم که نباید درباره چیزها در سطوح بالا صحبت کنید، وگرنه آنها را خواهد ترساند. از آنجا که فهم فا قدم به قدم صورت می‌گیرد، اگر درجا درباره چیزها در سطحی بالا صحبت کنید می‌ترسند. چیزی که می‌توانید بگویید این است که، "این تمرین واقعاً خوب است و برای سلامتی عالی است. برای ذهن و بدن خوب است و استانداردهای اخلاقی مردم را بالا می‌برد. این کتاب خیلی خوب است. آیا می‌خواهید آن را بخوانید؟ آیا علاقه‌مند هستید که در این باره بیشتر بدانید؟" صرفاً با شروع از پایه‌ای‌ترین سطح درباره‌اش صحبت کنید، و بگذارید که خودشان درباره آن بیشتر کشف کنند و خودشان آن را بخوانند. از آنجا که *جوآن فالون* از حقیقت در سطح پایین‌ترین موجودات، سطح بشری، شروع می‌کند، مردم می‌توانند به‌وسیله خواندن *جوآن فالون* فا را درک کنند. اگر در سطحی پایین درباره آن شروع به صحبت کنید، اعضای خانواده‌تان که زیاد درباره آن نمی‌دانند با آن مخالفت نخواهند کرد. اگر درباره چیزها در سطوح بالا صحبت کنید و از همان اول از بودایان و جهان‌های بزرگ‌تر نام ببرید، متعجب خواهند شد که نکند مشکلی برایتان پیش آمده باشد. (حضار می‌خندند) و علتش این است که آنها واقعاً نمی‌توانند آنچه را که می‌گویید بپذیرند. بعلاوه، مذاهب غرب می‌آموزند که فقط یک موجود خدایی وجود دارد؛ درک آنها این است که فقط یک موجود خدایی در کیهان وجود دارد. بنابراین پذیرش آن نوع چیز واقعاً برایشان سخت است. درک باید ذره ذره حاصل شود.

مرید: سلام، استاد! مایلیم بپرسم که آیا در آینده حروف چینی بر طبق سبک سنتی استاد/سازمی خواهند شد. متشکرم.

**معلم:** در اصل، درباره آن فکر نکرده‌ام. در واقع، سبک سنتی‌ای که این روزها مردم استفاده می‌کنند خودش چیزی است که از باستانی‌ترین حروف تکامل پیدا کرده است، و از میان تغییرات افزایشی گذر کرد تا به اینجایی که اکنون هست برسد. مردم در چرخه کنونی تمدن بشر با استفاده از نوشته‌های خطی بر روی استخوان‌ها و پوسته‌ها آغاز کردند. از آنجا به "مهرنوشته" های بزرگ‌تر و کوچک‌تر توسعه یافت، و سپس "نوشته رسمی" شد، که به دنبال آن "نوشته متداول" آمد. بعد از نوشتار متداول، تغییر بزرگ دیگری وجود نداشته است. بعد البته در زمان‌های اخیر، شکل‌های گوناگونی از خط زینتی ظاهر شده است، همچون سبک حروف ضخیم، سبک حروف سونگ، و غیره. تا آنجا که به نوشته سنتی در مقابل نوشته ساده‌شده مربوط می‌شود، تا زمانی که مریدان دافا بتوانند آن را بخوانند و فا را درک کنند همگی خوب و بی‌اشکال هستند. نگران آن نباشید، چراکه این موضوعی برای مردم آینده است. حتی اگر [آنچه که توصیف کردید] چیزی باشد که استاد در آینده انجام خواهد داد، ارتباطی با مریدان دافا ندارد. بعد از کمال، چرا نگران چیزهایی باشید که اینجا در دنیای بشری ادامه می‌یابد؟ معنی‌ای نخواهد داشت. بیابید نگرانی درباره این چیزها را تمام کنیم. اگر درباره آن بیش از حد فکر کنید وابستگی دیگری می‌شود. آنچه که به آینده تعلق دارد را برای آینده بگذارید.

میرید: چگونه بین اینکه همه چیز را به طور صالح انجام دهیم و تا حد امکان با اجتماع مطابقت داشته باشیم تعادل برقرار کنیم؟ شما درباره دریافت وام برای توسعه رسانه چه فکر می‌کنید؟ درباره طرح‌های هرمی چطور، چیزی که بحث‌های زیادی در بین هر دوی هم‌تمرین‌کنندگان داخل و خارج از چین به وجود آورده است؟

**معلم:** میدان دافا نمی‌تواند کارهای بد انجام دهند. طرح‌های هرمی دیگر در اجتماع غرب استفاده نمی‌شوند. عیناً فریب دادن مردم است. ردیف به ردیف، مردم را غارت می‌کند، و آنها را می‌کشد، که دیرتر آمده باشند از همه بیشتر مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. [دارید درباره‌ی] درگیر شدن میدان دافا در طرح‌های هرمی [می‌پرسید]؟ آیا این درست است که دائم در فکر پول به دست آوردن با چپاول دیگران بود؟ نه، درست نیست. اگر آن کار را کنید، در حال انجام کسب و کار مشروعی نخواهید بود. برای هر به دست آوردنی باید از دست دادنی وجود داشته باشد، کالاهایی رد و بدل شوند، اما شما در حال انجام چه کاری هستید؟ سخت به کار انداختن مغزتان برای غارت مردم. نمی‌توانید چنان کاری کنید! مدت‌ها قبل آن را به شما گفتم. نمی‌توانید در طرح‌های هرمی وارد شوید، و هر کسی که این کار را انجام دهد در اشتباه است. در میان میدان دافا در چین، هر کسی که وارد طرح‌های هرمی شود در حال اخلال در شکل تزکیه‌ای است که میدان دافا انجام می‌دهند. بعدها مجبور خواهند بود که تمام عواقب آن را متحمل شوند. (تشویق)

در خصوص دریافت وام بانکی برای توسعه یک رسانه، از آن حمایت نمی‌کنم. علتش این است که وقتی به میدان دافا می‌رسد، اگر از آنها بخواهید که کار رسانه‌ای انجام دهند یا مقاله‌هایی بنویسند، این کار [های] صفوف جلو را، آنها می‌توانند آن را انجام دهند. اما واقعاً برای شما سخت است که بتوانید نوعی داد و ستد انجام دهید یا آگهی بگیرید، چراکه شما به تعامل داشتن با افراد عادی کمی نا آشنا هستید. بنابراین وقتی وام دریافت کردید چگونه آنها را پس خواهید داد؟ دست یافتن به تبلیغات برای شما سخت است، با این حال وقتی که نمی‌توانید برای رسانه تبلیغات بگیرید می‌خواهید که وام دریافت کنید؟ اگر می‌خواستید آن را بازبپردازید، مجبور می‌بودید با عواید تبلیغات و سودهای روزنامه آن را بپردازید. من از وام گرفتن شما حمایت نمی‌کنم — هیچ گاه زیر قرض نروید. نباید زیر قرض بروید.

میرید: از همان زمان که استاد به ما گفتند که تلاش بیشتری را صرف کمک به شاگردان در سرزمین اصلی چین کنیم، اغلب با هم‌تمرین‌کنندگان در چین که در خانه می‌مانند که تزکیه کنند، تماس تلفنی گرفته‌ام. اما باز هم آنها قدم پیش نمی‌گذارند. واقعاً برای آنها نگرانم، مخصوصاً از آنجا که اصلاح فا به مرحله نتیجه‌گیری وارد شده است. آیا می‌شود از استاد بپرسیم که برای کمک به آنها چه باید کنیم؟

**معلم:** کمک به هم‌تمرین‌کنندگان چیزی است که باید انجام شود، و هیچ اشکالی در خصوص اینکه نخواهیم هیچ کسی را جا بگذاریم وجود ندارد. اما اگر واقعاً نتوانند قدم پیش بگذارند، خوب، شما بهترین سعی‌تان را کرده‌اید. در اصل می‌توانید سعی کنید که ببینید سدهای ذهنی آنها چیست و موانعشان در کجا قرار دارد. وقتی تعیین کردید سدها و موانع آنها چه هستند، آن وقت آنها احتمالاً می‌توانند حل و فصل شوند. اما برای خیلی از افراد، فکر می‌کنم آنها صرفاً می‌ترسند. برای یک خدا یا یک تزکیه‌کننده، ترس یک وابستگی اصلی در نظر گرفته می‌شود، و واقعاً عملی نیست که آن خارج نشود. بنابراین آنچه را که از دستتان بر می‌آید بر اساس وضعیت آنها انجام دهید، گرچه اگر آنها واقعاً امتناع بورزند کاری نیست که بتوانید انجام دهید. بعضی افراد با انجام ندادن آنچه که بنیه آن را دارند و نبودن در حد انتظارات، واقعاً شما را مأیوس خواهند گذاشت. هیچ چیزی نظیر این در مورد تزکیه‌کنندگان گذشته وجود نداشت، چراکه آنها صرفاً فکر می‌کردند، "چه کسی به تو اهمیت می‌دهد. اگر نتوانی موفق شوی یا نتوانی در حد انتظار باشی کارت تمام است. فقط برو خانه، همین؛ اینطور نیست که اینجا افتاده‌ام و دارم می‌میرم که تو را نجات دهم." فقط میدان دافا کارهایی را انجام می‌دهند که ما انجام می‌دهیم. (تشویق)

مرید: در طول دو ماه گذشته، دیده‌ایم که بسیاری از افراد از قسمت‌های میانی یا پایینی جامعه در نیویورک فلایرهای ما را قبول کرده‌اند، در صورتی که ۷۰٪ از مردم بخش اصلی جامعه متن‌های ما را نگرفته‌اند. چگونه از این سد بگذریم؟ اگر لباس رسمی می‌پوشیدیم، مثل طوری که امروز هستیم، آیا تفاوتی ایجاد می‌کرد؟

**معلم:** مشکل این نیست. مشکل چیزی است که پیش‌تر توضیح دادم: چینی‌هایی که در شرکت‌های اینجا کار می‌کنند توسط تبلیغات افتراآمیز گروه فرومایه پلیدی که دافا را شکنجه و آزار می‌کند مسموم شده‌اند، و آن افراد، که حقیقت را نمی‌دانند، هستند که دارند به شیطان کمک می‌کنند که زهر را پخش کند. آنها علت اصلی [مشکل] هستند. اگر می‌خواهید مشکل را حل و فصل کنید باید از آنجا شروع کنید. آمریکایی‌ها فکر می‌کنند که آن افراد قابل اعتماد هستند چراکه با آنها همکاری می‌کنند و بنابراین به آنها گوش می‌کنند و نمی‌دانند که آن افراد نیز قربانی هستند.

مرید: بسیاری از کشورهای آسیایی نزدیک به چین، به مقدار بسیار زیادی مورد مداخله بوده‌اند. مایلم از استاد ارجمند بپرسم، آیا مریدان غربی می‌توانند به آنجا بروند که به بهبود وضعیت کمک کنند؟

**معلم:** شاگردان در آن ملت‌ها اساساً در حال انجام آن کار هستند. اما چندی از کشورها واقعاً از رژیم کمونیستی چین می‌ترسند، بنابراین بعضی دولت‌ها واقعاً خیلی بد عمل کرده‌اند. اگر شما با کار دیگری مشغول هستید، فعلاً مجبور نیستید روی این موضوع کار کنید. اما اگر وقت آن را دارید، می‌توانید سعی کنید که ببینید آیا می‌توانید کاری انجام دهید. تمام چیزی که می‌توانم بگویم این است که می‌توانید سعی کنید و ببینید چطور پیش می‌رود. به هنگام نگاه کردن به رفتار آن کشورها، با آن طوری رفتار کنید که با فردی رفتار می‌کردید که نتوانسته است در حد انتظار باشد.

مرید: مریدان دافا از استرالیا به استاد درود می‌فرستند.

**معلم:** متشکرم. (تشویق)

مرید: آیا ممکن است از استاد بپرسم که چگونه باید تعادل بین روشنگری حقیقت در کشورهای مختلف و مناطق محلی، و روشنگری حقیقت در نیویورک و پکن را اداره کنیم؟

**معلم:** همه آنها مهم هستند. باید آن را در هر جا که شرایطتان بهترین اجازه را می‌دهد انجام دهید.

مرید: درود به استاد از سوی تمام مریدان دافا در سنگاپور. مریدان دافای اندونزیایی نیز از من خواستند تا وقتی شما را دیدم درودشان را به استاد برسانم.

**معلم:** متشکرم. (تشویق)

مرید: استاد، آیا تضادهای میان مردم مثل همان تضادهای میان تزکیه‌کنندگان است؟ چرا اینطور به نظرم می‌رسد که حل و فصل شدن تضادهای میان تزکیه‌کنندگان همیشه سخت است؟ در ظاهر آنها با هم کنار می‌آیند، در حالی که در واقع از هم خوش‌شان نمی‌آید. اگر این برای مدتی طولانی ادامه پیدا کند، درباره‌اش چه باید کنیم؟ (حضار آرام می‌خندند)

**معلم:** درباره‌اش چه باید کنید؟ (حضار آرام می‌خندند) واقعاً هم، درباره‌اش چه باید کنید؟ شما تزکیه‌کننده هستید، پس چگونه می‌توانید آنطور باشید؟ اما می‌دانم، و دوباره همان حرف را به شما می‌زنم: اگرچه مشکلات معینی در رابطه با بعضی افراد ممکن است چشمگیر باشد، اما آنها در واقع در خصوص بعضی چیزهایی که نشان داده نمی‌شود خیلی خوب تزکیه کرده‌اند. نمی‌توانید



آنها را با افراد عادی مقایسه کنید، و حتی کمتر اینطور است که باید فکر کنید تضادهایی که آنها دارند صرفاً تضاد هستند. آنها فرصتهایی برای آنان است که خود را رشد دهند.

اگر همه شما یک گروه بزرگ سازگار و هماهنگ بودید، در رابطه با همه شما همه چیز واقعاً آرام و صرفاً خوب و بی‌اشکال بود، هیچ کس هیچ کسی را ناراحت نمی‌کرد، و همه دیگران را خوشحال می‌کردند، آن وقت این بد بود، (حضور می‌خندند) واقعاً بد بود، چراکه آن موقع نمی‌توانستید تزکیه کنید. اگر هم‌سبزی و خصومت هیچ‌کس به سطح نمی‌آمد و نمی‌توانستید به هم کمک کنید که رشد کنید، آن وقت این یک گروه تزکیه نمی‌بود. چیزی که بیشتر از همه ما را از افراد عادی متمایز می‌کند این است که، وقتی تضادها و تنش‌ها سر برمی‌آورند، ما قادریم که خودمان را بررسی کنیم. (تشویق) مطلقاً اینطور نیست که ما تضادهایی که ظاهر شوند نداریم. وقتی جنبه‌های معینی از ما که به خوبی تزکیه نکرده باشیم بیرون می‌آیند، اصطکاک وجود خواهد داشت، و ناسازگاری و اختلاف‌نظر وجود خواهد داشت. آن وقت نگاه کنید که ببینید مشکلات در کجا نهفته است. هر فردی باید خودش را برای دلایل مورد بررسی قرار دهد: "آیا من چیزی را به طور ضعیفی انجام دادم، و این چیزی است که باعث شده افراد با من ناموافق باشند؟" و طرف دیگر نیز باید قدری فکر کند: "آیا طوری که من موضوع را مطرح کردم مشکلی داشت، و این چیزی است که باعث شده افراد آن را نپذیرند؟" اگر هر فرد بتواند خودش را بررسی کند، آن وقت این تزکیه است. اگر خودتان را بررسی نکرده باشید آن وقت تزکیه نکرده‌اید، یا دست کم در خصوص آن یک موضوع.

مواردی وجود دارند که تضادها مدت کاملاً زیادی به طول می‌انجامند، اما دیر یا زود آنها مجبور خواهند بود ببینند که مشکلاتشان در کجا قرار دارد. بهتر است که زودتر از آنها خلاص شد تا دیرتر. هیچ کس نباید انتظار داشته باشد که کمال برسد وقتی که هنوز در دام تضادها و وابستگی‌هاست. (تشویق)

*میرید: بودیسم در هند آغاز شد، اما بعدها از هند ناپدید شد. این روزها در هند فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف زیادی وجود دارد، و این اشاعه یافتن دافا در آنجا را سخت می‌سازد. آیا این به خاطر نظم و ترتیب‌های نیروهای کهن است؟ معلم ارجمند، لطفاً قدری ما را در این خصوص راهنمایی کنید.*

**معلم:** از این نظر مثل چین است. چین چنان ناحیه وسیعی است، و گویش‌های خیلی از مناطق برای مردم مناطق دیگر نامفهوم است. اما همه مندرین، زبان ملی، را صحبت می‌کنند، و بنابراین مردم می‌توانند همدیگر را بفهمند. در هند هم در واقع همین‌طور است. هند نیز یک زبان رسمی دارد، و خیلی از هندی‌ها به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. بریتانیایی‌ها برای مدت خیلی زیادی آنجا بودند، بنابراین خیلی از مسن‌ترها به زبان انگلیسی صحبت می‌کنند. هند جمعیت وسیع و مساحت قابل ملاحظه‌ای دارد، بنابراین مطمئناً در زبان تفاوت‌هایی خواهد بود. فکر نمی‌کنم که این در حال بازداشتن آنها از کسب فا باشد. مطمئناً این نیروهای کهن هستند که سد راه آنها می‌شوند. میریدان دافا در چین توانستند این موضوع را حل کنند، و میریدان دافا در هند نیز می‌توانند. مردم هند از زمانی که مذاهب دیگر و مجموعه‌ای از باورها را به کار گرفتند تغییر خیلی زیادی کرده‌اند. در گذشته، هندیان مردمی از سادگی اولیه بودند؛ نژاد هندی توسط یک بودا خلق شد.

انسان‌های روی زمین توسط خدایان مختلف خلق شدند. مثل این است که پاهای برخی خدایان در کیهان در اینجا، سه قلمرو، قرار گرفت—پاهای بودایان، پاهای داتوها، و پاهای انواع خدایان وجود دارد. در کف پای آنان—ذرات در پایین‌ترین سطح— سه قلمرو و زمین هستند، که بر روی آنها مردم مختلف این دنیا هستند، که افراد مختلف با سیستم‌های خدایان مختلف در تناظرند. شاکيامونی غالباً می‌گفت که پاها کثیف هستند. در واقع منظور او این بود که این مکان بشری در سطح پایینی است. به بیان دیگر، وقتی خدایی یک شخص را خلق می‌کرد، آن فرد قسمتی از سیستم آن خدا می‌شد، و برای همین است که خدایان به مراقبت از مردم پرداختند. اما بعدها، چون اصلاح فا شروع شد، خدایانی که بشر را خلق کردند سه قلمرو و بشریت را ترک کردند؛ خدایانی که بشر را خلق کردند همگی از سه قلمرو جدا شدند، بنابراین بشر جدا افتاده و منزوی شد. این شکل و فرم بشری ظاهری، که پوست بشری نیز نامیده می‌شود، هنوز تصویر [و شکل] گروه‌های قومی مختلف را به خود می‌گیرد، اما دیگر هیچ

پیوندی با خدایان بالا ندارد. به بیان دیگر، دیگر پیوندهایی با خدایانی که قبلاً بشر را خلق کردند ندارد. آیا خدایان از سطوح بالا در کیهان یکی پس از دیگری پایین نیامده، شکلی بشری را برای کسب فا نگرفتند؟ طور دیگری بیان کنیم، بیشتر بدن‌های بشری امروز در حال استفاده شدن توسط موجوداتی است که از قلمروهای بالاتر پایین آمدند تا در اینجا انسان شوند. این لباس توسط موجوداتی که از قلمروهای بالاتر آمدند پوشیده شده است. یکبار که آنها به این مکان بشری می‌رسند دیگر نمی‌توانید به آنها خدا بگویید، زیرا در گذشته موجوداتی که به این مکان بشری پایین آمدند هرگز نمی‌توانستند بازگردند؛ یکبار که فردی به این قلمرو می‌رسید موجودی از این قلمرو می‌شد. بنابراین به بیان دیگر، او انسان می‌شد، تنها با این تفاوت که او از سطوح بالا آمد. خوب، در این نقطه از صحبت، چیزی که در حال گفتن آن هستم این است که خدایان پیشینی که نمی‌توانند وقتی که قانون بزرگ من به طور گسترده در اشاعه است نجات یابند، مشروط بر اینکه آن قدر بد نباشند که باید دور ریخته شوند، برای همیشه در اینجا انسان خواهند بود. و ما در حال صحبت درباره‌ی آنها هستیم که علیه دافا مرتکب گناه نشده و بیش از حد بد نیستند. آنها موجودات بشری در دوره‌ی بعد خواهند بود، زمانی که بشریت آینده واقعاً شروع می‌شود.

بشریت امروز در نظر گرفته نشده بود که یک سطح همیشگی در کیهان باشد. سه قلمرو برای اصلاح فا خلق شد، و مهم نیست تاریخش چقدر طولانی باشد، موجودات اینجا به منظور اصلاح فا و وجود داشتن در کنار اصلاح فا در نظر گرفته شده‌اند. خدایان به‌وسیله‌ی شکل دادن فرهنگ‌ها، رفتار، و روش‌های تفکر، و نیز ترکیب زیستی بشریت، بشریت را جهت‌دهی و هدایت کردند. آن روند، بخشی از تاریخ بود که به منظور تسهیل اصلاح فا بود، آن برای اصلاح فا به وقوع پیوست، و برای اصلاح فا بود که سلسله‌های مختلف بشر به طور پیوسته تغییر کردند. به بیان دیگر، انسان‌ها در واقع موجوداتی نیستند که حقیقتاً به این سطح از کیهان تعلق داشته باشند. این سطح از موجودات که انسان هستند و این اجتماع با هدفی خلق شد. اگر در طی این اصلاح فا انسان‌ها به خوبی عمل کنند، بشریت رستگار و سعادت‌مند خواهد شد. به خاطر اینکه قانون بزرگ در اینجا اشاعه می‌یابد، تاریخ واقعی این سطح از موجودات—انسان‌ها—واقعاً در آینده آغاز خواهد شد، و قانون بزرگ حیات‌های موجودات بشری را برای این سطح آینده بنا خواهد کرد. طور دیگری بیان کنیم، در آینده بشر واقعاً وجود خواهد داشت، و این سطح برای همیشه بخشی از ساخت و ترکیب کیهان خواهد شد، این سطح برای همیشه سطحی از کیهان خواهد بود. (تشیویق) بنابراین در آینده [آن] افرادی که علیه دافا گناه نمی‌کنند اما در دافا تزکیه نمی‌کنند برای همیشه در اینجا انسان خواهند بود.

دنیای بشری امروز واقعاً ترسناک است، و پیش‌تر هیچ کس جرئت نمی‌کرد به اینجا بیاید. یکبار که به اینجا می‌رسیدند وارد توهم شده بودند، و با ذهنشان که پاک شده بود، مهم نبود یک خدا از چه سطح بالایی بود، یکبار که به اینجا می‌رسید هیچ چیز نمی‌دانست. بعد از فرو رفتن در اصول معکوس در این دنیا، و واداشته‌شده توسط علاقه شخصی و چینگ این دنیا، مردم قادر به انجام هر کاری هستند. تمام کاری که یک موجود می‌تواند در اینجا انجام دهد این است که در جاده تهای پایین برود، و برایش سخت است که خود را آزاد کند. در این سطح بشری، چینگ مثل آب تجلی می‌یابد؛ کوچک‌تر از ذرات آبی است که مردم می‌توانند ببینند و بسیار غلیظ و پرتراکم است. آن یک خداست، اما بی‌شکل است، و "چینگ" نامیده می‌شود. خدایی است که به هنگام خلق سه قلمرو خلق شد، و صرفاً نقشی را که ایفا می‌کند ایفا می‌کند. اینجا، هر موجودی که متشکل از ذرات درون سه قلمرو باشد غوطه‌ور است. وقتی از یک سطح ریزکیهانی به آن نگاه می‌شود، مولکول‌ها در بدن بشری گلوله‌های بزرگی هستند، و بین آن گلوله‌ها شکاف وجود دارد. بنابراین همان‌طور که انسان‌ها در اینجا غوطه‌ور هستند، و فضاهای بین مولکول‌ها در بدن بشری—و حتی فضاهای داخل مولکول‌ها—در چینگ غوطه‌ور هستند، مثل این است که انگار آنها در آب غوطه‌ورند. چه کسی می‌تواند بگوید که تحت تأثیر چینگ نیست؟ اگر کسی بتواند از چینگ خارج شود، آن شخص خدایی ست. (تشیویق) خوشحال بودن تان، ناراحت بودن تان، چیزی را دوست داشتن تان، چیزی را دوست نداشتن تان، عصبانی بودن تان—هر پاسخ احساسی از سوی شما—اشیای فیزیکی معینی را دوست داشتن، کار معینی را دوست داشتن، این که بخواهید غذاهای معینی را بخورید... تمام این چیزها از چینگ است.

بدن ظاهری بشر—به رغم اینکه آن موجود از سطوح بالا آمد—بدن ظاهری انسان از غذاهای مختلف در این بُعد تشکیل می‌شود، اما در عین حال، سطح و ظاهری که شما می‌بینید کاملاً پیچیده است. انسان‌ها یک "بدن حقیقی" دارند. (البته، این فا

باید در آینده آموزش داده شود، چراکه فایه است که درون سه قلمرو است.) ترکیب بدن بشری پیچیده است. وقتی فردی متولد می‌شود، خدایان سطح پایین‌تر مسئول بازپیدایی انسان‌ها باید به آن فرد یک پوست بشری بدهند. آن پوست بشری در آن زمان بسیار کوچک است؛ تجلی‌اش در آن بعد کاملاً کوچک است. با شروع از زمانی که آن یک جنین است، ماده‌ی این بعد که والدینش به آن می‌دهند—چیزی که مردم آن را "تغذیه" می‌نامند—پیوسته آن را پُر و بزرگ‌تر می‌کند. این روند پُر کردن و بزرگ‌تر کردن آن، روند رشد است. آن پُر و بزرگ‌تر می‌شود چراکه پیوسته توسط ماده‌ی این بعد تقویت می‌شود، که پیوسته پوست حقیقی را پُر و بزرگ‌تر می‌کند. همین نیز در مورد روند رشد فرد بعد از تولد صدق می‌کند: هر غذای بشری که بخورید، بدن‌تان رشد خواهد کرد، و آن رشد در واقع پُر و بزرگ‌تر شدن پوست حقیقی‌تان توسط سلول‌های شکل‌گرفته در نتیجه‌ی غذایی است که بعد از تولد مصرف می‌کنید. بعد، زمانی که فردی می‌میرد، معمولاً پوست حقیقی‌اش بیرون کشیده شده و برداشته می‌شود. آن ریزکپهانی‌تر از ماده در سطح و ظاهر بیرونی است، بنابراین خدایان بی‌هیچ زحمتی می‌توانند آن را بردارند. به محض اینکه پوست حقیقی برداشته شود، بدن در سطح و ظاهر شروع به گسستن از هم و پوسیدن می‌کند. از آنجایی که آن از ماده‌ی زمین در این بعد ساخته شد، لازم است که به زمین برگردد، بنابراین باید در اینجا بپوسد.

دارم درباره‌ی فا در سه قلمرو صحبت می‌کنم. (استاد لبخند می‌زند) (حضار آرام می‌خندند، تشویق می‌کنند) ظاهر بشری‌تان شنیدن آن را دوست دارد، اما در تزکیه‌ی سطح بالا نقشی ایفا نمی‌کند. به بیان دیگر، همان‌طور که کمی پیش‌تر گفتم، موجوداتی که از قلمروهای بالاتر آمدند در اصل اکنون این دست لباس را پوشیده‌اند—یعنی این پوست بشری، این بدن بشری در سطح و ظاهر را. از آنجایی که ظاهر سطحی انسان‌ها پیش‌تر توسط خدایان خلق شد، در گذشته آنها همیشه به آن خدایان متصل بودند، بنابراین اساساً به شکل آن خدایان بودند. عمدتاً مشابه بودند، صرفاً با تفاوت‌هایی جزئی. هر فرد ممکن است که ظاهر خودش را داشته باشد، اما روی هم‌رفته او شکل پایه‌ای آن خدا را دارد. بنابراین خدایان مختلف انسان‌های مختلف را خلق کردند. اما، به علت شروع شدن دوره‌ی اصلاح فا، آنها همگی بشریت را ترک کردند. بعضی افراد می‌گویند که از فلان قومیت هستند، اما به چشم خدایان، آنها در اصل به هیچ قومیتی تعلق ندارند. صرفاً اینطور است که بدن‌شان در سطح، هنوز ظاهر آن قومیت را دارد؛ "انهای" حقیقی بخشی از آن [قومیت] نیست. خیلی احتمال دارد که آنها از گروه‌های قومی دیگر بازپیدا شده باشند، و موجودات زیادی از آسمان‌ها آمدند.

وقتی خدایان بشر را خلق کردند این کار را در آسمان‌ها انجام ندادند، آن را روی زمین انجام دادند. یعنی، از ماده‌ی روی زمین برای خلق بشر استفاده کردند. چنان که پیداست، در کتاب عهد عتیق گفته شده است که یهوه بشر را از خاک خلق کرد. در واقع، مولکول‌ها یک نوع از ذره هستند که در سطح و رویه‌ی پایین‌ترین سطح کیهان هستند. طور دیگری بیان کنیم، به چشم خدایان این لایه از ذرات، زمین است، خاک [است]. [آنها آن را به آن صورت می‌بینند] زیرا ماده‌ی آنها بهترین ماده در کیهان است، و هر چه در کیهان پایین‌تر می‌روید، چیزها پست‌تر هستند و ذرات بزرگ‌تر و خشن‌تر می‌شوند، که یعنی چیزها بدتر هستند، و به چشم آنها چیزها کثیف‌تر هستند. بنابراین آسمان و زمین در چشم آنها متفاوت با طوری است که انسان‌ها آنها را درک می‌کنند. وقتی افراد می‌گویند که فردی به آسمان‌ها رفته، او در واقع فقط به بالاتر رفته است و در میان مولکول‌ها بیشتر سفر کرده است. او هنوز این بعد مولکول‌ها را ترک نکرده است، بنابراین به طور واقعی در آسمان‌ها نیست. آسمان‌هایی که خدایان به آنها اشاره می‌کنند از ذرات ریزکپهانی تشکیل می‌شود—آنها آسمان‌های واقعی‌اند.

دانشمندان می‌پرسند، "خدایان را کجا می‌توانید پیدا کنید؟ ما با تلسکوپ‌هایمان آسمان‌ها را دیده‌ایم—خدایان کجا هستند؟" این آسمان‌های واقعی نیست، بلکه این صرفاً آسمان‌ها به آن صورت که انسان‌ها درباره‌شان فکر می‌کنند است. این، "آسمان‌های" واقعی که توسط موجودات در کیهان از آن صحبت شده است نیست. و "زمین" آنطور که آن را می‌شناسیم به طور کامل تصور واقعی زمین را در بر نمی‌گیرد. انسان‌ها به زمین نگاه کرده و فکر می‌کنند، "اوه، این زمین، این زمین ماست. ما روی زمین ایستاده‌ایم. زمین گرد است." خدایان می‌گویند که آن گرد نیست. [مردم ممکن است فکر کنند که،] "چطور گرد نیست؟ ما می‌توانیم واضح‌تر از خدایان آن را ببینیم." اما درباره‌اش فکر کنید، خدایان درباره‌ی مولکول‌ها به صورت کثیفی و خاک روی زمین<sup>[۲]</sup> فکر می‌کنند، و آیا ماده‌ی این بعد ساخته شده از مولکول‌ها نیست؟ آیا هوا، که چشم‌های بشری‌مان نمی‌تواند آن را ببیند، از

مولکول‌ها ساخته نشده است؟ و در هوا موادی درست مثل هوا وجود داشته، به تعداد صدها میلیون، که در سرتاسر سه قلمرو پخش هستند. فقط اینطور است که چشم‌ها نمی‌توانند مولکول‌ها و ذرات کوچک‌تر را ببینند، اگرچه همه‌چیز در این بعد، انباشته و مملو از آنهاست. بشریت در توده‌هایی از مولکول‌ها و ذرات کوچک‌تر دفن شده است. فرم‌ها و شکل‌های ظاهری در دنیای بشری، فرم‌های مختلف ساخته‌شده از ماده‌ی ظاهری‌ای هستند که متشکل از مولکول‌ها می‌باشد. برخی از فرم‌ها توسط خدایان ساخته شد، برخی توسط بشر. فرم‌های ساخته‌ی بشر چیزهای نظیر این ساختمان هستند. فرم‌های ساخته‌ی خدایان اینها هستند: آب، سنگ، خاک، هوا، فلزات، گیاهان، حیوانات، و انسان‌ها، و نیز ستاره‌های آسمان، و زمین. انسان‌ها صرفاً در حال درک و دریافت دنیا از درون بعد ساخته‌شده از این لایه از ذرات هستند، و در حال درک و دریافت کیهان از داخل این بعد بسیار باریک هستند. آسمان و زمینی که در ذهن انسان‌هاست آسمان و زمین واقعی نیستند. زمین، مثل هوا، از مولکول‌ها تشکیل شده است، بنابراین در چشم خدایان، تمام آن، زمین است. [با نگاه به آن از] سطح ریزکیهانی، بعد ساخته‌شده از این سطح از ذرات در واقع زمین است، در حالی که قلمروی ساخته‌شده از ذرات میکروسکوپی‌تر آسمان‌های واقعی است.

لحظه‌ای پیش گفتم که هندیان توسط یک بودا خلق شدند. طرز صحبت و رفتار ظاهری آنها بسیار شبیه یک بوداست. در گذشته شباهت حتی قوی‌تر بود. در اجتماع امروزی چیزها به خاطر موضوعات نژادی، کمی درهم و برهم شده‌اند. اعراب و چینی‌ها به هند نزدیک هستند، بنابراین قسمت زیادی از هندیان زمان‌های اخیر از نژاد مختلط هستند. در گذشته نژاد هندیان خیلی خالص بود. می‌توانید آنچه را که توصیف کردم در رقص قومی هندیان ببینید. حالت‌های دست و حرکات‌شان شباهت نزدیکی به مودرها و وضعیت‌های یک بودا دارد. من آنها را بسیار بسیار شبیه می‌یابم. (تسویق)

مرید: در روسیه اخیراً چندین رویداد حملات تروریستی به توریست‌ها وجود داشته است، بنابراین بسیاری از افراد نمی‌خواهند درباره‌ی شکنجه و آزار تروریست‌گونه‌ای که در سرزمین اصلی چین اتفاق می‌افتد بشنوند.

**معلم:** این نیز شکلی از مداخله است. اهمیتی ندارد—همان‌طور که به طور معمولی حقیقت را روشن می‌کردید حقیقت را روشن کنید. [شیطان] به تلاش برای مداخله با شما مصمم است. ولی نگذارید آن با شما مداخله کند، و صرفاً به انجام آنچه که به طور معمولی انجام می‌دادید ادامه دهید. در حال حاضر سخت است، اما برای مدت زیادی سخت نخواهد بود.

مرید: در خصوص تصحیحات حروف چینی، آیا فقط قرار است که با کتاب‌های دافا انجام شود؟ از آنجا که کار رسانه...

**معلم:** وقتی به مقاله‌هایی می‌رسد که برای افراد عادی می‌نویسید، در آنها حروف را تغییر ندهید. اگر افراد عادی نتوانند آنها را درک کنند، یک مشکل خواهد بود، درست است؟ بگذارید در حال حاضر این چیزها را در امور عادی وارد نکنیم.

مرید: من کارمای فکری بدی دارم. در تمام مدت از تصدیق آن امتناع کرده‌ام و سعی کرده‌ام که از آن خلاص شوم. اما مدت زیادی گذشته است و هنوز موفق نشده‌ام از آن خلاص شوم. من قادر هستم که تشخیص دهم آن من نیستم.

**معلم:** اگر چیز واقعاً بدی است، آن وقت آن را از بین ببرید. و گاهی اوقات رویکرد دیگری وجود دارد که نتایج خوبی دارد، و لزوماً روشی افراطی برای اداره‌ی آن نیست. می‌توانید این فکر را داشته باشید: "در طی اصلاح فای کیهان، می‌توانم برای آنها از شما که با اعتباربخشی من به فا مداخله نکنید نظم و ترتیبی منطقی بدهم؛ می‌توانم کاری کنم که موجوداتی در آینده شوید. آنهایی از شما که در پی راه حل نیک‌خواهانه‌ای هستید باید من را ترک کنید و در محیط اطرافم منتظر بمانید. اگر واقعاً نمی‌توانید مرا ترک کنید، آن وقت هیچ نقشی در مداخله با من نداشته باشید. در آینده قادر خواهیم بود به کمال برسیم، و به شما راه حل نیک‌خواهانه‌ای عرضه خواهیم کرد. آنهایی که کاملاً بد باشند، که هنوز با من مداخله کنند و نتوانند باقی بمانند، بر طبق استانداردها، مجبور خواهند بود که از بین بروند. حتی اگر من شما را از بین نبرم، قانون کیهان به شما اجازه نخواهد داد که باقی

بمانید!". اگر آن فکر را داشته باشید، برای بعضی از آن موجودات بی‌نهایت سطح پایین به طور عظیمی نیک‌خواهانه است، و از بین بردن آنهايي که هنوز مداخله می‌کنند را آسان می‌کند.

اصلاح فای کیهان استانداردهایی دارد. اگر آن را به آن صورت انجام دهید هیچ کسی مبنا و دلیلی برای به چالش کشیدن شما نخواهد داشت. اصول واضح‌اند، به طوری که آنهايي که قرار است از بین بروند باید از بین بروند. و بله، وقتی به خیلی از چیزهای سطح پایین می‌رسد می‌توانید کاملاً آنها را از بین ببرید—از نظر اصول هیچ مشکلی در خصوص آن نیست. اما وقتی آن را به صورتی که الان توصیف کردم اداره می‌کنید، هیچ موجودی نمی‌تواند در مقام مخالفت چیزی بگوید. آنهايي که به انجام کارهای بد ادامه می‌دهند ابتدا توجهی نخواهند داشت، و هر چه که قرار باشد انجام شود انجام خواهد شد. (تشویق)

مربده: در ترجمه کردن آموزش فای شما، بعضی شاگردان فکر می‌کنند که آن باید لفظ به لفظ بر طبق متن اصلی انجام شود، و برخی فکر می‌کنند که ترجمه باید با عرف‌ها و قراردادهای زبان خارجی مطابقت داشته باشد.

**معلم:** من فکر می‌کنم که ترجمه لفظ به لفظ، مگر در خصوص بعضی زبان‌های آسیایی که شاید عملی باشد، ممکن است خیلی آسان نباشد که انجام داد؛ مخصوصاً در ارتباط با زبان‌های غربی اینطور است. این خوب و بی‌اشکال است که صرفاً سطحی‌ترین ایده‌ها را با استفاده از کلماتی با معنی مشابه ترجمه کنید. همسان‌سازی ترجمه با معنی اصلی تا حد امکان، به اندازه کافی خوب هست. در خصوص ترجمه این سوالات خیلی پیش می‌آیند. ترجمه باید به معنی سطحی خیلی نزدیک باشد، و این خوب خواهد بود.

چیز دیگر این است که بعضی افراد احساس کرده‌اند که بهتر است ترجمه‌ها را بیشتر به زبان محاوره‌ای شبیه کنند. برای مثال، زبان انگلیسی را در نظر بگیرید. یک کتاب به یک سبک کاملاً شفاهی ترجمه شد. بعضی افراد می‌گویند درک آن نوع ترجمه برای مردم آسان‌تر است. البته، هیچ اشتباهی در خصوص این کار نیست، اما من فکر می‌کنم که در واقع بهتر این است که آن را هم با استفاده از ساختار و بیان استاندارد انجام داده و هم ترجمه را تا حد ممکن با معنی اصلی همسان کنید. دانش‌آموختگان زبان انگلیسی و یا رشته زبان ممکن است قادر نباشند زبان محلی‌ای که خیلی مختص به یک منطقه باشد را بپذیرند. اگر از ساختار و بیان استاندارد استفاده کنید، آن وقت همه می‌توانند آن را مطالعه کنند و همه می‌توانند آن را بخوانند. نگران نباشید که مردم ممکن است نتوانند آن را بفهمند. آیا همین الان نیز شاگردان انگلیسی‌زبان خیلی زیادی نداریم؟ آیا همه‌شان آن را نفهمیدند؟ این مسئله‌ای نیست.

شما در حال برگزاری یک کنفرانس هستید، اما من دارم تمام وقت را برمی‌دارم—این خوب نیست، نه؟ (تشویق به نشانه اینکه کاملاً بی‌اشکال است.) دروهای بسیاری هست.

مربده: درود به استاد از طرف تمام مریدان دافا در اسپانیا، اتریش، مجارستان، پرتغال، ویتنام، اندونزی، نیوزلند، فرانسه، ژاپن، هلند، بلژیک، آلمان، ایتالیا، انگلستان، استرالیا، لتونی، ایرلند، سنگاپور، منطقه شهری نیویورک، اسکاتلند، لائوس، ایران، روسیه، هند، جمهوری چک، و آفریقای جنوبی!

**معلم:** از همه تشکر می‌کنم. (تشویق) اینجا تعدادی از سرزمین اصلی چین هست.

مربده: درود به استاد از طرف تمام مریدان دافا در گوان‌دونگ، جیانگ‌من، هنان، جنگ‌جو، شوجو، پینگ‌دینگ‌شان، شی‌آن، هان‌یان، ون‌چانگ، تانگ‌شان، جیاموسی، هزه‌شان‌دونگ، هاربین، هونان، هوآیی‌هوآ، شان‌دونگ، گائوتانگ، پین‌شیانگ‌هیسی، شین‌شیانگ، سان‌هیان‌جیانو، تیان‌جین، دانشگاه پکن، دانشگاه زینگ‌هوآ، آکادمی علوم چین، جی‌نان‌شان‌دونگ، شی‌جیاجوانگ، لائی‌یانگ‌هونان، نان‌چانگ، هونگ‌دو، جه‌جیانگ، فویانگ، نینگ‌بو، چی‌چی‌هار، هوئی، هنگ‌کنگ، شانگ‌های، گوانگ‌ژو،

لیائونینگ، شان‌های‌گوان، شان‌دونگ، گوانگ‌شی، شن‌یانگ، هفی، دان‌دنگ، یان‌جی، دالیان، جان‌جیانگ، گویی‌جو، چونگ‌چینگ، چنگ‌دو، ووهان، جین‌جو، یون‌نان، ماکائو، جوهای، لان‌جو، هبی، و جی‌لین!

**معلم:** از همه تشکر می‌کنم. (تشویق) از آنجایی که برگه‌های پرسش زیادی هست، اگر همه‌شان را بخوانم، تمام صحبت کنفرانس فای امروز را من انجام خواهم داد. (تشویق به نشانه اینکه مایل هستند که معلم ادامه دهند) هر تعداد را که بتوانم می‌خوانم. (تشویق)

مرید: ما مایل هستیم که یک بنیاد خیریه برای فرزندان بی‌سرپرست مریدان دافا تأسیس کنیم. آیا لطفاً می‌شود استاد در این خصوص به ما توصیه‌هایی کنند؟

**معلم:** این چیز خوبی خواهد بود، و می‌توانید انجامش دهید. در تمام مدت درباره این فکر می‌کرده‌ام. بعد از آنکه بعضی از مریدان دافا توسط شکنجه و آزار کشته شدند، فرزندان شان بی‌خانمان شده و در پرورشگاه‌ها مانده‌اند. نمی‌توانم درباره این کاری انجام ندهم، بنابراین فکر کردم که می‌توانیم اسامی آنها را جمع کنیم و سپس راهی برای نجات آنها از چین بیابیم. (تشویق) ما آنها را بزرگ می‌کنیم، و می‌توانیم برایشان مدرسه(ها)ی دایر کنیم. (تشویق)

مرید: پرسشی که با آن مواجه‌ام این است: چگونه بفهمم که خوب عمل کردن من در کدام پروژه مهم‌تر و کانونی‌تر است؟

**معلم:** فهمیدن این با شماست. (حضار می‌خندند) بیش از حد خاص است. این را از استاد نپرسید، باشد؟

مرید: شاگردی چند سال پیش مبتلا به یک بیماری روانی شد و مجبور شد که در بیمارستان بماند، اما در چند سال اخیر مشکلی نداشت. در حال حاضر او در حال شرکت در کار اعتباربخشی به فا است. آیا باید به او توصیه کنیم که به کمترین میزان ممکن در منظر عموم ظاهر شود، زیاد جلب توجه نکند، و کارهایی از نوع پشت‌صحنه را انجام دهد؟

**معلم:** پیشنهاد خوبی است. اگر بعضی شاگردان نتوانند خود را به خوبی اداره کنند یا قبل از یادگیری فا از یک بیماری روانی رنج برده باشند، آن وقت برای آنها بی‌اشکال است که در خانه تزکیه کنند. در گذشته که در حال ارائه فا بودم، همیشه می‌گفتم که آنهایی که بیماری روانی داشتند اجازه ورود به سمینار را ندارند. وقتی [آن] افراد تمرین را انتخاب می‌کردند، از آنها مراقبت می‌کردم، و اگر در خانه مطالعه می‌کردند، درست به همان شکل نجات‌شان می‌دادم. اما مجاز به ورود به سمینارها نبودند. لازم بود که از آن محیط تزکیه مریدان دافا حفاظت کنیم و از مداخله جلوگیری کنیم، و برای همین است که به بیمارانی که بیماری وخیمی داشتند یا آنهایی که بیماری روانی داشتند اجازه ندادم در سمینارها شرکت کنند. شاگردانی که قبلاً بیماری روانی داشته‌اند می‌توانند بعضی کارهایی که در پس‌زمینه هستند را انجام دهند، و این بی‌اشکال است که آنها وقتی به روشنگری حقیقت می‌رسد کمتر انجام دهند یا کاری انجام ندهند.

مرید: دافا برای شاگردان لازم می‌داند که دست روی دست نگذارند و چیزهایی چون قتل و آتش‌افروزی را تماشا کرده و نادیده بگیرند. هم‌اکنون در سرزمین اصلی چین شاگردان جان خود را از دست می‌دهند. واقعاً نمی‌توانم صرفاً بی‌کار بنشینم و در خانه منتظر بمانم. می‌خواهم به میدان تیان‌آن‌من بروم تا به مردم بگویم که "فالون دافا عالی است" و اینکه دافا زندگی مرا نجات داده است.

**معلم:** در حال حاضر آنجا هنوز کاملاً شیطانی است. در حالی که شما نمی‌توانید بنشینید و تماشا کنید که شاگردان سرزمین اصلی چین شکنجه می‌شوند، من هم نمی‌خواهم که شما شکنجه شوید. روی روشنگری حقیقت سخت‌تر کار کنید تا شکنجه و آزار را متوقف کنید. به عنوان استاد شما، اول باید امنیت شما را در نظر بگیرم. (تشویق)

مرید: وقتی کارهای هنری انجام می‌دهیم، چگونه باید ایجاد یک کار هنری که مردم امروز بتوانند بپذیرند و هنری که مردم باید در آینده داشته باشند را به شایستگی متعادل و اداره کنیم؟ آیا ما در حال بنا گذاشتن هنر جدید هستیم؟

**معلم:** باید بهترین سعی‌تان را کنید که نمایش‌های اجرایی فرهنگی‌ای که توسط مریدان دافا فراهم آورده شده است را صالح‌تر و بهتر سازید. آنچه که یک کار هنری به تصویر می‌کشد فقط مسئله‌ای از موضوع آن است، در حالی که مهارت هنری و کیفیت کار خلق شده غالباً آن نکته کلیدی است که تعیین می‌کند که حضار آن را خواهند پذیرفت یا نه.

مرید: من گرایش دارم که در یک حالت دلسرد و غم‌زده فرو روم. فکر می‌کنم که دردناک‌ترین چیز در زندگی‌ام تنهایی است، چراکه از گرمی خانواده محروم هستم. برایم سخت است که از ابرهایی که توسط احساس تنهایی بر من سایه افکنده خلاص شوم. چگونه باید به این مشکل نگاه کنم؟ آیا این به خاطر کارما از گذشته‌ام است، یا عوامل خاصی هستند که لازم است در تزکیه‌ام از آنها خلاص شوم؟

**معلم:** اگر کارما یا مداخله است، آن وقت آن را از بین ببرید. به عنوان یک موجود زنده، چرا دیگر آن اشتیاقی را ندارید که وقتی در ابتدا دافا را کسب کردید داشتید، آن احساس سربلندی و غرور برای کسب این دافا، و آن احساسی که شما چیزی دارید که دیگران نمی‌توانند به دست بیاورند؟ آیا دیگر کوشا نیستید؟ آیا قضیه این است؟ یا، حتی اگر بیش از حد مشغول روشنگری حقیقت بودید که بخواهید در بحر آن احساسات‌تان فرو روید، علتش این می‌بود که در حال انجام کارهای دافا یا کار کردن بر روی نجات موجودات ذی‌شعور بودید. چرا احساس تنهایی می‌کنید؟ اگر بروید کارهایی برای نجات موجودات ذی‌شعور و کارهایی که یک مرید دافا قرار است انجام دهد را انجام دهید، قطعاً آنطور احساس نخواهید کرد. اگر در حال مطالعه‌فا و سختکوشانه تزکیه کردن بودید، آیا می‌شد که آنطور احساس کنید؟ فقط وقتی که کوشا نیستید مجال اینکه در بحر آن احساسات بشری عادی فرو روید را خواهید داشت، درست است؟ (تشویق)

مرید: یک هم‌تزکیه‌کننده اخیراً به من کمک مالی می‌کرده است، که مرا قادر کرده که در نیویورک بمانم تا کار دافای بیشتری انجام دهم. من فکر نمی‌کنم کاملاً درست باشد که کمک دیگران را بپذیرفت. استاد، آیا درکم صحیح است؟

**معلم:** بله، فکر می‌کنم که از آنجا که تمام مریدان دافا در حال مایه گذاشتن از خود هستند و شما نیز در حال مایه گذاشتن از خود و روشنگری حقیقت هستید، اگر به کمک‌های مالی دیگران تکیه کنید، آن وقت آیا به‌طور مشروط در حال انجام امور نیستید؟ اگر دیگران شما را تأمین نمی‌کردند، آن وقت آیا آن را انجام نمی‌دادید؟ وقتی ما از دیگران می‌گیریم، آیا احساس مدیون بودن نداریم؟ آیا درباره آن احساس درستی داریم؟ حتماً، شرایط به‌خصوصی وجود دارد، و نمی‌توانیم در این رابطه مطلق باشیم. وقتی شاگردانی که کسب و کار خودشان را دارند بیشتر از خودشان می‌بخشند و پروژه‌های معینی از شاگردان را حمایت می‌کنند قابل درک است. اما در شرایط عادی فکر نمی‌کنم درست به نظر برسد. حتی وقتی که برای انجام کارهایی چون روشنگری حقیقت باشد، فکر نمی‌کنم کاملاً درست باشد. اگر می‌توانید برای مدتی طولانی اینجا بمانید، آن وقت شغلی پیدا کنید و کارهای [دافا] را در وقت اضافه‌تان انجام دهید—این هم می‌شود. به هر صورت، نهایتاً خودتان باید وضعیت مالی‌تان را حل و فصل کنید. نمی‌توانید وابسته به فرد دیگری باشید که شما را تأمین کند—این یک مشکل خواهد بود.

من از نظر اصول فا در حال صحبت درباره این هستم. در واقع، خدایانی که در حال نظاره هستند به شما خیره مانده‌اند، بنابراین نباید در حال قرض گرفتن از افراد باشید. اگر شرایط واقعاً اجازه نمی‌دهد، آن وقت در منزل [خودتان] کارهای مرید-دافایی دیگری را انجام دهید. چیزی که گفتم این بود که آنهایی که شرایطشان اجازه می‌دهد می‌توانند اینجا بمانند که حقیقت را روشن کنند. اگر شرایطتان اجازه نمی‌دهد، پس به محل زندگی‌تان برگردید و در آنجا کارهای روشنگری حقیقت را انجام دهید، که یکسان است.

مرید: ممکن است لطفاً دربارهٔ اعضای معینی از دار و دستهٔ برون مرزی آن جیانگ فرومایه صحبت کنید که در حال مسموم کردن ذهن افراد چینی خارج از چین هستند؟

**معلم:** آن چیزها ارزش مطرح شدن در کنفرانس فایمان را ندارند. یک موجود مسئول پیامدهای هر مسیری که پیش می‌گیرد است. مسیری که آن افراد پیش گرفتند انتخاب خودشان بود. حتی وقتی که، به کمک شما، چیزها را متوجه شوند، هنوز مجبورند آنچه را که بدهکارند پس دهند. یک شخص باید برای هر چه که انجام داده بپردازد. این مطلقاً مجاز نیست که او این کار را نکند. ولی فکر کنید که با زهری که پخش کردند به چند نفر صدمه زده‌اند. آن گناه به بزرگی کوه‌ها و آسمان‌ها است، بنابراین نمی‌توانند آن را بپردازند، چراکه ذهن موجودات بسیار زیادی را مسموم کرده‌اند. بنابراین اگر یک رسانه کارهای بد انجام دهد، گناهش عظیم است؛ چیزی که در حال اشاره به آن هستم هنگامی است که آن به دافا صدمه می‌زند.

مرید: مریدان در لهستان چگونه می‌توانند به مریدان سرزمین اصلی چین کمک کنند؟ درود به استاد ارجمند از طرف مریدان دافا در لهستان!

**معلم:** متشکرم! (تشویق) در رابطه با مریدان دافا در لهستان، فکر می‌کنم که مهم نیست کجا باشید، شما می‌توانید حقیقت را روشن کنید، و اگر وقت آن را دارید می‌توانید آن را در مناطق دیگر نیز انجام دهید. تمام اینها خوب است، و به شاگردان سرزمین اصلی چین کمک می‌کند. در حال حاضر شاگردان خارج از سرزمین اصلی چین تا اندازه‌ای وضعیت بهتری [در چین] به وجود آورده‌اند و به طور مؤثری شیطان را [در آنجا] باز داشته‌اند. و همچنین، در حال کمک کردن به شاگردان آنجا هستند که این را که باید قدم پیش گذارند و اهمیت این کار را، متوجه شوند. همه نوع کارهایی نظیر این هست که می‌توانید انجام دهید، و اگر ایده‌های دیگری دارید، آن هم بی‌اشکال است.

ولی تا آنجا که به فرستادن پول برای آنها می‌رسد، این کار را نکنید. پول ممکن است به دست آنها نرسد، و آنها نیز در حال تزکیه هستند. اگر پول زیاد شود، افکار بشری‌شان ممکن است که بلند شود و در واقع منجر به وابستگی‌ها شود. آنها در محیطی شیطانی هستند، و واقعاً در بعضی مناطق دشوار است. اما تا زمانی که خود را به خوبی اداره کنند، استاد از همهٔ آنها مراقبت خواهد کرد. آنها لازم دارند که مسیر خودشان را ببینند. استاد همه چیز را در نظر می‌گیرد؛ این چیزها مسائل بنیادی نیستند.

مرید: وقتی بعضی شاگردان فا را کسب کردند به طور واقعی چیزها را از فا درک نکردند و با خودشان جدی نبودند. در نتیجه، رفتار زیان‌بارشان روی شاگردان جدیدتر اطراف آنها تأثیر گذاشت و باعث شد که آن شاگردان میل خود به تزکیه را از دست بدهند. آیا آن افراد می‌توانند نجات یابند؟ و آیا شاگردانی که آنها را تحت تأثیر قرار دادند می‌توانند صدمه‌ای که به بار آوردند را جبران کنند؟

**معلم:** هر وقت که شاگردی باعث این شود که دیگران نتوانند نجات پیدا کنند، موضوع بسیار جدی‌ای است. به عنوان یک تزکیه‌کننده، فقط می‌توانید موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، نمی‌توانید آنها را تباه کنید. در دنیای بشری، شما قادر هستید که به یک خدا تزکیه کنید، و در دنیای بشری شما قادر هستید که دیگران را تباه کنید. اینها چیزهایی با شدت یکسان هستند، بنابراین نمی‌توانید از اهمیت این غافل شوید. تا آنجا که به چیزهایی مربوط می‌شود که قبل از اینکه تزکیه را شروع کنید بدهکار بودید، آن چیزها جدا شده‌اند، و موضوع مجزایی هستند. بعد آنچه که در طی تزکیه انجام می‌دهید صرفاً عظیم است. اگر واقعاً باعث شوید که فردی تباه شود، غیرقابل نجات شود یا حتی قادر نباشد که به آینده راه یابد، آن وقت این مانع از این خواهد شد که هرگز یک خدا شوید. این قدر جدی است. بنابراین مطمئن مطمئن باشید که هیچ کاری مثل آن انجام نمی‌دهید.

البته، به چیزهایی که عمدی و غیرعمدی انجام می‌شوند می‌توان به طور متفاوت نگاه کرد، اما آیا ما برای موجودات ذی‌شعور به اینجا نیامدیم؟ وقتی که تأثیر منفی شما باعث صدمه‌ای جدی می‌شود، افکار صالح شما برای نجات موجودات ذی‌شعور چه شدند؟ چگونه توانستید در نظر نگیرید که دیگران چه احساسی ممکن است پیدا کنند؟ آیا تزکیه نمی‌کنید که یک موجود



روشن‌بین صالح از یک فای صالح شوید، موجودی که علایق دیگران را پیش از علایق خودش قرار می‌دهد و اول ملاحظه دیگران را می‌کند؟ وقتی با دیگران تضادهایی دارید روی شاگردان جدیدتر تأثیر می‌گذارد، پس چرا آن را جلوی شاگردان جدیدتر انجام دادید؟ آیا خودمحمور و بی‌اعتنا به دیگران نبودید؟ مطمئناً ممکن است که غیرعمدی بوده، اما آیا به طور مؤثری شاگردان جدیدتر را دور نراند؟

باید وقتی به بسیاری از چیزها می‌رسد دقت بیشتری داشته باشید، و باید آنچه را که قبلاً به خوبی اداره نکردید جبران کنید. فکر نکنید که، "آن یک شاگرد جدید است، او آمد چون ما فا را اشاعه دادیم، و اگر نخواهد تمرین کند می‌تواند برود". به این صورت به آن نگاه نکنید. می‌دانید، تلاش‌های شما برای اشاعه فا صرفاً شرایط را مهیا می‌کند، در صورتی که اینکه او پذیرفته شود با استاد است. استاد است که واقعاً او را به داخل آورد، پس اگر شما کاری کنید که او رانده شود چیز کوچکی نیست. بعلاوه، یکبار که فردی دافا را یاد گرفته باشد، او یک شاگرد دافا/است، و خیلی چیزها باید برای او انجام شوند. وقتی خیلی چیزها برای او انجام می‌شوند و با این حال او تمرین را متوقف می‌کند، آن وقت هیچ تصویری از پیامدهای پیش رو دارید؟

مرید: اگر شکنجه و آزار نیروهای کهن اتفاق نیفتاده بود، مسیر(های) تزکیه‌ای که در آغاز برای ما نظم و ترتیب دادید به چه صورت می‌بودند؟

**معلم:** امور گذشته‌اند و وضعیت تغییر کرده است، پس چرا درباره آن سوال کرد؟

مرید: با افکار درست و اعمال درست‌مان، آیا قادر خواهیم بود که قبل از آنکه فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند شکنجه و آزار را خاتمه دهیم؟

**معلم:** حقیقت این است که، مریدان دافا، در پشتیبانی از اصلاح فا، افکار درست و اعمال درست شما همین حالا نیز شکنجه و آزار را به پایانش نزدیک‌تر کرده است. (تشویق) درباره‌اش فکر کنید، اکنون موجودات شیطانی به میزان قابل توجهی سست شده‌اند. اگر شما قوی نبودید، اگر به خوبی عمل نکرده بودید، چرا با شما سستی می‌کردند؟ وقتی بعضی شاگردان در دست آنها می‌افتند، افراد پلید دیگر جرئت نمی‌کنند که آنها را به‌طور بسیار بدی شکنجه و آزار کنند. چرا جرئت نمی‌کنند؟ آیا علتش این نیست که می‌ترسند مریدان دافا در آینده عدالت را در مورد آنها اجرا کنند؟ آیا علتش این نیست که آن شرورانی که مریدان دافا را شکنجه کرده‌اند به هر جا هم که بکوشند فرار کنند، سرانجام گیر خواهند افتاد؟ اگر در طی این شکنجه و آزار، مریدان دافا همگی به سکوت افتاده بودند و از روی ضعف ناپدید شده بودند، آن وقت آیا شیطان می‌ترسید؟ [درباره شرارت کردن] تأملی نمی‌کردند. چیزهایی که در حال انجامشان هستید امروز می‌توانند شیطان را شوکه و وحشت‌زده کنند، می‌توانند به‌طور عظیمی شیطان را کاهش دهند و آن را بازدارند، می‌توانند شیطان را به وحشت انداخته و مانع از این شوند که توان ادامه شکنجه و آزار را داشته باشد، و نهایتاً می‌توانند این شکنجه شیطان را وادارند که کاری جز پایان یافتن از دستش بر نیاید. این چیزی است که مریدان دافا در این زمان قبل از اینکه فا دنیای بشری را اصلاح کند در حال انجامش هستند، و با عظمت است.

مرید: بعضی شاگردان در مطالعه یا تمرینات گروهی شرکت نمی‌کنند. آیا آن شاگردان در خطر هستند؟ چگونه می‌توانیم به آنها کمک کنیم که از ترسشان خلاص شوند؟

**معلم:** فکر می‌کنم که در رابطه با شاگردان جدیدتر، نباید خیلی شتاب کنید. برای آنها بی‌اشکال است که به کمی وقت نیاز داشته باشند. اما باید بهترین سعی خود را انجام دهید که به آنها توصیه کنید در جلسات مطالعه گروهی شرکت کنند، چراکه محیط مطالعه گروهی برای کمک شما به همدیگر برای رشد واجب است، ضروری است. چرا، در آن آغاز، از افراد خواستم که آنها را برگزار کنند؟ زیرا شکل تزکیه‌ای که این فا پیش می‌گیرد لازم می‌دارد که آن به این صورت انجام شود. چرا مردم در گذشته مجبور بودند برای تزکیه جهان دنیوی را ترک کنند؟ آنها می‌دانستند که مشکلی وجود دارد: وقتی که به جهان دنیوی

برمی‌گشتند و با مردم عادی تعامل برقرار می‌کردند، مثل مردم عادی می‌شدند و نمی‌توانستند کوشا بمانند. علاوه بر این، آنها روح‌های کمکی‌شان را تزکیه می‌کردند. برای همین بود که جهان دنیوی را ترک می‌کردند و با هم گروه تشکیل می‌دادند. تزکیه‌کنندگان می‌توانستند به هم کمک کنند که رشد کنند و ببینند که در مقایسه با دیگران چگونه هستند، آنها همیشه چیزهایی برای مطرح کردن داشتند که مختص تزکیه‌کنندگان بودند، و آنها یک محیط تزکیه‌کنندگان را شکل می‌دادند.

بدون آن محیط، آن وقت... درباره‌اش فکر کنید، همین در مورد مریدان دافای امروز نیز صدق می‌کند: وقتی که شما به آن بیرون در اجتماع عادی برمی‌گردید، در محیط اجتماع عادی هستید. اگر وقت را [برای تزکیه] غنیمت بشمارید، آن وقت امروز ممکن است احساس کنید که مایل به خواندن [و مطالعه] هستید و بنابراین کمی بخوانید، اما فردا ممکن است دچار تنبلی شوید و کمتر بخوانید... بنابراین بدون آن محیط، سخت است که کوشا ماند. هرچه باشد، انسان‌ها هستند که دارند تزکیه می‌کنند. بنابراین با تنبلی بشری و انواع و اقسام مزاحمت‌هایی که در این دنیا روی مردم تأثیر می‌گذارد، برای شما خیلی سخت است که خودتان ببینید کجا کوتاهی دارید. و مخصوصاً، اگر علاوه بر آن کوشا نباشید، کتاب را بسیار نخوانید، یا فا را خیلی خوب درک نکنید، اصلاً قادر به دیدن وابستگی‌هایتان نخواهید بود. برای همین است که باید در مطالعه و تمرینات گروهی شرکت کنید.

در حال حاضر در زمانی هستیم که شکنجه و آزار در حال روی دادن است، بنابراین همه نوعی از دلایل وجود دارد که چرا شاگردان نمی‌توانند، یا به طور مکرر نمی‌توانند، تمرینات را به صورت گروهی انجام دهند. در آینده شما قطعاً تمرینات گروهی خواهید داشت. در خارج از سرزمین اصلی چین خیلی از شاگردان باسابقه، با انجام کارهای بسیار زیادی برای اعتباربخشی به فا مشغول هستند. اما، به خاطر شاگردان جدیدتر، شاگردان باسابقه باید محیطی برای آنها بسازند تا بتوانند با هم فا را مطالعه کرده و تمرینات را انجام دهند.

مرید: (پرسش ترجمه‌شده) من یک شاگرد غربی هستم. معلم ارجمند، آیا لطفاً می‌شود برای ترغیب شاگردان غربی بیشتر که قدم پیش بگذارند چیزی بگویید؟ بسیاری از پروژه‌های دافا در حال حاضر به شاگردان انگلیسی‌زبان نیاز دارند.

**معلم:** این درست است که آنها باید کوشا باشند. به این فکر می‌کرده‌ام که /پک تایمز/ چینی، روزنامه‌ای که توسط مریدان دافا اداره می‌شود، تأثیر نسبتاً بزرگی در جامعه چینی‌ها داشته است. در واقع، روزنامه /پک تایمز/ همین حالا نیز بزرگترین رسانه در دنیا است؛ کشورهای بسیاری را پوشش می‌دهد، شامل کل ایالات متحده. من آن را حتی در شهرهای کوچک در ایالات متحده دیده‌ام. ناحیه خیلی وسیعی را پوشش می‌دهد، و علاوه بر این نسخه اینترنتی وجود دارد. اما، با اینکه این را گفتیم، آن فقط با افراد چینی تماس برقرار می‌کند. ورای سرزمین اصلی چین، [در] جریان اصلی واقعی اجتماع، بخش عمده جامعه... برای مثال، ایالات متحده یک اجتماع انگلیسی‌زبان است، و آن زبان چیزی است که بیشتر مردم صحبت می‌کنند. پس چگونه می‌توانیم نشریه‌ای نداشته باشیم که حقیقت را برای آنها روشن می‌کند؟ برای تکیه کردن صرف بر روشنگری حقیقت به صورت شفاهی، محدودیت‌هایی وجود دارد. و حتی اگر آن شدنی بود، هنوز باید هر اندازه که می‌توانیم سعی نماییم که بعضی راه‌های دیگر را اضافه کنیم تا بهتر به مردم کمک کنیم حقیقت را ببینند. آیا این بهتر نمی‌بود؟ بنابراین به این فکر می‌کرده‌ام که هر زمان که نسخه انگلیسی /پک تایمز/ که شما در حال اداره آن هستید واقعاً بتواند راه بیفتد، عالی‌ترین چیز خواهد بود. و در اصل، همین برای کشورهای دیگر نیز صدق می‌کند. (تشویق)

خیلی از رسانه‌ها در جریان اصلی اجتماع با چین روابط تجاری دارند، و بعضی از مدیران و سردبیران حتی توسط باند پلید تبه‌کاران چین خریداری شده‌اند. در این روزگار و دوران، چنین شکنجه و آزار شدیدی در حال وقوع است—چنین چیز قابل توجهی—با این حال جامعه بین‌المللی چشم خود را بر روی آن می‌بندد. آیا عجیب نیست؟ آیا این قابل قبول است؟ یک جرم است! آن باند تبه‌کاران صرفاً بسیار شرور است. اگر مریدان دافا حضور رسانه‌ای محلی داشته باشند، این ممکن است که این مسائل را حل کند. اما اگر این رسانه‌ها [که در آنها درگیر هستیم] بخواهند به تأثیر خوبی برسند، لازم است که چالش‌های منابع انسانی و مادی را برطرف کنند، که یعنی اینکه لازم است کارمندان خود را افزایش دهند. بنابراین از این نقطه نظر، تعداد شاگردان غربی که در حال حاضر درگیر هستند واقعاً نیاز را برآورده نمی‌سازد. شاگردان درگیر نیز درباره این نگران هستند.

البته، همه چیز رفته رفته بهتر خواهد شد. شاگردان جدیدی خواهند بود که درگیر خواهند شد؛ شاگردان جدیدی خواهند بود که به مرور زمان فا را درک خواهند کرد و درگیر می‌شوند. همه چیز بهتر خواهد شد. وضعیت در رابطه با روزنامهٔ چینی‌زبان نیز قبلاً به این صورت بود. آنها از دست‌تنها بودن به داشتن افراد بیشتر، از ندانستن اینکه چه باید کنند به دانستن، از آشنا نبودن با آن به آشنا شدن، و از بی‌تجربه بودن به سرانجام ورزیده شدن گذر کرده‌اند. بنابراین فکر می‌کنم که وقتی به شاگردان جدیدی می‌رسد که می‌توانند خود را بر طبق فا تزکیه کنند، می‌توانید آنها را در کارهای بیشتری درگیر کنید. اما اگر آنها هنوز نمی‌توانند چیزها را از فای بفهمند، آن وقت واقعاً نمی‌توانید آنها را درگیر کنید، زیرا بسیاری از چیزها را درک نخواهند کرد و هنوز متوجه نیستند که ما آن افرادی هستیم که باید کارهایی انجام دهیم تا به فا اعتبار ببخشیم. این راه دیگری برای نجات موجودات ذی‌شعور است، بنابراین اگر ما آن را انجام ندهیم، چه کسی انجام خواهد داد؟

وقتی شاگرد جدیدی درک نکند، ممکن است حتی به طور منفی او را تحت تأثیر قرار دهد یا او را تباه کند. بنابراین باید آن جنبه از چیزها را در نظر بگیرید. بگذارید بدانند که چیزهایی که در حال انجامش هستیم موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهد، واقعیت‌ها را روشن می‌کند، و شکنجه و آزار را افشا می‌کند. فکر می‌کنم که هر شاگرد باسابقه‌ای نیز زمانی یک شاگرد جدید بوده است. به تدریج این شاگردان جدید نیز پخته خواهند شد.

*مرید: هر بار که از میان محنت‌ها یا آزمایش‌ها گذشته‌ام، وابستگی‌های کثیفی را پیدا کرده‌ام که از خودخواهی می‌آیند. اکنون برای مدت طولانی‌ای است که تزکیه کرده‌ام اما هنوز آن را به طور کامل خارج نکرده‌ام، در حالی که اصلاح فا در حال نزدیک شدن به پایان است...*

**معلم:** درباره‌اش دلوپس نباشید. خارج کردن آن چیزها لایه به لایه انجام می‌شود، و برای همین است که آنها ظاهر می‌شوند. وقتی به چیزهای معینی می‌رسد، اگر واقعاً نتوانید آنها را انجام دهید، استاد آنها را برای شما انجام خواهد داد.

اجتماع عادی صرفاً یک خمرهٔ بزرگ رنگ است، و لحظه‌ای که حفاظ خود را پایین می‌آورد توسط آن دچار خوردگی می‌شوید. بنابراین باید بی‌وقفه تزکیه کنید و در برابر آلوده شدن ایستادگی کنید. به محض اینکه شل شوید به سراغتان می‌آید. شما تزکیه‌کننده هستید، و استاد گذاشته است که چیزهایی که به شما اجازه می‌دهد در بین افراد عادی تزکیه کنید را نگه دارید. این یکی از دلایل [پشت چیزی که توصیف کردید] است—آن به این منظور است که بتوانید در تزکیه‌تان تا حد ممکن با روش اجتماع عادی مطابقت داشته باشید. ولی وقتی کوشا نیستید، آن چیزهای بشری شما مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. اما به عنوان تزکیه‌کننده همگی قادرید که پیوسته خودتان را اصلاح کنید و پیوسته از طریق تزکیه‌تان از چیزهای بد خلاص شوید. به هر حال، ممکن است که هنوز مقداری باقی داشته باشید. ولی فکر نکنید که نتوانسته‌اید خوب تزکیه کنید، و حتی کمتر اینطور است که باید بگذارید که [بر ذهنتان] سنگینی کند. آن وقت یک وابستگی می‌شد. وقتی [چیزهای بد] وجود دارند، صرفاً آنها را خارج کنید. به شیوه‌ای با وقار و با اعتمادبه‌نفس تزکیه کنید، و نگذارید که آن چیزها اعمال‌تان را تحت تأثیر قرار دهند. وقتی آنها در افکارتان ظاهر می‌شوند به موقع آنها را از بین ببرید.

*مرید: همان‌طور که زمان اصلاح فا به سرعت به پیش حرکت می‌کند، [نگران این هستم که] هنوز واقعاً سخت است که حقیقت را برای خانواده‌ام روشن کنم. برایم سخت است که دریابم چگونه باید به روشنگری حقیقت برای آنها بپردازم.*

**معلم:** بعضی از شاگردان روشن کردن حقیقت برای خانواده‌شان را واقعاً سخت می‌یابند. فکر می‌کنم که بیشتر در حقیقت به خاطر این است که هنوز آنها را به صورت افرادی در خانواده‌تان می‌بینید و با آنها به صورت متفاوتی نسبت به مردم دنیای بیرون رفتار می‌کنید. باید به یاد داشته باشید که آنها نیز موجودات ذی‌شعور در دنیای بشری هستند، به جای آنکه اول دربارهٔ آنها به صورت خانواده‌تان فکر کنید. و باید دریابید که چه چیزی در ذهنتان حل و فصل نشده است. یکبار که آن چیزها را حل کنید همه چیز می‌تواند حل و فصل شود. در شرایط عادی وقتی حقیقت را روشن می‌کنید، به این فکر نکنید که کاری کنید مردم فوراً فا را یاد بگیرند، و نتایج بهتر خواهند بود.

مرید: اگرچه پی می‌برم که ما همگی بسیار خوشبخت هستیم، اما بعضی اوقات احساس ناشاد بودن به من دست می‌دهد. آیا لطفاً می‌شود به من بگویید که این به خاطر آن بخش من که به طور کامل تزکیه نشده است اتفاق می‌افتد، یا نتیجه رفع کارما است، یعنی، [در نتیجه‌ی] کارما؟

**معلم:** در اصل، ناشاد شدن طبیعی است. شاگردان جدیدتر پنداشت‌های بسیاری در دنیای بشری شکل داده‌اند، و پنداشت‌های آنان چیزها را به طور متفاوتی درک و ملاحظه می‌کنند. ممکن است چیزی را خوب ببیند، چیز دیگری را بد، و غیره—مردم حس‌هایی نظیر این دارند. آنها واکنش نشان دادن پنداشت‌های بشری هستند. پنداشت‌هایتان نمی‌توانند به محض اینکه شروع به تزکیه می‌کنید همگی یکدفعه خارج شوند، بنابراین واکنش‌های بر اساس پنداشت‌ها، بر روی احساسات‌تان تأثیر خواهد گذاشت، و شما را در یک حال بد یا شاد قرار خواهد داد.

اینها چیزهایی هستند که در تزکیه‌تان اتفاق می‌افتند. رفته رفته درکتان از فاشافت‌تر و شفاف‌تر خواهد شد، افکار درست‌تان قوی‌تر و قوی‌تر خواهد شد، با نیک‌خواهی و رحمت بیشتر و بیشتری به موجودات ذی‌شعور نگاه خواهید کرد، و چیزها فرق خواهند کرد.

مرید: حالا که جوآن فالون جدید بیرون آمده است، با آنهایی که حروف [چینی] تصحیح‌نشده در خود دارند، یعنی جوآن فالون قدیمی، چه باید بکنیم؟ آیا باید به استفاده از آنها ادامه دهیم؟

**معلم:** آن، "کتاب" است، فا است، و فقط برای چند کلمه... آیا نمی‌توانید صرفاً حروف را اصلاح کنید؟ حرفم درست است؟ نمی‌توانید بروید و کاری را انجام دهید که نباید انجام دهید، درست است؟

مرید: فرهنگ چینی پنج هزار ساله ترکیبی از فرهنگ‌های بدن‌های کیهانی مختلف در کیهان است. پس آیا فرهنگ‌های غرب نیز فرهنگ‌های بدن‌های کیهانی از زمان‌های قبل است؟ آیا آنها با اشاعه دافا در ارتباط هستند؟

**معلم:** خدایان غرب غربی‌ها را خلق کردند. خواه آن آسیایی‌ها باشند یا قومیت‌های دیگر، همگی توسط خدایان مختلف خلق شدند، بنابراین آنها قطعاً مشخصات آن سیستم‌ها را همراه خود دارند. در خصوص فرهنگ، باید بگویید که خدایان فرهنگ‌های انسان‌ها را برایشان خلق کردند، به جای اینکه بگویید آن فرهنگ‌ها، فرهنگ‌های آسمان‌ها هستند. اگر می‌گویید که آسمان‌خراش‌ها در منهن همانند آنها می‌اند که در آسمان‌ها هستند، حقیقت ندارد، چراکه آنها را علم مدرن به همراه آورده است، و علم مدرن توسط موجودات فضایی به همراه آورده شد. بله، فرهنگ‌های سلسله‌های مختلف چین مشخصات پادشاهی‌های آسمانی که برای شکل دادن پیوندهای کارمایی آمدند را با خود به همراه داشتند. اما، خدایان با اهداف مشخصی که در ذهن داشتند معین کردند که چه چیزی در این مکان بشری به جا گذاشته می‌شد، چراکه تاریخ بشری در حال گذاشتن بنیان برای اصلاح فا بود. فرهنگ غرب یک فرهنگ سطحی است که در حالی که انسان‌ها زندگی می‌کردند و در انتظار اصلاح فا بودند برای آنها خلق شد.

مرید: بازگشتن به جن-شن-رن به نظرم بسیار سخت می‌رسد. استاد، آیا لطفاً ممکن است به من بگویید که معنی اینکه واقعاً وابستگی‌ها را در سطحی بنیادی خارج کرد چیست؟

**معلم:** شما یک شاگرد جدید هستید، پس نگران نباشید. رفته رفته در طی روند تزکیه‌تان به درک و فهم چیزهای زیادی خواهید رسید. بهترین رویکرد این است که کتاب(ها) را خیلی بخوانید—باید کتاب(ها) را به‌طور مکرر بخوانید. چیزی که استاد به شما می‌گوید مطلقاً برای شما خوب است.

شما دیدید که در ظرف فقط چند سال از ارائه‌ی فایم در سرزمین اصلی چین، ۱۰۰ میلیون نفر آمدند تا آن را یاد بگیرند. از زمان ترک چین، به‌طور مستقیم تمرینات یا فا را آموزش نداده‌ام، و شاگردان بوده‌اند که در حال انتقال آن، برگزاری سمینارهای

نه‌روزه، و گفتن به دیگران دربارهٔ این فا بوده‌اند. اگرچه نیروهای کهن در حال کنترل چیزهای معینی بوده‌اند، اما قادر نبوده‌اند سد راه آن شوند، و افراد بسیاری هنوز آمده‌اند که آن را یاد بگیرند. چرا اینطور است؟ زیرا این فا واقعاً می‌تواند تزکیهٔ افراد را هدایت کند، واقعاً می‌تواند به مردم کمک کند که رشد کنند، و واقعاً می‌تواند وضعیت یک موجود را تغییر دهد. شیطان در سرزمین اصلی چین در حال انجام چنین شکنجهٔ شدیدی بوده است، و فشار شیطان که مریدان دافا در جامعهٔ بین‌المللی احساس می‌کنند نیز عظیم بوده است. پس چرا آنها قادر بوده‌اند که در مقابل شیطان مقاومت کنند و با موفقیت بیرون بیایند؟ علتش این است که به شناخت این فا رسیده‌اند و واقعاً از طریق این فا و از طریق تزکیه‌شان خود را رشد داده‌اند. البته واقع‌بینانه نیست که بخواهیم فوراً به یک درک خیلی سطح بالا برسیم. اما، رفته رفته با مطالعهٔ فا به فهم همه چیز خواهید رسید.

تا آنجا که به وابستگی‌ها مربوط می‌شود، اگر امروز استاد به شما می‌گفت که از این یا آن وابستگی خلاص شوید، آن چیزی تحمیل شده می‌بود، و هر تمایلی برای خلاصی از آن قلب شما نیامده بود. و همان‌طور که زمان سپری می‌شد، بعد از اینکه استاد تعداد زیادی از آن چیزها را گفته بود وقتی که دیگر نمی‌توانستید آن را تحمل کنید، آزرده می‌شدید و فکر می‌کردید، "چرا باید این کار را بکنم؟" اما وقتی که چیزها را از اصول فا متوجه شده باشید و تأثیری را که انجام آن ممکن است بر روی هستی‌تان داشته باشد درک کرده باشید، فقط آن وقت واقعاً رشد کرده‌اید، و فقط آن وقت واقعاً قادرید که آن را انجام دهید. هیچ بازداری خارجی، از اراده و خواست خود شما یا از رشد واقعی در سمت شما نمی‌آید. بازداری‌ها و اعمال زور هرگز نمی‌توانند فردی را تغییر دهند یا باعث شوند که او رشد کند. و وقتی بازداری‌ها از میان بروند، آن فرد به آن صورتی که قبلاً بود برخورد گشت، بنابراین این عملی نیست.

*مرید: از زمانی که سرکوب در سال ۱۹۹۹ آغاز شد، بعضی شاگردانی که از اردوگاه‌های کار اجباری خارج شده‌اند رفته‌اند که بودیسم را تمرین کنند. حقیقت این است که همگی آنها ترسیده بودند.*

**معلم:** فکر می‌کنم که اگر مملو از ترس باشند، مهم نیست به کجا می‌روند واقعاً در حال تزکیه نخواهند بود، و قادر نخواهند بود به کمال برسند. وقتی وارد بودیسم شوند خواهند دید که به چه صورت است. در مقایسه با شاگردانی که خود را به خوبی اداره کرده‌اند، آنها، البته، ضعیف عمل کرده‌اند. وقتی که دافا به آنها نفع رساند آمدند، اما وقتی دافا شکنجه و آزار شد فرار کردند. منفعت‌ها را جمع کردند، اما هنگامی که ما در حال ایستادگی در برابر شکنجه و آزار هستیم، [به حمایت] از دافا چیزی نمی‌گویند و نمی‌خواهند که به دافا اعتبار ببخشند. به چشم خدایان این نوع موجود بدترین است. تا آنجا که به این مربوط می‌شود که در خصوص تزکیه به آنها چه گفت، تمام کاری که می‌توانید انجام دهید این است که به آنها پیشنهاد کنید که آنچه را که برایشان خوب است انجام دهند؛ روش ویژه‌ای وجود ندارد. آنچه یک فرد می‌خواهد به خودش بستگی دارد.

*مرید: خاورمیانه پیوسته دچار جنگ بوده است، و مردم آنجا فرصتی برای کسب فا ندارند. می‌شود لطفاً به ما بگویید که مریدان دافا چگونه باید فا را در آن منطقه پخش کنند؟*

**معلم:** واقعاً هم سخت است. تمامش کار نیروهای کهن است.

حکومت ایالات متحده می‌داند که شکنجه و آزار شاگردان فالون گونگ خیلی شدید بوده است. ایالات متحده بر اساس آزادی عقیده پایه‌گذاری شد و آنها از حقوق بشر طرفداری می‌کنند. اولین مهاجران به ایالات متحده پیوریتن‌ها بودند، که برای آزادی عقیده به این سرزمین آمدند. شکنجه و آزار مریدان دافا مستقیماً درگیر بنیادی‌ترین علایق ایالات متحده و اصول پایه‌گذاری‌اش می‌شود، اما چرا دولت ایالات متحده درگیر نشده است؟ اگر بخواهیم که وضعیت‌شان را درک کرده باشیم، می‌گوییم به خاطر این است که نیروهای کهن در حال مشکل درست کردن در خاورمیانه بوده‌اند، که ایالات متحده را گرفتار و مشغول کرده است و مانع از این شده است که انرژی لازم برای تمرکز بر چین و انجام کاری دربارهٔ شکنجه و آزار مریدان دافا داشته باشد.

اگر هم‌اکنون گرفتار موضوع تروریست‌ها نبود، معتقدم که دولت ایالات متحده قطعاً تحمل نمی‌کرد که در دنیای امروز شرارتی نظیر این قدر لگام‌گسیخته باشد. علتش این است که نقش ایالات متحده در دنیا برقرار داشتن نظم است—در اصل پلیس بین‌المللی است. چرا خدایان آن را خیلی قدرتمند و ثروتمند ساختند؟ خدایان می‌خواستند که آن نقش را در دنیا ایفا کند. چین صحنه اصلی در این نمایش بشریت است، مکانی است که نمایش اصلی به اجرا در می‌آید. اما کسی باید نظم را در سالن نمایش برقرار نگه دارد—نمی‌توانید بگذارید آشفته شود، درست است؟ بنابراین حقیقت امر این است که خدایان واقعاً می‌خواهند که ایالات متحده آن کار را انجام دهد. ح‌ک‌چ همیشه ایالات متحده را سرزنش می‌کند که "پلیس بین‌المللی" است. خوب، آن پلیس بین‌المللی هست، و خدایان می‌خواهند که باشد. اگر حکومت ایالات متحده واقعاً به آن مسئولیت عمل نکند و آن نقش را ایفا نکند، آن وقت خدایان نخواهند گذاشت که خیلی قوی یا ثروتمند باشد. اینطور نیست که آمریکایی‌ها قرار است خاص باشند بلکه خدایان آن را به آن صورت نظم و ترتیب دادند. (معلم لبخند می‌زند)

مرید: من و بعضی از مریدان دافا در اطرافم اخیراً صاحب فرزند شده‌ایم. به نظر می‌رسد که دیگر به اندازه قبل زمان برای روشنگری حقیقت نداریم، و این قدری ما را آشفته می‌کند.

**معلم:** فکر نمی‌کنم که این مشکلی باشد. خیلی از مریدان دافا صاحب فرزند هستند. اگر کودک خیلی کم‌سن است، کاملاً بی‌اشکال است که وقت بیشتری را صرف مراقبت از کودک کنید. زمانی که وقت دارید می‌توانید برای روشنگری حقیقت کار انجام دهید، و زمانی که وقت کمی دارید می‌توانید اندکی در یک نقش کمکی عمل کنید، که آن هم خوب است. وقتی کودک بزرگ‌تر می‌شود و دست و بال‌تان باز می‌شود، آن وقت می‌توانید بیشتر انجام دهید، و خوب و بی‌اشکال است.

مرید: (پرسش ترجمه‌شده) وقتی نمایش‌های ضدشکنجه برگزار می‌کنیم، خیلی از افراد عادی در همان روز بارها رد می‌شوند و دیگر مطالب روشنگری حقیقت ما را گرفته‌اند، اما بعضی از هم‌تذکیه‌کنندگان چینی هنوز به سمت آنها رفته و مطالب را به دست آنها می‌دهند.

**معلم:** شاید آنها شاگردان مختلفی بودند و نمی‌دانستند که آن افراد قبل از آن مطالب را گرفته‌اند، بنابراین دوباره همان مطالب را به آنها دادند. باید به امور در این زمینه دقت کنید. همان‌طور که زمان می‌گذرد، وقتی بعضی افراد با شما آشنا شده‌اند و از حقیقت اطلاع یافته‌اند، اگر همان مطالبی را که قبلاً به آنها دادید به دستشان بدهید، این در اصل هدر دادن منابع است. با آن مثل طوری رفتار نکنید که افراد عادی وقتی مطالبی را توزیع می‌کنند رفتار می‌کنند، که وقتی همه چیز توزیع شده باشد کارتان به اتمام رسیده است. شما در حال نجات موجودات ذی‌شعورید. وگرنه برای چه اینجا [در نیویورک] هستید؟

مرید: شهر آتلانتا و سنای ایالت جورجیا تحت فشار هستند که یک کنسولگری چین در آنها تأسیس شود. آیا این اتفاق برای این می‌افتد که روشنگری حقیقت ما به اندازه کافی قدرتمند نبوده است، یا به علت مداخله نیروهای کهن است؟

**معلم:** آنها می‌توانند هر چه که بخواهند بسازند، اهمیتی ندارد. اینکه یک کنسولگری تأسیس کنند یا نه ارتباطی به ما ندارد. و چه کسی می‌داند که آن در آینده کنسولگری چه کسی خواهد بود. (حضار آرام می‌خندند) واقعاً، ما نگران امور افراد عادی نیستیم. صرفاً تزکیه‌کننده هستیم. نگاه کنید که چین اکنون چطور است. ح‌ک‌چ این بار واقعاً بر دهانه آتش‌فشانی نشسته است، و روی لبه تلوتلو می‌خورد. در ظاهر پرزرق و برق و بلندپرواز به نظر می‌رسد اما هم‌اکنون دیگر وراى درمان است. لباس‌هایش در ظاهر مسحورکننده هستند، اما در درون تماماً پوسیده است.

مرید: در حال حاضر اصلاح فا در نیویورک به چه مرحله‌ای رسیده است؟

**معلم:** مرحله‌ای وجود ندارد. صرفاً حقیقت را روشن کنید، با گفتن [واقعیت‌ها] به مردم به آنها کمک کنید که درک کنند، و به دنیا کمک کنید که از حقیقت آگاه شوند. چیزی که در اصل می‌خواهید بدانید این است که وضعیت کلی اکنون چگونه است. در واقع، از آن زمانی که شما به این شکل شروع به روشنگری حقیقت کردید، بسیاری از افرادی که در شهر نیویورک زندگی می‌کنند به درک حقیقت رسیده‌اند. در واقع، بیشتر از نیمی از آنها. آنها چیزها را به سرعت درک کردند. اما آنهایی که در نیویورک فقط کار می‌کنند و در اینجا زندگی نمی‌کنند فقط شامل قسمت کوچکی از آنها می‌شوند. وضعیت امور این است.

مرید: به خاطر ملاحظات امنیتی، بعضی چیزها هستند که می‌خواهیم آنها را محرمانه نگه داریم. اما زیاد جلو رفتن در این خصوص، محل تبادلات و ارتباطات بین شاگردان می‌شود و شوق آنها را از بین می‌برد. چگونه می‌توانیم این را بهتر اداره کنیم؟

**معلم:** تزکیه‌کنندگان، می‌دانید، در حال انجام هر کاری هم که باشند لازم است دربارهٔ دیگران فکر کنند، و حتی بیشتر اینطور است که باید دربارهٔ دافا فکر کنند. بنابراین وقتی فردی چیزی را برای شما فاش نمی‌کند ناراحت نشوید. بعضی پروژه‌ها نمی‌توانند در جلسات بزرگ مورد بحث قرار گیرند، نمی‌توانند برای همه آشکار شوند. وقتی شمار بیشتری از افراد دربارهٔ چنان پروژه‌ای بدانند، افراد حفاظ خود را پایین می‌آورند. یک نفر درباره‌اش صحبت می‌کند، و یک نفر دیگر درباره‌اش صحبت می‌کند، و قبل از اینکه خبردار شوید آن مأموران مخفی باند تبه‌کاران چین نیز درباره‌اش می‌فهمند. روش‌های زیر نظر گرفتن و استراق سمع آنچه که انجام می‌دهید دارد لگام‌گسیخته می‌شود. خواه تلفن‌تان را روشن گذاشته باشید یا خاموش، آنها می‌توانند [از آن استفاده کنند تا] صدای شما را بشنوند. بنابراین به خاطر امنیت، بسیاری از چیزهایی که برای نجات موجودات ذی‌شعور انجام می‌دهید نمی‌توانند قبل از اینکه انجامشان دهید به طور گسترده آشکار شوند. این باید برای شما روشن باشد: لازم است که شاگردان را [وقتی که شما را در امور وارد نمی‌کنند] مجاز بدانید. آنها سعی ندارند چیزها را از شما پنهان کنند—سعی‌شان بر این است که آنها را بی‌سر و صدا نگه دارند. برای مثال، فرض کنیم که بخواهید برای روشنگری حقیقت یک نمایشگاه هنری برگزار کنید، و قبل از اینکه چیزها شروع شوند کنسولگری تماس تلفنی بگیرد تا گالری را بترساند، و بگوید، "اگر بگذارید آنها از گالری استفاده کنند، خوب است که حواس‌تان باشد: یک انفجار در راه است." هیچ حيله‌گری‌ای از آنها بعید نیست. بنابراین در خصوص بعضی چیزها ما نمی‌توانیم افراد زیادی را درگیر کنیم. به عنوان مریدان دافا باید هر شاگردی را درک کنید.

مرید: بعضی شاگردان مقدار بسیار زیادی کار انجام داده‌اند و برای دافا خیلی صرف می‌کنند، اما به هنگام انجام کار غالباً برآشفته می‌شوند. آیا فردی مثل آن می‌تواند به کمال تزکیه کند؟

**معلم:** فکر نمی‌کنم این روی چیزی به بزرگی کمال تأثیر بگذارد. او چرا برآشفته می‌شود؟ البته، اگر فقط موضوعی از عصبانی شدن است، آن وقت نمی‌توانیم نتیجه‌گیری کنیم که او ضعیف تزکیه کرده است. اما، برآشفته شدن شما واقعاً تأثیر بسیار بدی دارد. تأثیر روی شاگردان جدیدتر بسیار زیاد است. تقریباً برای فراری دادن افراد، کافی است. شما همگی هنوز در حال تزکیه هستید—هر چه باشد این انسان‌ها هستند که در حال تزکیه‌اند، نه خدایان—بنابراین [وقتی خشمگین می‌شوید] باعث ایجاد درک نادرستی می‌شوید و اختلال ایجاد می‌کنید. می‌توانید هر چقدر که بخواهید اختلاف نظر داشته باشید یا احساس به‌هم‌ریختگی کنید، اما هنوز لازم است که به‌روشی آرام، بر سر چیزها صحبت کنید. آیا مریدان دافای ما نباید ضربه یا توهین را برنگردانند، حتی در مواجهه با شیطان؟ آیا نباید بردبار باشید؟ صبورانه حقیقت را روشن کنید؟ پس وقتی که برآشفته می‌شوید، این به چه علت بود؟ چه چیزی برای یک تزکیه‌کننده هست که درباره‌اش عصبانی شود؟ و آیا نباید وقتی با تزکیه‌کنندگان دیگر هستید از آن حتی کمتر وجود داشته باشد؟ هر کسی هم که هستید، در حال تزکیه‌اید. چطور همیشه سر مریدان من عصبانی می‌شوید؟ آیا من اجازه دادم که با مریدانم اینطور رفتار کنید؟

مرید: به خاطر وابستگی‌های قوی‌ام، در زمان یک کنفرانس فاجعولانه از استاد چند عکس‌انداختم و آنها خیلی خوب در نیامدند. درک کرده‌ام که این کار عدم احترام نسبت به استاد بود.

**معلم:** خوب، به این دلیل است که به شما می‌گویم عکس نگیرید. لحظه‌ای که بعضی شاگردان مرا می‌بینند، "چیک چیک" چیک چیک"، شروع به عکس انداختن می‌کنند. من خیلی درباره‌ی این نگران نیستم، و برای من شخصاً مهم نیست که عکس‌ها خوب درنمایند. اما بعد از اینکه عکس می‌گیرید احساس خیلی خوبی درباره‌اش نخواهید داشت. صرفاً از حالا به بعد این را در ذهن داشته باشید. در مواردی مثل چیزی که توصیف کردم، وقتی اداره‌ی آن سخت است، صرفاً تمام عکس‌ها را به من بدهید و من به آنها رسیدگی می‌کنم.

**مرید:** (معلم: این یکی کلمات خیلی زیادی بر روی خود دارد.) در روشی که چینی‌ها و غربی‌ها مطالب روشنگری حقیقت را توزیع می‌کنند اختلاف‌هایی ظاهر می‌شود. برای مثال، شاگردان غربی ما همواره فلایرها را در دستشان نگه می‌دارند و آرام در گوشه‌ای می‌ایستند، و منتظر می‌مانند که مردم آنها را بگیرند. اما افراد خیلی کمی خودشان می‌آیند و آنها را می‌گیرند. از سوی دیگر، [در خصوص شاگردان چینی،] مخصوصاً آنهايي که از تایوان‌اند، همیشه مؤدبانه و با شوق، آنها را به دست آنان می‌دهند، و معمولاً می‌توانند تعداد زیادی از آنها را توزیع کنند. اما غالباً شاگردان غربی از آنها می‌خواهند که این کار را انجام ندهند، مخصوصاً وقتی که در نمایش‌های ضدشکنجه‌مان حقیقت را روشن می‌کنیم. به دلایل زیادی، امید داریم که شاگردان غربی بتوانند در روشنگری حقیقت فعال‌تر باشند و این احساس را نداشته باشند که باید منتظر افراد بمانند [که بیایند آنها را بگیرند].

**معلم:** حس من این است که شاگردان غربی‌مان مطمئناً آن نگرش را دارند، یعنی، احساس می‌کنند که از آنجا که جن، شن، رن را تزکیه می‌کنیم، باید مؤدب باشیم و به مردم، شن یک مرید دافا را نشان دهیم. این مطمئناً چیزی است که آنها دارند فکر می‌کنند، بنابراین به طور مستقیم سمت افراد نمی‌روند و ترجیح می‌دهند منتظر آنها بمانند که خودشان بیایند برگه‌ها را بگیرند. فکر نمی‌کنم هیچ اشتباهی در مورد این نگرش وجود داشته باشد، اما با اینکه این را می‌گویم، نجات مردم موضوعی واقعاً فوری است. مریدان دافا از آسایش خانه دست کشیده‌اند، کار و حرفه خود را فدا کرده‌اند، و به تمام انواع چالش‌ها غلبه کرده‌اند، و علاوه بر آن وضعیت مالی‌شان در مضيقه است. بنابراین آمدن به اینجا برای روشنگری حقیقت و نجات مردم واقعاً برایشان آسان نبوده است. بنابراین، از آنجا که این درباره‌ی نجات دادن مردم است، خوب است که اندکی فعال‌تر بود. اما باید مؤدب باشید.

هم اندکی مؤدب‌تر باشید و هم اندکی فعال‌تر. به این صورت مردم روگردان نخواهند شد و همچنین قادر خواهیم بود که مطالب را به آنها بدهیم—فکر می‌کنم که اینطور بهتر خواهد بود. اگر منتظر بمانید که افراد بیایند آنها را بگیرند، در حالی که احتمال دارد فکرتان روی نجات آن افراد باشد و [در ذهنتان] دارید به آنها می‌گویید که بیایند آن را بگیرند، اما وقتی که سمت بشری افراد قوی می‌شود، سمت آگاه قادر به ایفای نقش نخواهد بود. برای مثال، مردم در منهن همگی واقعاً سرشان شلوغ است. ذهن آنها ممکن است درگیر افکاری از پول درآوردن، رفتن به ملاقات با کسی، یا بستن یک نوع معامله باشد، و بنابراین با عجله رد می‌شوند. بنابراین در چینی که آنها در حال فکر کردن درباره‌ی چیزی هستند، آن فکری که بیرون می‌فرستید ممکن است باعث شود که سمت آگاه آنها بخواهد که بیاید و مطالب شما را بگیرد، اما سمت بشری آنها هنوز قوی است، و بنابراین ممکن است فرصت را از دست بدهند. پس، چیزی که فکر می‌کنم این است که عالی می‌شود اگر بتوانیم با آنها برخوردی مؤدبانه داشته باشیم و اندکی فعال‌تر باشیم.

می‌دانم که این رویکرد برای شاگردان غربی ما سخت است. آنها همیشه درباره‌ی اذیت کردن افراد، درباره‌ی اینکه فعالانه باعث اذیت آنها شد احساس بدی دارند. اما اینطور نیست. چیزی که باید در ذهن داشته باشید این است که شما دارید مردم را نجات می‌دهید، و امور به خوبی پیش خواهند رفت. (تشویق)

**مرید:** وقتی در منهن برای کارمندان در آسمان خراش‌ها حقیقت را روشن می‌کنیم، هنوز با موانع بسیاری روبرو می‌شویم. چگونه می‌توانیم در گذر از سد لایه‌های موانع و امتحان‌هایی که نیروهای کهن می‌چینند بهتر عمل کنیم، و به این ترتیب برای موجودات ذی‌شعور در آن ساختمان‌ها رهایی بیاوریم؟ آیا لطفاً ممکن است که استاد...



**معلم:** بله، در واقع وقتی برای روشنگری حقیقت به آن ساختمان‌ها می‌رویم، وارد شدن واقعاً سخت است، چراکه همه در آنجا مشغول کار هستند. درحالی که همه مشغول کارند، اگر به آنجا برویم که حقیقت را روشن کنیم، رییس آنها مطمئناً عصبانی می‌شود، و آن وقت درباره‌ی ما به طور بدی فکر می‌کنند. البته، منظور این نیست که همیشه به این صورت است. وقتی شرایط اجازه می‌دهد می‌توانیم انجامش دهیم. در خصوص کارمندان در آن شرکت‌ها، معمولاً سه نوبت از روز هست که می‌توانید با آنها تماس برقرار کنید. یکی وقتی است که به سر کار می‌روند، دیگری وقتی است که کارشان تمام می‌شود، و آن دیگری وقتی است که ناهار می‌خورند. بیشتر آنها برای ناهار پایین می‌آیند. بنابراین در آن سه زمان می‌توانیم انتخاب کنیم که تلاشی صرف کنیم تا با آنها تماس برقرار نماییم، و شاید نتایج بهتر شوند.

مرید: من مرید دافایی از پکن هستم. قبل از حرکت [برای ایالات متحده]، هم‌ترکیه‌کنندگانم به من گفتند که حتماً درودهایشان را به استاد برسانم. (**معلم:** متشکرم. تشکر از شاگردان پکنی.) (تشویق) با اینکه همه آنها این را حس می‌کنند که استاد پیوسته در کنار آنهاست، اما نمی‌توانند جلوی دلتنگی زیادشان برای استاد را بگیرند—فقط با آوردن نام استاد اشک‌هایشان سرازیر می‌شود. من در این دو روز گذشته به فعالیت‌هایی که توسط مریدان دافایی خارجی به اجرا درآمده است پیوسته‌ام، و آن را عمیقاً تکان‌دهنده یافتم. گرچه ما [در پکن] در قطب دیگر شیطان هستیم، اما از هنگامی که شکنجه و آزار برای مدت زیادی ادامه پیدا کرده است بعضی از هم‌ترکیه‌کنندگان دچار وضعیتی شده‌اند که یک روال مکانیکی و ماشینی‌وار را دنبال می‌کنند. مثل مریدان دافایی خارج نیست، که بسیار کوشایند و حس تعجیل را حفظ می‌کنند. در اینجا فرد واقعاً احساس می‌کند که سرعت امور بسیار بالاست و هر مرید دافا بسیار سخت کار می‌کند. می‌توانم فرق بین خودمان و مریدان دافایی خارج را احساس کنم. من قطعاً آنچه را که به‌شخصه در منتهن تجربه کرده‌ام و عظمت کنفرانس فای نیویورک را با خود برمی‌گردانم و با هم‌ترکیه‌کنندگان در چین مطرح می‌کنم. ما واقعاً لازم داریم که سرعت را بالا ببریم و همیشه کوشا باشیم. باشد که استاد آسوده‌خاطر باشند: ما این را به انجام می‌رسانیم، قطعاً این کار را می‌کنیم.

**معلم:** به شما ایمان دارم. (تشویق) در حقیقت شیطان آنجا در سرزمین اصلی چین توسط مریدان دافایی آنجا و اطراف دنیا که چیزهایی را که شما توصیف کردید انجام می‌دهند و چنان تلاش‌هایی می‌کنند کاملاً به وحشت افتاده است. این نقش بسیار زیادی در بازداشتن شکنجه و آزار داشته است، و مقادیر عظیمی از شیطان در امتداد راه نابود شده‌اند. بنابراین وقتی وضعیت مانند این است، اگر هنوز شاگردانی داشته باشیم که قدم پیش نمی‌گذارند و به خاطر ترسی که در دلشان است امور را انجام نمی‌دهند، آن وقت آنها واقعاً در حال از دست دادن فرصت‌شان هستند. بعضی افراد می‌گویند، "ما می‌دانیم که استاد خوب است و می‌دانیم که دافا خوب است. داریم [فا را] در خانه مطالعه می‌کنیم و تمرینات را در آنجا پنهانی انجام می‌دهیم". اما واقعیت این است که دافا به شما عرضه شده است، و آن داده شده است تا بتوانید تمام موجودات را نجات دهید، برای این است که شما تقوای عظیم حتی بزرگ‌تری بنا کنید و نسبت به تمام موجودات مسئول باشید. آیا این را قبلاً نگفته‌ام که: حیات‌های آینده چیزها را به خاطر دیگران انجام می‌دهند، نه به خاطر خودشان؟ این روند دقیقاً روندی است که در آن چنین کیفیت‌هایی در شما تکوین می‌یابد، بنابراین نمی‌توانید فقط درباره‌ی خودتان فکر کنید. چه چیزی است که از آن می‌ترسید؟ گویا از همه چیز. بله، وقتی چنان شکنجه و آزار بی‌رحمانه‌ای در جریان است، من این را هم نمی‌خواهم ببینم که شاگردان دچار شکنجه و آزار می‌شوند. اما وضعیت کنونی به تدریج در حال تغییر است، و این یعنی که باید حتی بهتر عمل کنیم. در واقع، در خصوص شاگردانی که در تمام مدت بسیار خوب عمل کرده‌اند، آیا آنها مجبور نبودند که شکنجه و آزار شدید و بی‌رحمانه را بگذرانند؟

پس امید من این است که شاگردان در سرزمین اصلی چین واقعاً بتوانند از شاگردان خارج از چین یاد بگیرند و همانند آنها عمل کنند. برای اینکه شکنجه و آزار شما توسط شیطان را کاهش دهند، ببینید که دارند چه کار می‌کنند. خیلی سخت کار کرده‌اند. بعضی‌ها روزهای متمادی بسیار کم می‌خوانند، هر شخص در حال انجام کارهای زیادی است، و همگی دارند پروژه‌های بسیاری را به دوش می‌گیرند. و من فقط درباره‌ی یک تعداد کم از آنها صحبت نمی‌کنم—اکثریت آنهاست، و آنها واقعاً دارند سخت کار می‌کنند. بنابراین با این، وقتی که ما چیزها را مقایسه می‌کنیم، هرچند محیط آنها آسوده و راحت است، به عنوان مریدان دافا، آن

هنوز دربارهٔ کوشا بودن است. اگر تحت شرایط بسیار خشن نتوانستید امور را انجام دهید یا نتوانستید آنها را به خوبی انجام دهید، شاید آن واقعاً حاصل شرایط بود. اما حالا امور تغییر کرده‌اند و باید قدم پیش بگذارید و به خوبی عمل کنید.

قبلاً، وقتی شیطان بسیار زیادی به این پایین فشرده شد، سه قلمرو از آن اشباع شده بود، و آن هوا را پر کرد. نفسی می‌کشیدید و آن به درون شکم شما کشیده می‌شد—این اندازه وجود داشت. شیطان همه جا بود، و هر چیز کوچکی زیر تسلط آن شیطان بود. علف‌ها به شما پشت پا می‌زدند، و شاخه‌ها به صورت‌تان شلاق می‌زدند. وقتی از کنار دیواری رد می‌شدید به سرتان ضربه می‌زد. تمام آن برایتان طبیعی به نظر می‌رسید، اما اینطور نبود—به این میزان شیطانی بود. حالا آن شیطان پاکسازی شده است و محیط اطراف ما مدام آسوده‌تر و آسان‌تر می‌شود. در خیلی از نواحی، شیطان همین که مریدان دافا را می‌بیند پا به فرار می‌گذارد. کمترین جرئت نمی‌کند که به آن نواحی سری بزند، چرا که مریدان دافای آنجا به خوبی عمل کرده‌اند. پس با وجود این همه مرید دافا اینجا در منهن، چرا شیطان جرئت می‌کند به اینجا بیاید؟ علتش این است که عناصر نیروهای کهن دارند شیطان را—درست مثل جاروب کردن آشغال—به اینجا می‌رانند، آن را به اینجا جاروب می‌کنند، و در اینجا جمع می‌کنند، تا مریدان دافا و انبوه خدایان بتوانند آن را از بین ببرند. وگرنه شیطان مطلقاً جرئت نمی‌کند که در حال حاضر به اینجا بیاید.

حالا وقتی به سرزمین اصلی چین نگاه می‌کنید، با بودن محیط به صورتی که اکنون هست، اگر بعضی شاگردان هنوز قدم پیش نگذارند، آن وقت در شرف این‌اند که واقعاً فرصت خود را از دست بدهند. البته، خیلی از شاگردان در آنجا عالی کار کرده‌اند، و در تمام مدت در حال انجام امور بوده‌اند. این واقعاً با عظمت است.

*مرید: افراد دربارهٔ فرستادن افکار درست در کنسولگری درک‌های مختلفی دارند. بعضی افراد معتقدند که اگر بعد از هر تمرین افکار درست بفرستیم، شیطان حتی فرصت نخواهد داشت که نفس خود را فرو دهد. آیا این تفکر در مغایرت با شن است؟*

**معلم:** شیطانی که مریدان دافا را شکنجه و آزار می‌کند صرفاً باید پاکسازی شود. در خصوص جزئیات چیزها، آنها را می‌گذارم که شما دریابید.

*مرید در ادامه می‌پرسد: بعضی افراد بر این درک هستند که انجام آن [به طریقی که توصیف کردم] استفاده از تفکر بشری است. فرستادن افکار درست چیز باوقاری است، و اصول فاکتور می‌کند که فقط وقتی که آزاد از طلب هستیم چیزها به دست آورده می‌شوند، اینکه باید بگذاریم مسیر طبیعی چیزها طی شود. فقط وقتی که بعد از انجام تمرینات ایستاده و مجدداً بعد از تمرین نشسته افکار درست می‌فرستیم است که آن ترکیهٔ خودمان را تحت تأثیر قرار نخواهد داد. ممکن است به ما بگویند که آیا این اشکالی دارد که یک تمرین را چند تکه کرد و آن را در خلال چند ساعت انجام داد؟*

**معلم:** وابستگی رشد ندهید. وقتی تمرینات را انجام می‌دهید از الزاماتی که تعیین شده است پیروی کنید. در خصوص فرستادن افکار درست، بجز هنگامی که به صورت جمعی انجام می‌شود، می‌توانید آن را در هر زمانی که انتخاب می‌کنید انجام دهید. نظر من این است که انجام تمرینات انجام تمرینات است، پس صرفاً به طور معمولی آنها را انجام دهید. تا جایی که به فرستادن افکار درست مربوط می‌شود، می‌توانید آن را در هر زمانی، در هر مکانی، انجام دهید. تا زمانی که خودتان را خسته نکرده باشید، می‌توانید آنها را بیرون بفرستید، و این باید خوب و بی‌اشکال باشد. تمام آنچه که مصرف می‌کنید به سرعت مجدداً پر می‌شود. هدف از انجام دادن تمرینات صرفاً این نیست که تمرینات را انجام داده باشیم—تمرینات مکانیزم‌های شما را تقویت می‌کنند، و مکانیزم‌های خودکار هستند که واقعاً شما را ترفیع می‌دهند و انرژی‌تان را از نو پر می‌کنند. بیست و چهار ساعت روز توسط گونگ و توسط فا در حال پالایش شدن هستند، بنابراین اهمیتی ندارد وقتی افکار درست می‌فرستید چه مقدار انرژی به بیرون ساطع کنید، هیچ چیز آن از دست نمی‌رود. و در مورد توانایی‌های فوق‌طبیعی‌تان، آنها خودشان برخواهند گشت. چیزهای دیگری که به پایان می‌رسند نیز به طور مشابه سریعاً از نو پر می‌شوند، و دلیلش این است که استاندارد شما در آن ارتفاع است. مثل چیزی است که گفته‌ام: گونگ‌تان هر ارتفاعی که داشته باشد، علت آن این است که شین‌شینگ‌تاندر آن ارتفاع است، چرا که

محک [و میزانی] وجود دارد. وقتی آن محک در آن ارتفاع است، گونگ کاری جز این نمی‌تواند کند که تا آن نقطه بالا برود، و بنابراین چیزها به سرعت از نو پر می‌شوند. افزایش گونگ در اصل واقعاً آسان است. بالا بردن شین‌شینگ است که سخت است. از این روست که ساختن گونگ بسیار سخت است. (تسویق)

اکنون تمام برگه‌های پرسش را خوانده‌ام. (تسویق) میدان دافای ما در چند سال گذشته اعتباربخشی به دافا، روشنگری حقیقت، و نجات موجودات ذی‌شعور واقعاً سخت در حال کار کردن بوده‌اند؛ برای بسیاری از میدان دافا تا به آنجا که واقعاً احساس خسته بودن می‌کنند، و خیلی از افراد در انجام این کارها، در طول راه بر همه نوعی از چالش‌ها غلبه کرده‌اند. نمی‌شود چیزی جز این گفت که میدان دافا خارق‌العاده‌اند. در اصل، گرچه این من هستم که دارم می‌گویم شما خارق‌العاده‌اید، اما صرفاً دارم کلماتی را تکرار می‌کنم که خدایان به کار می‌برند. آنها هستند که می‌گویند شما خارق‌العاده‌اید. اگر فقط من بودم که می‌گفتم شما خارق‌العاده هستید، خوب، من استادان هستم، پس البته که کمی طرف میدانم را دارم. گستره وسیع‌تر حیات‌ها باید متقاعد می‌شدند، و این دلیلش است که چرا، مهم نیست که ممکن است چطور به نظر برسد—هرچند که شاید همان‌طور که به فا اعتبار می‌بخشید با گرفتاری‌ها و سدهای بسیاری روبرو شوید—امور روی هم‌رفته برای میدان‌مان در حال بهتر شدن هستند.

اصلاح کیهان توسط فا مطمئناً موفق می‌شود. حتی آن چیزهای نظم و ترتیب‌داده شده توسط نیروهای کهن جرئت نمی‌کردند کاری کنند که آن موفق نشود. فقط اینکه طرح‌ریزی‌هایشان با اصلاح فا مداخله کرد و به چیزهای بسیاری در اصلاح فا صدمه زد، که به همین دلیل است که عوامل نیروهای کهن باید به طور کامل از بین برده شوند. میدان دافا برای همیشه اینجا در دنیای بشری به فا اعتبار نخواهند بخشید، چراکه زمانی که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند قطعاً خواهد آمد. به زودی اصلاح فایی که دافا در کیهان در حال انجام آن است به پایان خواهد رسید. مردم اکنون می‌دانند که کیهان در حال بیشتر جدا شدن از راه شیری است. به بیان دیگر، تمام اینها صرفاً چیزی نیست که فقط من بگویم، و چیزی نیست که صرفاً میدان دافا بتوانند بدانند: حتی موجودات بشری نیز رفته‌رفته از آن آگاه خواهند شد.

هر چیزی که بشر به آن باور ندارد پیش چشمان خودش نمایان خواهد شد. هر راز حل‌نشده گذشته اینجا در دنیای بشری آشکار خواهد شد، و وقتی این اتفاق بیفتد زمانی خواهد بود که فا دنیای بشری را اصلاح می‌کند. با هر چیزی که شما میدان دافا انجام داده‌اید، نشان داده‌اید که لایق تمام چیزهایی که دافا برای تکوین شما صرف کرده است هستید. می‌توانم بگویم اعتباربخشی میدان دافا به فا، در مجموع، به آنچه که باید دست یافته است، و آنها مسئولیت‌های خود را به انجام رسانده‌اند. (تسویق) و اگرچه هنوز در پیش گرفتن ادامه سفر باقیست، و اگرچه انجام شدن برخی چیزها باقیست، اما فکر می‌کنم که هیچ یک از آنها مسئله‌ای محسوب نمی‌شوند، چراکه سخت‌ترین زمان گذشته است و شیطان‌ترین دوره به سر آمده است. (تسویق) جاده پیش رو فقط باید وسیع‌تر شود، در حالی که همه چیز باید روشن‌تر و شفاف‌تر از همیشه شود، و شما پخته‌تر و پخته‌تر خواهید شد. و شما، که تزکیه‌کننده هستید، باید بیشتر از همیشه حالت و رفتار یک مرید دافا را مجسم سازید. در زمانی که خواهد آمد به میدان دافا، برای تمام آنچه که در طول تمام روند اصلاح فا صرف کرده‌اند، غرامت و جبران داده خواهد شد. و حتی وقتی به شکنجه و زیان‌هایی که بشریت از آن رنج برده است می‌رسد، در زمان پیش رو، برای بشریت نیز تلافی خواهد شد. (تسویق) دافا برای بشریت آینده‌ای بنا خواهد کرد، و وقتی فردی، در طی این زمان که دافا در حال اشاعه است و میدان دافا در وضع ناملایم شکنجه و آزار شدن هستند، بتواند به طریق درستی عمل کند، این نوع فرد باید رستگار شود. چنین فردی آنچه را که از یک فرد انتظار می‌رود انجام داده است، بنابراین در آینده برای آنها یک محیط واقعی و حقیقی برای زندگی انسانی بنا خواهد شد.

طولی نخواهد کشید که همه چیز تغییر خواهد کرد، اما به عنوان میدان دافا، نمی‌توانید قبل از کمال به هیچ طریقی دچار تزلزل شوید. باید آنچه که باید انجام دهید را انجام دهید، همان‌طور که در تمام این مدت انجام داده‌اید. اگر به اندازه یک فکر یا نظراتان افراطی باشد، و اگر پیامدها را در نظر نگیرید، یا اگر به صلاح دافا فکر نکنید، به شما می‌گویم، آن وقت شما مسیرتان را خوب نیپیموده‌اید. از آنجا که مسیر شما قرار است برای آینده به جا بماند، باید در روشن ساختن آن موفق شوید. هدف تزکیه شما ورای کمال خود می‌رود، چراکه شما قرار است موجودات ذی‌شعور را نجات دهید، و در حال کمک به حیات‌های آینده هستید که آن آینده را بنا کنند. مسئولیت‌تان بزرگ است، اما بازپرداختی که در انتظار شماست بسیار عظیم است. آنچه بعداً خواهید گرفت از

آنچه که صرف می‌کنید بسیار فراتر می‌رود، تا جایی که امکان آن باشد. بنابراین امیدوارم که تحت هیچ شرایطی متزلزل نشوید. خواه رأی موجود نسبت به دافا توسط مردم برگردد یا نه، خواه وضعیت جدیدی پدیدار شود یا نه، هر موردی که باشد، مریدان دافا هنوز باید موجودات ذی‌شعوری را که نیاز است نجات یابند نجات دهند. به انجام آنچه که باید انجام دهید تمام راه تا کمال ادامه دهید! (تشیویق پرشور طولانی)

---

<sup>[۱]</sup> تعریف شده به صورت "ایده‌های کهن، فرهنگ کهن، رسوم کهن، و عادت‌های کهن".

<sup>[۲]</sup> "دافا عالی است"

<sup>[۳]</sup> Ground